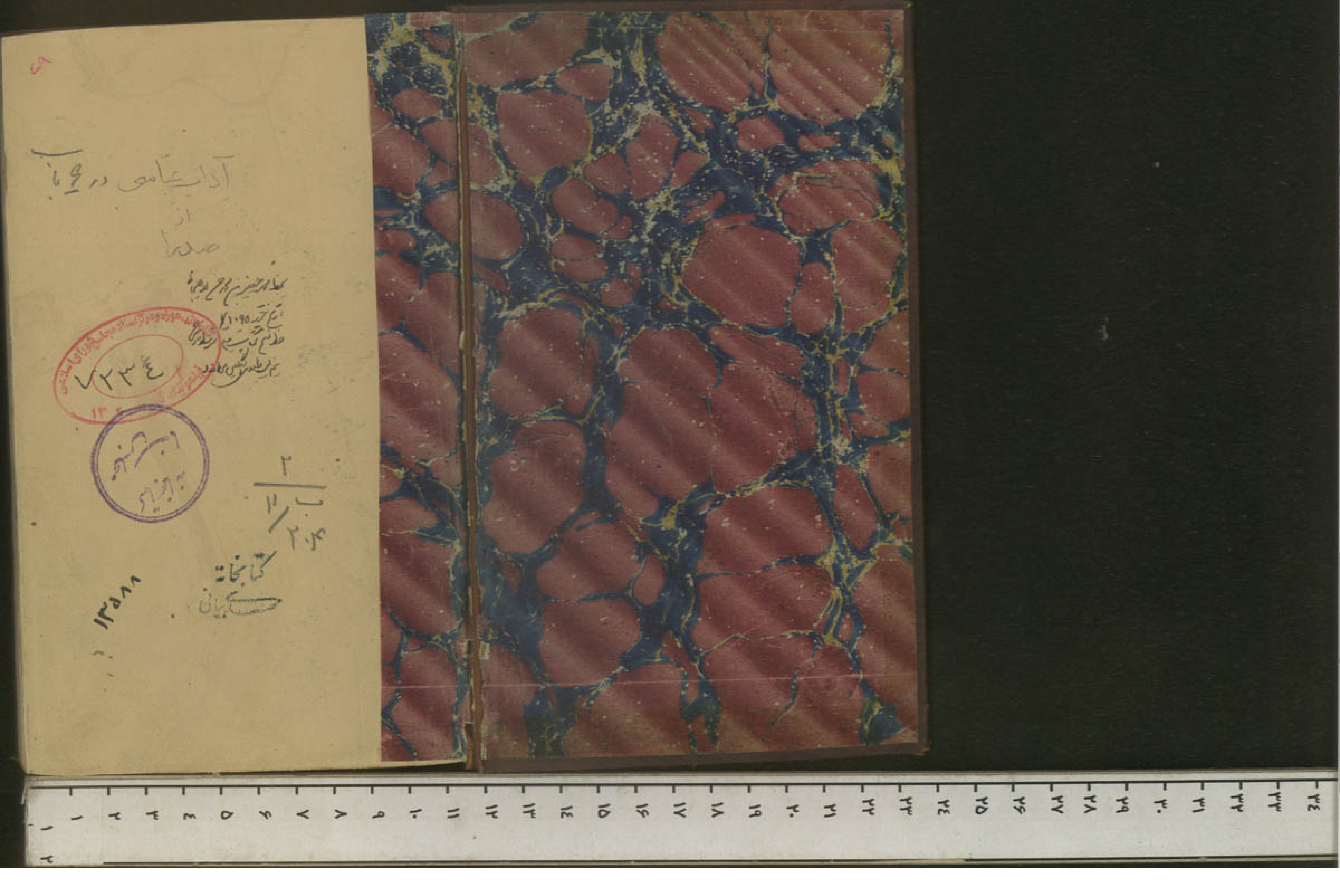
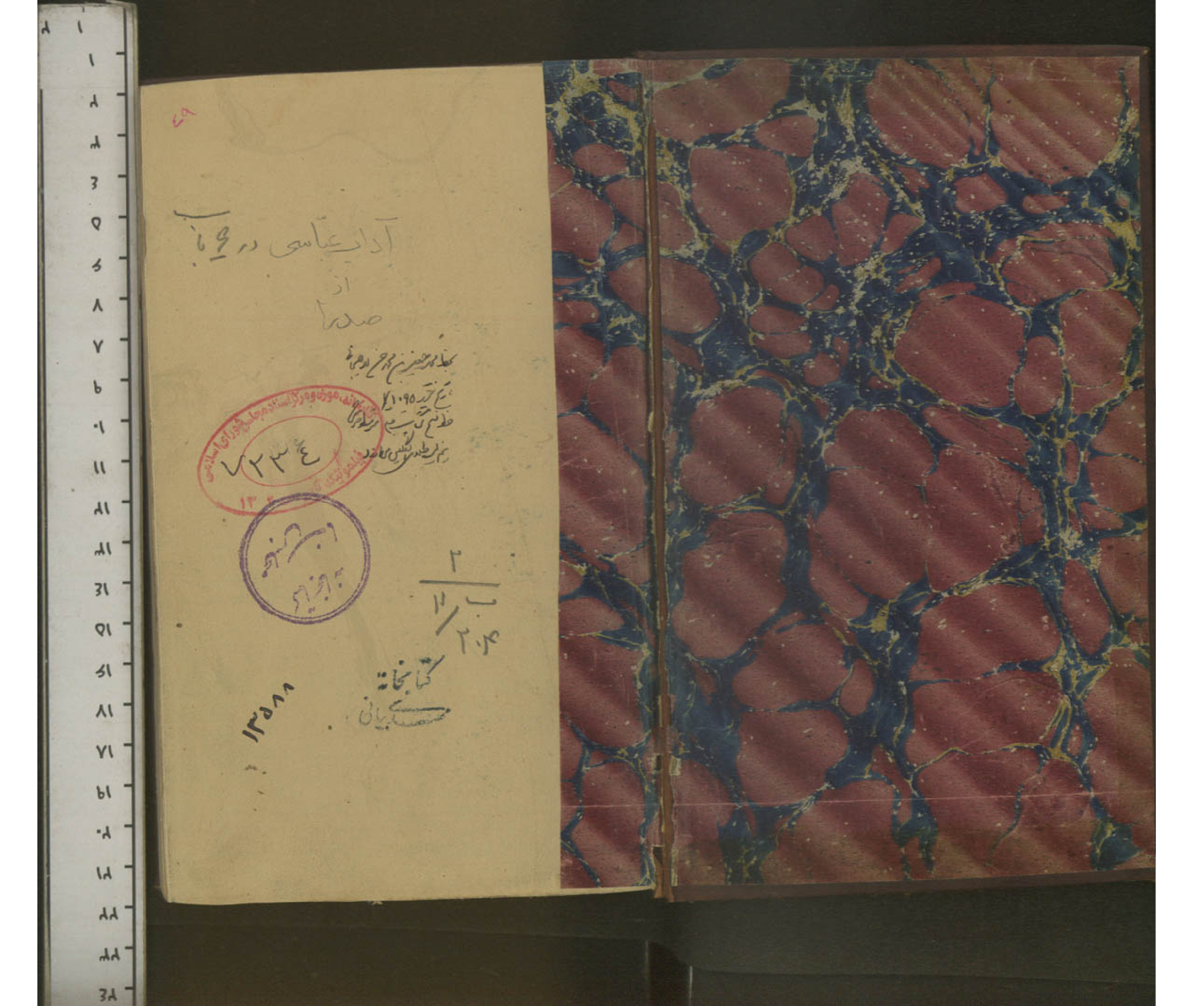
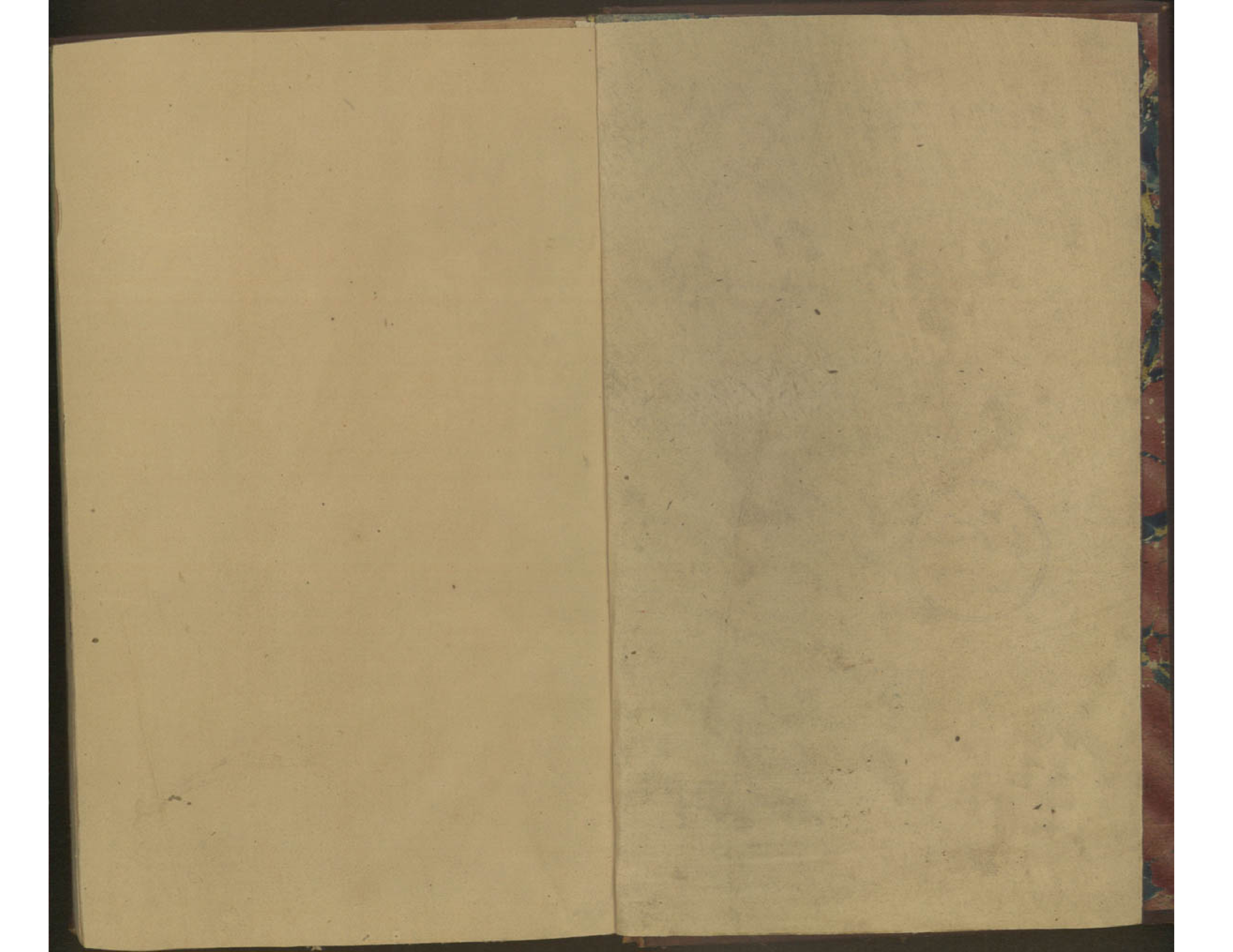

آداب عباسی
از
صدرا
٧٢٣٤
کتابخانه
١٣٥٨٨


آداب عباسی
از
صدرا
۷۲۳۴
۲
۲۰۴
کتابخانهٔ
۱۳۵۸۸





والارض آرایند و [illegible] عرفان قدس قبول از
ساقی ویطوف علیهم ولدان مخلدون باکواب
وأباریق وکأس من معین رحیق مختوم و
سقیهم ربهم شرابا طهورا آشامند و [illegible]
وحمله عرش تقدیس [illegible]
فانصب والی ربک فارغب آرمند [illegible]
عزته وعزت قدرته وصلوات مقدسات و
[illegible] برا قدس مقدسین ومهللین
واشرف [illegible] ومسبحین شارب رحیق و
انهار من خمر لذة للشاربین تاج دار ملک
دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی
شهسوار میدان ولسوف یعطیك ربك فترضی

محرم بارگاه وَلَا یَشْفَعُونَ اِلَّا لِمَنِ ارْتَضَیٰ صاحب
سریر یَا اَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَاَنْذِرْ وَرَبَّکَ فَکَبِّرْ
وَثِیَابَکَ فَطَهِّرْ و بر آل اطهار و اولاد مطهرین
اخیارش که شاه شاهان ملک اِنَّمَا یُرِیدُ اللّٰهُ
لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ
یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا در شان ایشانست صلوات
و تسلیمات دائمه بدوام عز ربوبیت و قدس
الوهیت تعزز و تقدس و تعالی

چنین گوید این ذره خاکسار ٭ بصد [illegible] شهره در کارزار
ز اطوار نفس از خدا شرمسار ٭ نظر بسته بر رحمت کردگار
که در وقت اقبال شاه جهان ٭ جهانگیر شاهی ده شه نشان
شهنشاه شاهان روی زمین ٭ ابوالنصر عباس نصرت قرین

از او رونق دین پاک نبی ٭ باو تازه آثار آل علی
جبین شهان از درش سجده‌گاه ٭ مؤید بتایید و نصر اله
بخاک درش نقش روی شهان ٭ چو بر روی زر نقش روی بتان
بتدبیر و رای و باقبال و بخت ٭ گشوده جهان از نشستن بتخت
نکرده بکس مشورت جز خدای ٭ همین از خدا جسته راه هدای
خدا نصرتش داده در هر وغا ٭ مددکار او احمد و هشت و چار
به تیغش بر انداخت بنیاد شر ٭ خدا برگزیدش بفتح و ظفر
بصحت تنش باد و خوش خاطرش ٭ خدایا و رو حافظ و ناصرش
فلک بر مراد دلش شادمان ٭ بزیر نگینش تمام جهان
سخندان دین مجتهد زمان ٭ بهائی محمد شه عالمان
کتابی در آداب طاعت نوشت ٭ در او داد هر وقت و ساعت نوشت
بلفظ عرب بود آن را بیان ٭ نبد فرس را نفع بسیار از آن

برای غلامان خاقان دین ٭ بفرهنگ بیان کرد این کمترین
چو بنام شاه جهان شد تمام ٭ شد آداب عباسیش نیز نام
امید انکه مقبول یزدان شود ٭ تواب شهنشاه جهانبان شود
ببخشد خدا عمر سلمان باو ٭ بود شمع ایمان فروزان باو
برونق از و باد شرع نبی ٭ وزو شاد جدش علی ولی
ومن الله التوفیق وعلیه التکلان واین رساله شش
بابست باب اول در بیان انچه از طلوع صبح
صادق تا طلوع آفتاب بجا باید آورد [illegible]
در بیان انچه از طلوع آفتاب تا وقت ظهر بجا باید
آورد باب سیوم در بیان انچه از وقت ظهر تا
فرو رفتن آفتاب بجا باید آورد باب چهارم
در بیان آنچه از فرو رفتن آفتاب تا وقت خوابیدن

بجا باید آورد باب پنجم در بیان انچه از وقت
خوابیدن تا نصف شب بجا باید آورد باب ششم
در بیان انچه از نصف شب تا طلوع صبح بجا باید
آورد باب اول در بیان انچه از طلوع صبح صادق
تا طلوع آفتاب بجا باید آورد و دران مقدمه ایست
وچند فصل مقدمه بدانکه از اصحاب عصمت
سلام الله علیهم حدیث بسیار در فضیلت این وقت
نقل شده واین وقت را ساعت غفلت میگویند
چنانچه از فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن شفق را
ساعت غفلت می نامند وسنتست که آدمی درین
وقت بیدار باشد زیرا که خواب درینوقت
شوم است و محمد بن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه

نقل کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرموده که خواب صباح شومست و روزی را
میرماند و رنگ رو را زرد میکند و متغیر
میسازد و آن خواب هر شومیت تحقیق که
خدای تعالی قسمت میکند روزیهای بنی آدم را
در وقتی که میان طلوع فجر است تا طلوع آفتاب
پس حذر کنید و بپرهیزید ازین خواب و در کتاب
مذکور روایت کرده که حضرت ابو الحسن رضا
علیه السلام در تفسیر آیه فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا فرموده
که مراد فرشتگانند که قسمت میکنند روزیهای
بنی آدم را در میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس
کسیکه خواب کند درین وقت خوابیده است از روزی

خود و در حدیث است که نماز صبح نوشته میشود
در عملهای شب و عملهای روز روایت کرده
کلینی در کتاب کافی که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام در تفسیر آیه إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ
مَشْهُودًا فرموده مراد بقرآن الفجر نماز صبح است
می بینند آنرا فرشتگان شب و فرشتگان روز پس
هرگاه بگزارد بنده نماز صبح را در وقت طلوع فجر
نوشته میشود برای او دو بار م[illegible]
فرشتگان شب و فرشتگان روز [illegible]
[illegible] علمای [illegible] قدس الله [illegible]

و در اینجا اشکالیست زیراکه [illegible]

حوره

از علما روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که سؤال کرد یکی از نصاری از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام از ساعتی که نه از ساعتهای
شبست و نه از ساعتهای روز پس آن حضرت
فرمود که ساعت میان طلوع فجرست تا طلوع آفتاب
و این جواب بنا بر مذهب نصاری است نه بر مذهب
اثنا عشریه زیرا که در روایت هست که آن سائل از
کشیشان علمای نصاری بوده و از مسئله چند
پرسید که در مذهب ایشان بود و مطلع بر آن مسائل
نبودند مگر بزرگان علمای نصاری و این مسئله
هم از آن مسائل بود **فصل** بدانکه نماز صبح داخل
نماز روز است باجماع علمای ما و سلیمان اعمش آنرا

داخل نماز شب دانسته بدلیل آنکه پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرموده که صلوة النهار عجماء یعنی نماز
روز است جوابش آنست که پیغمبر صلی الله علیه
و آله نماز صبح در نیجکم داخل نماز روز نکرده اند
بواسطهٔ آنکه آنحضرت نماز صبح را در تاریکی بجا
می آوردند چنانکه چون از نماز فارغ می شدند
زنان [illegible] خود میرفتند و کسی ایشانرا نمیشناخت
بواسطه [illegible] **روایت** کرده ابن بابویه در کتاب
من [illegible] یحیی بن اکثم سؤال کرد از
[illegible] السلام که چرا در نماز
[illegible]

علیه وآله نماز صبح را در تاریکی بجا می آورد پس

مقارن ساخت آنرا بنماز شب اما آنچه ابن بابویه

قدس سره روایت کرده که حضرت امام محمد باقر علیه

السّلام فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

در روز هیچ نماز نمیکرد تا زوال آفتاب یعنی تا وقت

ظهر پس غرض درست بر سنیان که نماز چاشت را

سنت میدانند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

آنرا نمیکرده سنت داشتن آن بدعتست در بیان

صبح صادق و کاذب در تحقیق فجر اول که صبح

کاذبست و فجر دویم که صبح صادقست و اول

وقت نماز صبح است و اینجا ذکر کنیم حاصل آنرا که

حضرت شیخ جمال الدین حلی قدس سره در کتاب

منتهی المطلب فرموده بدانکه روشنی روز از

آفتابست و هرچه [illegible] شود بشعاع آفتاب او را

در جانب دیگر سایه [illegible] مقدار

ساخته که دیده [illegible]

قرص آفتاب [illegible]

مخروط باشد [illegible]

مخروط ظل [illegible]

مخروط ظل [illegible]

شعاع آفتاب [illegible] روز [illegible]

مخروط ظل در مشرق باشد و هرچند آفتاب پائین تر
رود سر مخروط ظل بالاتر آید و چون آفتاب
بزیر قدم رسد مخروط ظل بالای سر آید و چون
از انجا آفتاب بجانب مشرق رود سر مخروط
ظل از بالای سر بجانب مغرب میل کند و چون
آفتاب در آخر شب بمشرق نزدیک شود انجا از
مخروط ظل روشن است در بالای مشرق نمایان
شود باریک و دراز چون ستون آنرا صبح کاذب
و فجر اول میگویند اما درین وقت مشرق تاریک
باشد و چون آفتاب اندکی دیگر در زیر افق بمشرق
نزدیک شود آن روشنی بیشتر شود و مشرق روشن
شود و روشنی در مشرق پهن گردد و این صبح

صادق

صادق است و اول وقت نماز صبح اینست و ازین
شکل تصور آنچه گفتیم آسان شود بدانکه متعلق
نیست بصبح کاذب مگر اندکی از عبادات مثل داخل
شدن وقت فضیلت نماز وتر زیرا که افضل
اوقات وتر از طلوع صبح کاذبست تا طلوع صبح
صادق روایت کرده شیخ طوسی قدس سره
در کتاب تهذیب بسند صحیح که اسمعیل بن
سعد الاشعری گفت پرسیدم از حضرت امام
رضا علیه السلام از افضل ساعات وتر پس
آن حضرت فرمود که دوست ترین ساعتهای
وتر نزد من فجر اول است در حدیثست که شخصی
در اول شب پرسید از حضرت امیر المومنین

علیه السلام از وقت وتر آن حضرت جواب نگفت
تا وقت مابین صبح کاذب و صبح صادق شد حضرت
امیر علیه السلام بیرون آمد از مسجد و سه بار
ندا کرد که کجاست آنکه سؤال کرد از وقت وتر
نیکو ساعتی است نماز وتر را این ساعت بعد از آن
برخاست آنحضرت و نماز وتر را بجای آورد و
سنت است که چون صبح صادق طلوع کند این
دعا بخوانند یا فالِقَهُ مِن حَیثُ لا اَری وَ
مُخرِجَهُ مِن حَیثُ اَری صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ
اجعَل اَوَّلَ یَومِنا هذا صَلاحًا وَ اَوسَطَهُ
فَلاحًا وَ آخِرَهُ نَجاحًا روایت کرده ابن بابویه
قدس سره در کتاب فقیه بسند صحیح که حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نوح علیه
السلام هرگاه صباح و شام کردی در هر یک ده
بار گفتی اَللّهُمَّ اِنّی اُشهِدُکَ اَنَّهُ ما اَصبَحَ بی مِن
نِعمَةٍ وَ عافِیَةٍ فی دینٍ اَو دُنیا فَمِنکَ وَحدَکَ
لا شَریکَ لَکَ لَکَ الحَمدُ وَ لَکَ الشُّکرُ بِها
عَلَیَّ حَتّی تَرضی وَ بَعدَ الرِّضا بِه این سبب نام
او عبد شکور شد روایت کرده کلینی در کتاب
کافی بسند حسن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که چون صبح می شد حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام میگفت سُبحانَ المَلِکِ القُدّوسِ
سه بار اَللّهُمَّ اِنّی اَعوذُ بِکَ مِن زَوالِ نِعمَتِکَ
وَ مِن تَحویلِ عافِیَتِکَ وَ مِن فُجاءَةِ نِقمَتِکَ وَ مِن

دَرَكِ الشَّقَاءِ وَشَرِّ مَا سَبَقَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَبِشِدَّةِ قُوَّتِكَ
وَبِعِظَمِ سُلْطَانِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ اَنْ
تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا و مطلب خود ذکر باید کرد
روایت کرده کلینی در کتاب کافی بسند صحیح
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله گذشت بر شخصی که درخت
می نشاند در زمین محوطهٔ خودش پیغمبر صلی الله
علیه و آله ایستاد و گفت آیا دلالت کنم ترا بر نشاندن
درختی که اصل آن ثابت تر و رسیدن میوه زودتر
و میوهٔ آن بهتر و باقی تر است آن شخص گفت بلی پس
مرا دلالت کن یا رسول الله پس آنحضرت فرمود که

چون صبح و شام کنی بگو که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ پس بدرستی که
تراست بهر تسبیحی ده درخت در بهشت از
انواع میوه‌ها و این تسبیحاتند باقیات صالحات
پس امام محمد باقر علیه السلام فرمود که آن شخص گفت
بدرستیکه ترا گواه میگیرم یا رسول الله این محوطه
من صدقه ایست مقبوضه بر فقرای مسلمین که
مستحق صدقه باشند پس نازل ساخت خدای تعالی
آیه چند از قرآن فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى وَاتَّقٰى وَصَدَّقَ
بِالْحُسْنٰى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرٰى یعنی اما آن کسی که
عطا کند و بپرهیزد و تصدیق کند به نیکوئی پس
زود باشد که ما میسر سازیم او را برای آسانی

روایت کرده سید جلیل جمال العارفین رضی الدین
علی بن طاوس قدس سره که حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرموده که کسی که صباح کند و در دست
راست او باشد انگشتری که نگین او عقیق باشد
و پیش از انکه کسی را ببیند نگین او را بگرداند
بشکم دست و انا انزلناه بخواند تا آخر و
بعد از ان بگوید اٰمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لاشَرِيكَ لَهُ
وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاٰمَنْتُ بِسِرِّ آلِ
مُحَمَّدٍ وَعَلانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَاَوَّلِهِمْ
وَآخِرِهِمْ نگاه دارد خدای تعالی او را در ان روز
از شر انچه از آسمان پائین آید و انچه باسمان بالا
بیرون
رود و انچه از زمین آید و در حرز خدا و کنف او

باشد تا شام کند روایت از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که نزد صباح سه بار گفت
اَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَلِيَّ الْاَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ
دِينِي وَنَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَاِخْوَانِي
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي
وَجَمِيعَ مَا يَعْنِينِي اَمْرُهُ اَسْتَوْدِعُ اللهَ الْمَخُوفَ
الْمَرْهُوبَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ
دِينِي وَنَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَاِخْوَانِي
الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ
مَنْ يَعْنِينِي اَمْرُهُ فصل در بیان وضوی کامل
بدانکه در محل طلوع صبح صادق با وضو باشی
تا اذان صبح را با طهارت کوئی و ما اینجا وضوی

کامل را بیان کنیم پس چون خواهی که وضو سازی
اوّل مسواک کن و باید که بعرض دندانها یعنی
پهنائی مسواک کنی نه بطول یعنی نه بدرازی آنها
و کافیست انگشت از چوب مسواک روایت کرده
در کتاب تهذیب که حضرت امام جعفر صادق
علیه السّلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرموده که مسواک بابهام و مسبّحه
یعنی در وقت وضو مسواکست و غرض آنست که
مالیدن انگشت شهادت و انگشت بزرگ بر
دندانها در وقت وضو ثواب مسواک کردن
دارد و سنتّاست رو بقبله بودن در حال وضو
و اکثر علمای ما ذکر نکرده اند و بعضی ذکر کرده

و مستند شده اند بآنچه منقولست از ائمه ما
علیهم السّلام که بهترین مجالس آنست که رو بقبله
باشد پس اگر وضو از ظرفی سازی که ممکن باشد
دست در آن فرو بردن و آنرا بر جانب راست
بگذارد و اگر از نهری یا حوضی وضو سازی
چنان بنشین که آن بر جانب راست تو واقع شود
و اگر جمع نتوان میان رو بقبله نشستن و گذاشتن
آب وضو بر جانب راست پس ظاهر ترجیح
استقبال است و چون نظر بر آب کنی بگو اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَ الْمَآءَ طَهُوْرًا وَ لَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا
پس بشو دستها را تا بندها پیش از آنکه بآب فرو
بری یکبار اگر از حدث بول یا خواب وضو سازی

نه حدث تا دو دو بار از حدث غایط و شستن دستها
پیش از وضو از غیر این سه حدث سنت نیست و
اگر وضو از حوضی یا ابریقی سازی پس مذهب اکثر
علما آنست که شستن دستها در ینحال سنت نیست و
بعضی دیگر سنت میدانند بعد از آن دست
در آب زن و بگو آنچه روایت کرده در تهذیب
بسند صحیح که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرموده که چون دست در آب بگذاری بگو بسم الله
و بالله اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی
من المتطهرین پس سه بار مضمضه یعنی آب در
دهن کن به کف پس سه بار هم آب در بینی کن و بگو
عقب هر یک دعائی که در فصل آینده خواهیم ذکر

کرد پس بدست کفی آب بردار و نیت کن که وضوی
واجب میسازم برای مباح بودن نماز جهت
امتثال امر الله تعالی و مقارن ساز به نیت شستن
بالای رو را و حکم نیت را دایم دار تا فارغ
شدن بگو بسم الله چنانکه روایت کرده در کافی
از امام محمد باقر علیه السلام و ظاهر آنست که بسم الله
اول کافی نیست بلکه اینجا هم بسم الله باید گفت
زیرا که آن برای شروع در سنت بود و این
برای شروع در واجبست و تجویز کرده اند
مقارن ساختن نیت را بشستن سرهای دست
اگر شرایطش موجود باشد و بمضمضه و باستنشاق
هم بدلیل آنکه چون هر سه از افعال وضوی کامل اند

و ابن طاوس قدس سره توقف کرده در جایز بودن
مقارنهٔ نیت بغیر شستن رو و احتیاط با اوست
و چون آب بر رو ریزی دست بر آن کش چنانکه
از اصحاب عصمت سلام الله علیهم منقولست
نزد حکایت وضوی بیانی پیغمبر صلی الله علیه
و آله و خلاصی از خلاف کسیکه دست کشیدن را
واجب میداند **و واجب** نیست که هر جزوی از اجزای
رو که بالاترست بشوئی پیش از جزوی که پائین
آن جزو است بلکه چون ابتدا بشستن اعلای
رو کنی کافیست و حد رو در طول و عرض
آنست که دور کند بر و ابهام و وسطی یعنی انگشت
بزرگ و انگشت میانه بر آن بگردد چنانکه تا طوق

بآن صحیحه زراره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
بیان آن در شرح حدیث چهارم از کتاب چهل
حدیثاست **و واجبست** تخلیل یعنی رسانیدن
آب بزیر موئی که پوست رو از زیر آن دیده شود
وقت مواجهه یعنی رو برو بودن چنانکه شستن
بر آن صادق آید یعنی در وقتی که دو کس رو بروی
هم باشند که پوست رو در مجلس تخاطب دیده نشود
تخلیل آن واجب نیست بلکه واجب شستن ظاهر
آن موست و چشمها بکشا در حال وضو **روایت** کرده
در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده
که بکشائید چشمها را نزد وضو شاید که چشمها
نه بینند آتش جهنم را و اکثر علمای ما ذکر این و رسیتها

وضو نکرده اند و بعضی را ظن شده وجه اهمال
آن باشد که شیخ طوسی قدس سره نقل کرده اجماع را
بر انکه سنت نیست رسانیدن آب وضو بدرون
چشمها و شیخ شهید قدس سره در کتاب ذکری
فرموده که منافاتی نیست میان این دو زیرا که
می تواند بود که چشمها باز کردن سنت باشد و بدرون
چشم کردن سنت نباشد پس چون فارغ شوی
از شستن رو کفی از آب بردار بدست چپ چنانکه
حضرت امام محمد باقر علیه السلام کرد نزد بیان
وضوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و بشو
بآن دست راست را از مرفق تا سر انکشتان و دست
چپ را بکفی بدان تا سر انکشتان و اینجا واجبست رسانیدن

آب بزیر مو خواه بسیار باشد و خواه اندک اکرچه
دیده نشود و ابتدا کن بشستن ظاهر دست و زن
ابتدا کند بباطن دست بعد ازان بدست راست کفی
آب بردار و بآن دست چپ را بشو چنانکه دست
راست را شستی و باید که هر یک از رو و دستها را
یکبار یکبار بشوئی نه زیاده چنانکه مذهب کلینی
است و ابن بابویه پس بتری دست راست مسح کن
بسر انکشت پهلوی هم نهاده بپوست پیش سر را
یا موئی که بر انجا روئیده و بکشیدن بیرون
نرود و از حد رو و بباقی ماندهٔ آن تری مسح کن
پشت پای راست را از سر انکشتان تا کعب یعنی تا بند پا
انجا که از هم جدا میشود یا از قدم و کافی نیست

پاین تر از کعب و این هم در مشرق الشمسین و حبل
المتین مذکور است پس مسح کن پشت پای چپ را
به تری دست چپ و باید که مسح سر و قدمها بکف
دستها باشد نه پشت دستها مگر برای مضطر و
باید که دست کشیده شود بر سر قدمها و کافی نیست
گذاشتن دست بی کشیدن و باید که قدمها را
مسح کنی بتمام کف چنانکه در تهذیب روایت کرده
بسند صحیح از احمد بن محمد بن نصر البزنطی که گفت
سؤال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام
از مسح قدمها که چگونه است پس گذاشت آنحضرت
کف دست خود را بر انگشتان پا پس مسح کرد آنها را
تا کعبها پس گفتم اگر کسی بدو انگشت از انگشتان

خود مسح کند اینچنین تا کعبین آن حضرت فرمود که
لا اِلّا بِکَفِّهِ کُلِّهَا یعنی مسح تمام نیست مگر بکف
و باید که افعال وضو را پی در پی بجای آری بی تاخیر
میان آنها بر عایت ترتیب مذکور حتی در مسح
قدمها چنانکه مختار جمعی است از متقدمین
علمای ما و کلینی در کافی روایت کرده بسند
حسن که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده که مسح کن بر قدمها و ابتدا کن بجانب
راست و باید که بخوانی نزد هر فعل از افعال وضو
دعائی که مقرر است برای آن فعل چنانکه در فصل
آینده مذکور میشود و چون از وضو فارغ شوی
بگو اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العَالَمِینَ چنانکه شیخ طوسی قدس

سره در تهذیب روایت کرده بسند صحیح و بعد از ان
بکو اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من
المتطهرین اللهم انی اسئلک تمام الوضوء و
تمام الصلوة و تمام رضوانک والجنة و بدانکه
بیشتر افعال مذکوره و جمیع دعاها سنتست و
افعالی که واجبست ده است نیت یا استدامت حکمی
وشستن رو و دستها و مسح سر و قدمها متصل
از سر قدمها تا کعب و ترتیب و موالات یعنی پی د
پی بودن و مباشرت یعنی خود وضو ساختن مگر
برای ضرورت و سنتست ترک تمندل یعنی بعد از
وضو بمندیل خشک کردن تری وضو روایت کرده
کلینی در کافی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

فرموده

فرموده که کسیکه وضو کند و تمندل کند باشد مر
او را یک حسنه و اگر تمندل نکند تا آنکه خشک شود
آب وضوی او باشد او را سی حسنه ظاهر آنست که
عمدا خشک کردن آب وضو بآفتاب یا بآتش مثل
تمندل باشد و باکی نیست وضو ساختن در مسجد
از غیر حدث بول و غایط و ازین دو مکروهست
چنانکه روایت کرده در کافی بسند صحیح

فصل روایت کرده ثقة الاسلام در کافی و رئیس المحدثین
در فقیه و شیخ الطائفه در تهذیب از عبد الرحمن
بن کثیر الهاشمی که امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
نشسته بود با پسر خود محمد حنفیه رضی الله عنه

کفت یا ای محمد بیار ظرفی از آب که وضو سازم برای
نماز پس آورد برای آنحضرت آب پس آنحضرت کفی
از آب بدست راست برداشته بر دست چپ
ریخت پس کفت بِسْمِ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ
الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام بعد از آن استنجا کرد
و کفت اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعِفَّهُ وَاسْتُرْ
عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ فرمود که بعد از آن
مضمضه کرده یعنی آب در دهن مبارکش کرد
پس کفت اَللّٰهُمَّ لَقِّنِّي حُجَّتِي يَوْمَ أَلْقَاكَ وَ
أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ پس استنشاق کرد و کفت

اَللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ
يَشُمُّ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَطِيبَهَا فرمود که پس
روو شست و کفت اَللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ
فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ
الْوُجُوهُ پس شست دست راستش را پس کفت
اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ فِي
الْجِنَانِ بِيَسَارِي وَحَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا
و بعد از آن شست دست چپش را و کفت اللّٰهُمَّ
لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً
إِلَى عُنُقِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّيرَانِ
پس مسح کرد سر مبارکش را و کفت اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي
رَحْمَتَكَ وَبَرَكَاتِكَ پس مسح کرد پایها را و کفت

اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ

وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي بعد از آن بالا
کرد سر مبارکش را و نظر کرد به محمد و گفت ای محمد
کسی که وضو سازد مثل وضوی من و بگوید مثل
گفتن من خلق کند خدای تعالی از هر قطره فرشته
که تقدیس و تسبیح و تکبیر خدا گوید و
بنویسد خدای تعالی برای او ثواب آنرا تا روز
قیامت **بدانکه** میان نسخهای کتاب کافی و فقیه
و تهذیب اندک اختلافست و در بعضی الفاظ
این دعاها و آنچه اینجا مذکور است بطریقیست
که شیخ طوسی قدس سره در تهذیب آورده و
نسخهٔ که پیش عالیحضرت استاد است دام ظله بخط

والد مبارکش قدس سره است که همین نسخه را
پیش شیخ زین الدین نور الله ضریحه خوانده و در
آخر جلدی اجازه نوشته بخط مبارکش برای او
فصل هرگاه از وضو فارغ شوی متوجه شو
بمسجد **روایت کرده** رئیس المحدثین در فقیه که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
کسی که راهی شود بمسجد نگذارد پا بر هیچ تری و
نه بر هیچ خشکی مگر که تسبیح کند برای او زمین
هفتم و چون خواهی که بمسجد روی وقت بیرون
رفتن از خانه بگوید بِسْمِ اللهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ
يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا
مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ

وَالَّذِی اَطْمَعُ اَنْ یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ الدِّینِ
رَبِّ هَبْ لِی حُکْمًا وَاَلْحِقْنِی بِالصّٰلِحِینَ
وَاجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْاٰخِرِینَ وَاجْعَلْنِی
مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیمِ وَاغْفِرْ لِاَبِی روایت کرده
جمال السالکین در کتاب عدة الداعی که پیغمبر صلی
الله علیه وآله فرموده که کسیکه وضو سازد و
بعد از ان بیرون رود بجانب مسجد و در محل
بیرون رفتن از خانه بکوید بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی
خَلَقَنِی فَهُوَ یَهْدِینِ هدایت کند خدای تعالی
او را بصواب و ایمان و چون بکوید وَالَّذِی هُوَ
یُطْعِمُنِی وَیَسْقِینِ بخوراند خدای تعالی او را از
طعامهای بهشت و بیاشاماند او را از شراب

بهشت

بهشت و چون بکوید وَاِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ
بکرداند خدای تعالی این کفتن را کفارهٔ کناهان
او و چون بکوید وَالَّذِی یُمِیتُنِی ثُمَّ یُحْیِینِ بمیراند
او را خدای تعالی مردن سعادت یافتکان و چون
بکوید وَالَّذِی اَطْمَعُ اَنْ یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ
الدِّینِ بیامرزد خدای تعالی جمیع خطاهای او را
اکرچه زیاده باشد از کف دریا و چون بکوید
رَبِّ هَبْ لِی حُکْمًا وَاَلْحِقْنِی بِالصّٰلِحِینَ
ببخشد خدای تعالی او را حکمت و علم و برساند او را
بصالحان کذشتکان و صالحان باقی ماندکان
و چون بکوید وَاجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی
الْاٰخِرِینَ بنویسد خدای تعالی برای او در

سفید کہ فلان بن فلان از راست گویانست وچون
بگوید وَاجْعَلْنِی مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیمِ عطا کند
خدای تعالی باو منزلها در جنّت نعیم وچون بگوید
وَاغْفِرْ لِأَبِی بیامرزد خدای تعالی پدر و مادر اورا
وچون خواهی کہ بمسجد داخل شوی کفش را وانچه
قایم مقام آن باشد ملاحظه کن کہ نجاستی نداشته
باشد و مقدم دار پای راست را و بگو بِسْمِ اللّٰهِ
وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَإِلَی اللّٰهِ وَخَیْرُ الْأَسْمَاءِ کُلِّهَا
لِلّٰهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَافْتَحْ لِی أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ وَأَغْلِقْ عَنِّی
أَبْوَابَ مَعْصِیَتِكَ وَاجْعَلْنِی مِنْ زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ

مَسَاجِدِكَ وَمِمَّنْ یُنَاجِیكَ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَ
مِنَ الَّذِینَ هُمْ فِی صَلَوٰتِهِمْ خَاشِعُونَ وَادْحَرْ
عَنِّی الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ وَجُنُودَ إِبْلِیسَ أَجْمَعِینَ
وچون خواهی کہ کفش یا نعلین یا غیر اینها را از پا
بیرون کنی چپ را پیش از راست بیرون کن و در
پوشیدن بعکس و اگر در پا نعل عربی باشد و نماز
کردن بآن ممکن باشد پس بآن نماز کن و آن را بیرون
مکن زیرا کہ نماز در نعل عربی سنّت است روایت
کرده در تهذیب بسند صحیح از ابن عمار کہ گفت
دیدم بارها امام جعفر صادق علیه السلام کہ
نماز میکرد در نعلینش و هرگز ندیدم کہ در وقت
نماز کنده باشد و روایت کرده از عبد الرحمن بن

ابی عبدالله کہ او کفت حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده کہ هرکاه نماز میکنی پس نماز
در نعلین کن اکر پاك باشد زیرا کہ کفته خواهد
شد کہ این از سنتهاست ظاهر آنست کہ حضرت
اشاده کرده کہ هرکاه تو در نعلین نماز کنی شیعه
میدانند کہ نماز درین سنتاست زیرا کہ راوی
از اعیان اصحاب امام علیه السلام است واعتماد
تمام بر قول و فعل اوست **بعد ازان** اذان بکوید
زیرا کہ اذان صبح از سنتهای مؤکده است حتی
انکہ سید مرتضی رضی الله عنه واجب دانسته
بر مردان و ابن عقیل با او موافقت کرده و زیادتی
کرده و کفته کہ نماز صبح باطلست بترك آن عمداً

فصول اذان اینست اَللّٰهُ اَکبَرُ چهار بار اَشْهَدُ اَنْ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دو بار اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ
دو بار حَیَّ عَلَی الصَّلٰوةِ دو بار حَیَّ عَلَی الْفَلَاحِ
دو بار حَیَّ عَلٰی خَیْرِ الْعَمَلِ دو بار اَللّٰهُ اَکْبَرُ
دو بار لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دو بار **و سنتست** کہ در
حال اذان ایستاده باشی رو بقبله انکشتهای
شهادت را در کوشها کرده باواز بلند بتانی بر
هر فصلی ازین هیجده فصل مذکور وقف کنی
و بجانب راست و چپ نکردی و در اثنای آن
حرف نزنی و نزد ذکر پیغمبر صلی الله علیه و آله
صلوات بران حضرت فرستی **روایت کرده** رئیس
المحدثین در فقیه بسند صحیح کہ امام محمد باقر

علیه السلام فرموده که صلوات بر پیغمبر هرگاه ذکر آن
حضرت کنی یا ذکر آنحضرت کند پیش تو ذکر کننده در
اذان وغیر اذان ومخفی نیست ظاهر اینحدیث دلالت
میکند بر واجب بودن صلوات بر پیغمبر صلی الله
علیه وآله هرکه ذکر آنحضرت کند هرکه ذکر آنحضرت را
شنود در هر یاد کردنی وهر شنیدنی وبعضی
سنیان را مذهب آنست که واجبست صلوات بر
پیغمبر صلی الله علیه وآله در مدت عمر یکبار وبعضی
ایشان را آنکه واجبست در هر مجلسی یکبار وبعضی
ایشانرا آنکه واجبست هرگاه نام آنحضرت مذکور شود
واین موافق مذهب ابن بابویه است قدس سره وصاحب
کنز العرفان موافق اوست در واجب بودن صلوات

هرگاه اسم آنحضرت مذکور شود واصح اینست که دلیل
این میتوان ساخت قول خدای تعالی را ولا تجعلوا
دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا
یعنی مکردانید طلب کردن پیغمبر را میان خود
مثل طلب کردن بعضی از شما بعضی را بآنچه پیغمبر
صلی الله علیه وآله فرموده که هر که من پیش او مذکور
شوم وصلوات نفرستد بر من داخل آتش شود پس
دور کرده او را خدای تعالی وآنچه مرویست که از آن
حضرت سؤال کردند از قول خدای تعالی ان الله
وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین
آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما بر آنحضرت فرمود
که این از علم مکنونست واگر نه آنکه شما سؤال کردید

از این خبر نمیدادم شما را بدرستی که خدای تعالی
موکل ساخت دو فرشته پس نام من برده نشود نزد
مسلمی و او صلوات فرستد بر من مگر آنکه برای او
دو فرشته گویند غَفَرَ اللهُ لَکَ و بگوید خدای تعالی
و همه فرشتگان آمین و من مذکور شوم نزد مسلمی
و صلوات نفرستد بر من مگر آنکه دو فرشته بگویند
لا غَفَرَ اللهُ لَکَ و بگوید خدای تعالی و ملائکه
آمین و مخفی نماند که قول امام محمد باقر علیه السلام
در حدیث اول که هرگاه که ذکر کنی تو آن حضرت را
یا ذکر کند پیش تو ذکر کننده تقاضا میکند واجب
بودن صلوات [illegible] آن حضرت مذکور باسم یا
بلقب یا بکنیت و ممکن است که ذکر آن حضرت بضمیر هم

چنین

چنین باشد و در کلام علمای ما چیزی درین نیافتم
و احتیاط مقتضی عمومست بدانکه اظهر آنست که
صلوات واجب بجا می آید بگفتن اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ اما بخبر روایت شده که چون آیه نازل شد
اصحاب گفتند یا رسول الله سلام بر تو دانستیم صلوة
بر تو چونست پس آنحضرت گفت اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلیٰ اِبْرٰهِیمَ وَ آلِ
اِبْرٰهِیمَ وَ بَارِکْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا
بَارَکْتَ عَلیٰ اِبْرٰهِیمَ وَ آلِ اِبْرٰهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ
ظاهر آنست که حضرت بیان افضل کیفیات صلوة
فرموده اند بدانکه پیغمبر ما صلی الله علیه و آله
افضل است از حضرت ابرهیم علیه السلام و در علم

بلاغت مقرر است که مشبه به اقوی باید از مشبه

پس تشبیه صلوات بر پیغمبر ما بصلوات ابرهیم

خلاف مقرر بلاغت باشد جواب آنست که چون پیغمبر

صلی الله علیه وآله از آل ابرهیم است پس باین گفتن

دو صلوات جهت آنحضرت طلب شده یکی صلواتی

که خدای تعالی براو و بر باقی آل ابرهیم فرستاده

در ضمن آل ابرهیم و یکی دیگر صلواتی که خدای تعالی

بر ابرهیم فرستاده و شك نیست درانکه صلواتی که

شامل هر دو باشد افضلست از انکه مخصوص یکی

باشد و بعضی از علما چنین توجیه کرده اند که صلوة

بر ابرهیم ازان جهت که بیشتر واقع شده اقوی است

واین قدر در تشبیه کافیست واین وجه ضعیفست

زیرا که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده

كُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ یعنی من

پیغمبر بودم در انوقت که طینت آدم گل بود و بعضی

دیگر چنین گفته اند که مشبه به صلوات بر آل

محمد است و معنی چنین است که خدایا صلوات

بفرست بر محمد وال محمد چنانکه صلوات فرستادی

بر ابرهیم وآل ابرهیم واین هم ضعیفست زیرا که

سؤال اصحاب از کیفیت صلوات بر آنحضرت بود نه

از صلوات بر آل آنحضرت واین را وجهای دیگر هست

در کتاب حبل المتین فصل چون از اذان صبح

فارغ شدی سجده کن یا اندك زمانی بنشین وبگو

اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًّا وَعَيْشِي قَارًّا وَرِزْقِي دَارًّا

واجعل لی عند قبر رسولک صلواتک علیه وآله
مستقرا وقرارا و بعد ازان هر دعا که خواهی بخوان
وهر حاجتی که داری از خدای تعالی بطلب روایت
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که دعای میان
اذان واقامت رد نمیشود وبعد ازان برخیز واقامت
بگو وفصول اقامت همان فصول اذانست اما همه
دو بار دو بارست مگر لا اله الا الله در آخر اقامت که
یکبارست وبعد از حی علی خیر العمل دو بار بگوید
قد قامت الصلوة وآدابی که در اذان مذکور شد
در اقامت بجا آر مگر تانی وگذاشتن انگشتها در
گوشها وبلند کردن آواز اینها در اقامت سنت نیست
ودر طهارت وایستادن اینجا تاکید بیشتر است حتی

انکه سید مرتضی رضی الله عنه ایستادن وطهارت
در اقامت واجب دانسته وچون از اقامت نماز
صبح فارغ شدی رو بقبله بگو اللهم الیک
توجهت ومرضاتک طلبت وثوابک ابتغیت وبک
آمنت وعلیک توکلت اللهم صل علی محمد وآل
محمد وافتح قلبی لذکرک وثبتنی علی دینک
ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من
لدنک رحمة انک انت الوهاب وباید که در نماز
بوقار وخشوع ایستاده باشی دستها را گذاشته بر
رانها یا بر زانوها پاها را از هم گشاده بقدر سه
انگشت از هم گشوده تا یک شبر نگاه بموضع سجده کنی
نه آنکه چشم بر آسمان وباید که بخاطر آری که وداع

نماز میکنی و چنان نماز را بجا آوری که گویا نماز آخر
تست بعد از آن نیت کن که نماز صبح واجب را میکنم
برای امتثال امر خدای تعالی و مقارن ساز نیت را
بیکی از هفت تکبیر افتتاح و بهر کدام که مقارن سازی
آنرا قصد تکبیرة الاحرام کن و بهر تکبیری دستها را
بردار تا برابر گوشها چنانکه ابتدای تکبیر با ابتدای
برداشتن دست باشد و انتهایش برسیدن دستها
به برابر گوشها و دستها از برابر گوشها نگذرد و کف
دستها بقبله باشد و هم انگشتها پهلوی هم باشد غیر
انگشت بزرگ بدانکه بعضی از متأخرین فقهای ما
در نیت تطویل کرده چنانکه باعث دشواری نیت
شده بر اکثر مردم و باعث وسواس ایشان شده و حال

الافتتاح

احادیث ائمه ما سلام الله علیهم چیزی از انها نیست
بلکه مستفاد از تتبع اخبار ائمه هدی علیهم السلام
آسانی نیت است و از این جهت متقدمین علمای ما
بحث از آن نکرده اند حتی آنکه بعضی از علما فرموده اند
که اگر خدای تعالی ما را مکلف میساخت بکاری
بی نیت هر آینه تکلیف ما لا یطاق میبود و بخاطر
گذرانیدن مقصود بر وجهی که تمیز یابد از
غیرش بقصد امتثال امر خدای تعالی در نهایت
آسانیست و کسیکه مشکل داند خدای تعالی بر و
آسان سازد بدانکه سنت است هفت تکبیر در اول
نماز گفتن یکی تکبیرة الاحرامست و واجب و شش
دیگر سنت و باجماع علمای ما نیت را بهر کدام که

خواهی مقارن میتوان ساخت وآنرا قصد تکبیرة

الاحرام باید کرد واولی آنست که چون نیت کنی

اول بقصد تکبیرة الاحرام کنی وتکبیرهای سنت را

بعد ازان چنانکه از ظاهر حدیث زراره مستفاد

میشود وسنتاست درمیان هفت تکبیر سه دعا

خواندن روایت کرده کلینی ازحضرت امام جعفر

صادق علیه السلام بعد از تکبیر سیم اللهم انت

الملک الحق لا اله الا انت سبحانک انی

ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی انه لا یغفر الذنوب

الا انت وبعد از تکبیر پنجم لبیک وسعدیک

والخیر فی یدیک والشر لیس الیک والمهدی

من هدیت لا ملجا منک الا الیک سبحانک

وحنا

وحنانیک تبارکت وتعالیت سبحانک رب

البیت وبعد از تکبیر هفتم خواه تکبیرة الاحرام

باشد یا نه وجهت وجهی للذی فطر السموات

والارض عالم الغیب والشهادة حنیفا مسلما

وما انا من المشرکین ان صلوتی ونسکی و

محیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک

له وبذلک امرت وانا من المسلمین ودر روایت

دیگر چنین است وجهت وجهی للذی فطر

السموات والارض علی ملة ابرهیم ودین

محمد ومنهاج علی حنیفا مسلما وما انا من المشرکین

تا آخر بجا صافه عالم الغیب والشهادة وبعد ازین دعا

بگو اعوذ بالله من الشیطان الرجیم یا اعوذ بالله

السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و گفتن استعاذه
نزد علمای ما مخصوص است برکعت اوّل و آهسته
باید گفت وبعدازان الحمد بخوان بلند بتانی یعنی
نه بتندی و ترتیل کن یعنی چنانکه در خواندن
هم الفاظش را توان شمرد با حضور دل و بخاطر
گذرانیدن معنیها و وقف کن بر هر وقفی وبعد از
الحمد ساکت شو بقدر یکنفس و بعد ازان سورم
بخوان بهمین طریق و سنتست که سوره عمّ یا سوره
غاشیه یا سورهٔ لا اقسم بیوم القیمة یا سوره دهر
یا سوره دیگر که بقدر اینها باشد چنانکه شیخ
طوسی قدس سره روایت کرده در تهذیب بسند
صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

وبعدازان

وبعدازان سوره ساکت شو بقدر یکنفس و بعد ازان
الله اکبر بگو دستها برداشته برابر گوشها چنانکه
گفته شد وبعدازان رکوع کن و اوّل دست راست را
بزانوی راست گذار پیش از گذاشتن دست چپ
بزانوی چپ و کفهای دستها را پر کن بزانوها و
بانگشتها فرو گیر زانوها را چنانکه گویا القمه ایست و
زانوها را بجانب عقب کن و پشت را هموار کن و
گردن را دراز کن و بچشمها نگاه میان قدمها کن
و بگو آنچه ثقة الاسلام روایت کرده در کافی
بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
اَللّٰهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ وَ
عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَ

بَصَرِی وَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ مُخِّی
وَ عَصَبِی وَ عِظَامِی وَ مَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَایَ غَیْرَ
مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَکْبِرٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ پس بگو
سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ هفت بار یا پنج بار
یا سه بار بعد ازین راست شو و بایست پس بگو سَمِعَ
اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بعد ازین اللهُ اکبر بگو ایستاده پس
بسجود رو و بخضوع و خشوع و بر زمین گذار
کفهای دست را پیش از زانوها و دستها را در سجود
از بدن دور کن چنانکه مرغ بال گشاده و کفهای
دست را انگشتها را بهم گذاشته بر زمین گذار برابر
سرهای دوش خود و چنان سجده کن که هیچ عضوی
از بدن تو بر عضو دیگر نباشد و پیشانی را بر زمین

گذار و متمکن ساز و افضل تربت حضرت امام حسین
علیه السلام است و بینی را بر خاک گذار و نگاه
کن در حال سجود بجانب سر بینی پس بگو آنچه در
کافی روایت کرده بسند حسن از حضرت امام
حسین علیه السلام اَللّٰهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ وَ بِکَ
آمَنْتُ وَ لَکَ اَسْلَمْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ اَنْتَ رَبِّی
سَجَدَ وَجْهِیَ الَّذِی خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَ سَمْعَهُ
وَ بَصَرَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ تَبَارَکَ اللهُ اَحْسَنُ
الْخَالِقِینَ پس بگو سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی وَ بِحَمْدِهِ
هفت بار یا پنج بار یا سه بار و بعد از آن سر بردار و
بنشین و اللهُ اکبر بگو و تورک کن یعنی بران چپ
بنشین و پشت پای راست را بر شکم پای چپ گذار و بگو

أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ پس بگو بجهت ثقة الاسلا
روایت کرده بسند حسن از حضرت امام علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاجْبُرْنِي وَادْفَعْ عَنِّي إِنِّي

لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ

الْعَالَمِينَ بعد از آن تکبیر دوم بگو و سجود دویم
بکن بطریق اوّل و بعد از آن سر بردار و اندک
زمانی بنشین متورّک و این را جلسهٔ استراحت
میگویند و ترک این مکن زیرا که سید مرتضی
قدس سره این را واجب دانسته بعد از آن برخیز
و اوّل زانوها را از زمین بردار پیش از دستها و تکیه

بکن در برخاستن بر دستها و بگو بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ

أَقُومُ وَأَقْعُدُ وَأَرْكَعُ وَأَسْجُدُ پس چون راست شوی

وعافنی صح

بخوا

بخوان الحمد و سوره چنانکه دانستی در رکعت اوّل
و سنت است اینجا سورهٔ توحید و بعد از قراءت
سوره ساکت شو بقدر یک نفس بعد از آن تکبیر
بگوی برای قنوت و دستها را بردار تا برابر رو
و کفها بر آسمان و انگشتها پهلوی هم نهاده الا دو

انگشت بزرگ و کلمات فرج بخوان لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ

الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ

السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ

الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ کلینی در کتاب
کافی کلمات فرج را چنین روایت کرده بسند حسن
از امام محمد باقر علیه السلام و در بعضی کتب دعا

السبع صح

وما تحتهن بعد از وما بینهن روایت کرده اند

و در بعضی و ما فوقهن بعد از و ما تحتهن و

در بعضی و هو رب العرش العظیم و این زیادتها

در روایات معتبره نیافتیم و بعد از کلمات فرج بگو

اللهم اغفر لنا و ارحمنا و عافنا و اعف عنا

فی الدنیا و الاخرة انک علی کل شیء قدیر

و بعد از ان بگو اللهم الیک شخصت الابصار و

نقلت الاقدام و رفعت الایدی و مدت الاعناق

و انت دعیت بالالسن و الیک سرهم و نجویهم

فی الاعمال ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت

خیر الفاتحین اللهم انا نشکو الیک غیبة امامنا و

قلة عددنا و کثرة عدونا و تظاهر الاعداء

علینا و وقوع الفتن بنا ففرج ذلک اللهم بعدل

تظهره و امام نعرفه اله الحق امین رب (حقّ)

العالمین و بعد از ان بگو اللهم من کان اصبح

و له ثقة و رجاء غیرک فانت ثقتی و رجائی

یا اجود من سئل و یا ارحم من استرحم

ارحم ضعفی و مسکنتی و قلة حیلتی

و امنن علی بالجنة و فک رقبتی من النار

و عافنی فی نفسی و فی جمیع اموری برحمتک

یا ارحم الراحمین و اگر خواهی که زیاده از اینها

بخوانی اضافه کن باینها قنوتهائی که در باب ششم

مذکور خواهد شد و بعد از ان دستها را برداریه

تکبیر و رکوع و سجود بجا آر چنانکه دانستی و

بعد از سجدهٔ دویم بنشین برای تشهد متورکاً و
نگاه کن بکنار خود و بگو بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَخَیْرُ
الْاَسْمَاءِ لِلّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ
اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِیراً وَ نَذِیراً بَیْنَ یَدَیِ السَّاعَةِ
وَ اَشْهَدُ اَنَّ رَبِّی نِعْمَ الرَّبُّ وَ اَنَّ مُحَمَّداً نِعْمَ
الرَّسُولُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ
شَفَاعَتَهُ فِی اُمَّتِهِ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ بعد از ان
دو بار یا سه بار بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و از اینها آنچه
واجبست شهادتین و صلوات بر پیغمبر صلی الله
علیه و آله و آل پیغمبر است صلی الله علیهم بعد
بقصد بیرون رفتن از نماز بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ

وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ و قصد کن انبیا و ائمه
و حفظه را و اشاره کن بگوشهٔ چشم راست بپهلوی

تعقیبات

فصل چون از نماز فارغ شوی شروع کن در
تعقیب در تفسیر آیهٔ فَاِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ
وَ اِلٰی رَبِّکَ فَارْغَبْ مذکور است یعنی هرگاه
فارغ شدی از نماز واجبی پس راست شو و به
پروردگار خود رغبت کن بدعا و سؤال کن که
او بتو عطا میکند روایت کرده شیخ طوسی در
تهذیب بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده تعقیب ابلغ است در طلب
رزق از تردد در شهرها و مراد بتعقیب دعاست
در عقب نمازها و هم در تهذیب روایت کرده به

حسن که حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق
علیهما السلام فرموده اند دعا در عقب نماز واجبی
افضل است از دعا در عقب نماز سنتی مثل فضیلت
نماز واجبی از نماز سنتی و روایت کرده ثقة الاسلام
در کافی بسند حسن که امام محمد باقر علیه السلام
فرموده دعا بعد از نماز واجبی افضل است از نماز
سنتی و روایات از ائمه علیهم السلام درین باب
بسیار است و افضل تعقیبها تسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام است روایت کرده در تهذیب بسند
صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
کسیکه تسبیح کند به تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
بعد از نماز فریضه پیش از انکه پاهارا با پهلوی هم کذارد

آمرزیده شود و ابتدا کند بتکبیر و هم فرموده که
ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام چنانکه امر میکنیم ایشان را بنماز
پس لازم سازید بر خود نیرا که لازم نسازد آنرا بر
خود بنده که شقی باشد مگر که سعید کردد و هم
آنحضرت فرموده که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
در هر روزی عقب هر نمازی دوستر است نزد
خدای تعالی از هزار رکعت نماز در هر روز
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که
هیچ بنده عبادت نکرده خدای تعالی را بچیزی از
تمجید که افضل باشد از تسبیح فاطمه زهرا علیها
السلام و اگر چیزی از ان افضل میبود هر آینه او را

هدیه میکرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
بفاطمه علیها السلام و در روایات در فضیلت
تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بسیار است و باید که
نشستن برای تعقیب متصل باشد بنشستن نماز
و بهمان هیئت رو بقبله متورک و در اثنای
تعقیب با کسی سخن نگوید و رو از قبله نگرداند
زیرا که روایت شده که هرچه حضرت نماز دارد
حضرت بکمال تعقیب دارد **فصل** پس چون
سلام نماز دادی [illegible] بگو دستها را برداشته
تا برابر دو [illegible] دستها ابر قبله و این سه تکبیر
اول تعقیب است و بعد از آن بگو لا اله الا الله
الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله الها

دعاهای تعقیب

واحداً و نحن له مخلصون لا اله الا الله لا نعبد
الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره
المشرکون لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا
الاولین لا اله الا الله وحده وحده وحده انجز
وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده
فله الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
و اتوب الیه اللهم اهدنی من عندک و
افض علی من فضلک و انشر علی من رحمتک
و انزل علی من برکاتک سبحانک لا اله الا
انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر
الذنوب کلها جمیعا الا انت اللهم انی اسئلک



من كل خير احاط به علمك واعوذ بك من
كل شر احاط به علمك اللهم اني اسئلك
عافيتك في اموري كلها واعوذ بك من
خزي الدنيا وعذاب الآخرة واعوذ بوجهك
الكريم وسلطانك القديم وعزتك
التي لا ترام وقدرتك التي لا يمتنع منها
شيء من شر الدنيا والآخرة ومن شر
الاوجاع كلها ولا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم توكلت على الحي الذي لا يموت
الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن
له شريك في الملك ولم يكن له ولي من
الذل وكبره تكبيرا وبعد از ان تسبيح فاطمه

تعقيب الصبح

زهرا عليها السلام بگو پس ده بار بگو واين مخصوص است
بصبح وشام لا اله الا الله وحده لا شريك له
له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل
شيء قدير وده بار بگو واين هم مخصوص است
بصبح سبحان الله العظيم وبحمده ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصد بار بگو
ما شاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم وصد بار بگو استغفر الله ربي واتوب
اليه وصد بار بگو استجير بالله من النار و
اسئله الجنة وصد بار بگو اللهم صل على محمد
وآل محمد وعجل فرجهم وده بار بگو اشهد ان

لا اله الا الله وحده لا شریك له الهاً واحداً
احداً فرداً صمداً لم یتخذ صاحبة و لا ولداً
وسی بار بگو سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله
والله اکبر و افضل آنست که ذکرها و تسبیحات را
به تسبیحی از خاك امام حسین علیه السلام بشمرد
روایت کرده در تهذیب بسند صحیح که حضرت
صاحب الامر صلوات الله علیه فرموده که تربت
امام حسین علیه السلام افضل چیزیست که
تسبیح از آن حفظ کنند و بدرستیکه تسبیح
کننده فراموش کند تسبیح گفتن را و تسبیح خاك
امام حسین علیه السلام را در دست بگرداند پس
نوشته شود آن تسبیح برای او یعنی ثواب آن تسبیح که

فراموش کرده بعد از آن بگو و این مخصوص است
بصبح یا مقلب القلوب و الابصار صل علی
محمد و آله و ثبت قلبی علی دینك و دین نبیك
صلواتك علیه و آله و لا تزغ قلبی بعد اذ
هدیتنی وهب لی من لدنك رحمة انك انت
الوهاب اللهم انی اعوذ بك من زوال
نعمتك و تحویل عافیتك و من فجاءة نقمتك و
من درك الشقاء و من شر ما سبق فی الکتاب
اللهم انی اسألك بعزة ملکك و عظم
سلطانك و شدة قوتك علی جمیع خلقك ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا
و کذا مطلب خود ذکر کن بجای کذا و کذا بعد از آن بگو

اعيذ نفسي واهلي ومالي وولدي واخواني

وما رزقني ربي وجميع من يعنيني امره بالله

الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد

ولم يكن له كفوا احد وبرب الفلق من

شر ما خلق تا آخر سوره وبرب الناس تا آخر سوره

وبخوان الحمد وآية الكرسي تا هم فيها خالدون وآية

شهد الله انه لا اله الا هو والملئكة واولوا

العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

ان الدين عند الله الاسلام وآية الملك قل اللهم

مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع

الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من

تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج



الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج

الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق

من تشاء بغير حساب وآية سخرة ان ربكم

الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام

ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار يطلبه

حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره

الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين

ادعوا ربكم تضرعا وخ[illegible]

المعتدين ولا تفسد[illegible]

وادعوه خوفا وطمعا ان [illegible] قريب من

المحسنين وآخر الكهف قل لو كان البحر مدادا

لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد

كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا قل انما انا بشر
مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد
فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا
ولا يشرك بعبادة ربه احدا واول صافات

بسم الله الرحمن الرحيم

والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات
ذكرا ان الهكم لواحد رب السموات
والارض وما بينهما ورب المشارق انا زينا
السماء الدنيا بزينة الكواكب وحفظا من
كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملا الاعلى
ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم
عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه

شهاب ثاقب وسه آيه از آخر صافات سبحان
ربك رب العزة عما يصفون وسلام على
المرسلين والحمد لله رب العالمين وسه آيه از سوره
الرحمن يا معشر الجن والانس ان استطعتم
من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان فبأي آلاء ربكما
تكذبان يرسل عليكما شواظ من
نار ونحاس فلا تنتصران وچهار آيه از آخر
سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته
خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال
نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله
الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو

ان تنفذوا

الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك
القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار
المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله
الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى
يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم وبعد از ان دوازده بار قل هو الله
احد وبعد از ان اين دعا بخواند كفهاى دستها
كشاده اللهم اني اسئلك باسمك المكنون
المخزون الطهر الطاهر المبارك واسألك
باسمك العظيم وسلطانك القديم يا واهب
العطايا ويا مطلق الاسارى يا فكاك الرقاب
من النار اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد

وان تعتق رقبتي من النار وان تخرجني من
الدنيا امنا وتدخلني الجنة سالما وان تجعل
دعائي اوله فلاحا واوسطه نجاحا واخره
صلاحا انك انت علام الغيوب واين مخصوصست
بصبح اللهم اني اصبحت اشهدك وكفى بك
شهيدا واشهد ملائكتك وحملة عرشك
وسكان سمواتك وارضك وانبيائك
ورسلك والصالحين من عبادك وجميع
خلقك فاشهد لي وكفى بك شهيدا اني اشهد
انك انت الله وحدك لا شريك لك وان محمدا
صلواتك عليه واله عبدك ورسولك وان
كل معبود مما دون عرشك الى قرار ارضك

السابعة السفلى باطل مضمحل ما عدا وجهك
الكريم فانه اعز واكرم واجل و
اعظم من ان يصف الواصفون كنه جلاله
او تهتدي القلوب الى كنه عظمته يا من
فاق مدح المادحين فخر مدحه وعدا وصف
الواصفين مآثر حمده وجل عن مقالة
الناطقين تعظيم شانه صل على محمد وال محمد
وافعل بنا ما انت اهله يا اهل التقوى واهل
المغفرة وبعد ازان سبحان الله كما سبح الله شي
وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله و
كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله
والحمد لله كما حمد الله شي وكما يحب الله

ان يحمد وكما ينبغي لكرم وجهه وعز
جلاله ولا اله الا الله كما هلل الله شي و
كما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما
ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والله اكبر
كما كبر الله شي وكما يحب الله ان يكبر
وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه
وعز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اكبر على كل نعمة انعم بها علي وعلى
كل احد من خلقه ممن كان او يكون الى يوم
القيمة اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد
وال محمد واسئلك خير ما ارجو وخير
ما لا ارجو واعوذ بك من شر ما احذر ومن

وكما هو اهله

شر ما لا أحذر وقتی دعا بخوان واین را در شام هم
بخوان بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض
والسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه سم
ولا داء بسم الله اصبحت وعلی الله توکلت بسم
الله علی قلبی ونفسی بسم الله علی دینی وعقلی
بسم الله علی اهلی ومالی بسم الله علی ما اعطانی
ربی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی
الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم الله
الله ربی حقا لا اشرک به شیئا الله اکبر الله
اکبر الله اکبر الله اعز واجل مما اخاف واحذر
عز جارک وجل ثناءک وتقدست اسماءک
ولا اله غیرک اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی

ومن شر کل سلطان شدید ومن شر کل
شیطان مرید ومن شر کل جبار عنید و
من شر قضاء السوء ومن شر کل دابة
انت آخذ بناصیتها انک علی صراط مستقیم
وانت علی کل شیء حفیظ ان ولیی الله الذی
نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین فان
تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
وهو رب العرش العظیم فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم وصلی الله علی خیر خلقه محمد
وآله الطاهرین وبگو این دعا را که مخصوص است
بصبح بسم الله وصلی الله علی محمد وآله وافوض

امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقه
الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من
الغم وکذلک ننجی المؤمنین حسبنا الله ونعم
الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل
لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا
بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان
کره الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی
الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین
حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی من کان مذ
کنت حسبی حسبی الله لا اله الا هو علیه
توکلت وهو رب العرش العظیم پس بگو اللهم

اصبح ظلمی مستجیرا بعفوک واصبحت ذنوبی
مستجیرة بمغفرتک واصبح خوفی مستجیرا
بامانک واصبح فقری مستجیرا بغناک واصبح
ذلی مستجیرا بعزک واصبح ضعفی مستجیرا
بقوتک واصبح وجهی الفانی مستجیرا بوجهک
الباقی یا کائنا قبل کل شیء ویا کائنا بعد
کل شیء ویا مکون کل شیء صل علی محمد
وآل محمد واجعل لی من امری فرجا ومخرجا
وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا
احتسب بعد از آن بدست راست ریش خود را بگیر و
دست چپ را بجانب آسمان بگشا و هفت بار بگو
یا رب محمد وآل محمد صل علی محمد وآل محمد وعجل

فرج محمد وآل محمد وهفت بار بگو یا رب محمد
وآل محمد صل علی محمد وآل محمد واعتق رقبتی
من النار پس بگو یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا
قیوم برحمتک استغیث اللهم انت ثقتی
فی کل کربة وانت رجائی فی کل شدة وانت
لی فی کل امر نزل بی ثقة وعدة فاغفر لی ذنوبی
کلها واکشف همی وفرج غمی اللهم اغننی
بحلالک عن حرامک وبفضلک عمن سواک
پس بگو واین [illegible] شام نیز می توان خواند اصبحت
اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی لا یحاول
ولا یطاول من شر کل غاشم وطارق من سائر
ما خلقت من خلقک الصامت والناطق فی

جنة من کل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل
بیت نبیک محمد صلواتک علیه وعلیهم محتجبا
من کل قاصد لی باذیة بجدار حصین الاخلاص
فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم موقنا
بان الحق معهم وفیهم وبهم اوالی من والوا
واجانب من جانبوا فصل علی محمد وآل محمد
واعذنی اللهم بهم من شر ما اتقیه یا عظیم
حجزت الاعادی عنی ببدیع السموات والارض
وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون پس بگو واین
مخصوص است بصبح الحمد لله الذی اذهب
اللیل بقدرته وجاء بالنهار برحمته خلقا

جديداً ونحن في عافيةٍ بمنّهِ وجودهِ وكرمهِ
مرحباً بالحافظين ومتوجه شو بجانب راست
وبگو حيّاكما الله من الكاتبين ومتوجه شو
بجانب چپ وبگو اكتبا رحمكما الله بسم الله
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
واشهد ان محمداً عبده ورسوله واشهد ان
الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من
في القبور على ذلك احيى وعليه اموت وعليه
ابعث ان شاء الله اقرء محمداً صلى الله عليه وآله
مني السلام پس بگو اللهم صل على محمد وآل
محمد في النهار اذا تجلى وصل على محمد
وآل محمد في الليل اذا يغشى وصل على محمد

وآل

وآل محمد في الآخرة والاولى وصل على محمد
وآل محمد ما لاح الجديدان وصل على محمد و
آل محمد ما اطّرد الخافقان وصل على محمد
وآل محمد ما حدى الحاديان وصل على محمد
وآل محمد ما عسعس ليلٌ وما ادلهمّ ظلامٌ
وما تنفّس صبحٌ وما اضاء فجرٌ اللهم اجعل
محمداً خطيب وفد المؤمنين اليك والمكسوّ
حلل الامان اذا وقف بين يديك والناطق
اذا خرست الالسن بالثناء عليك اللهم اعلِ
منزلته وارفع درجته واظهر حجته وتقبّل
شفاعته وابعثه المقام المحمود الذي وعدته
واغفر له ما احدث المحدثون من امته بعده اللهم

بحجته

إِنّي أَسْئَلُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَعَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ

وَالْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَ

أَسْئَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ اَللّهُمَّ

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لي في صَلَواتي

وَدُعائي بَرَكَةً تُطَهِّرُ بِها قَلْبي وَتُؤْنِسُ بِها

رَوْعي وَتَكْشِفُ بِها كَرْبي وَتَغْفِرُ بِها ذَنْبي

وَتُصْلِحُ بِها أَمْري وَتُغْني بِها فَقْري وَتُذْهِبُ

بِها ضُرّي وَتُفَرِّجُ بِها هَمّي وَتُسَلّي بِها غَمّي

وَتَشْفي بِها سُقْمي وَتُؤْمِنُ بِها خَوْفي وَتَجْلو

بِها حُزْني وَتَقْضي بِها دَيْني وَتَجْمَعُ بِها شَمْلي

وَتُبَيِّضُ بِها وَجْهي وَاجْعَلْ ما عِنْدَكَ خَيْراً

لي بعد از آن بگو اَللّهُمَّ إِنّي أَدْعوكَ لِهَمٍّ لا يُفَرِّجُهُ

غَيْرُكَ وَلِرَحْمَةٍ لا تُنالُ إِلّا مِنْكَ وَلِحاجَةٍ لا يَقْضيها

إِلّا أَنْتَ يا كَريمُ اَللّهُمَّ كَما كانَ مِنْ

شَأْنِكَ ما أَرَدْتَني بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ وَأَلْهَمْتَني

مِنْ شُكْرِكَ وَدُعائِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ

الْإِجابَةُ لي فيما دَعَوْتُكَ وَالنَّجاةُ فيما فَزِعْتُ

إِلَيْكَ مِنْهُ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً أَنْ أَبْلُغَ

رَحْمَتَكَ فَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَني وَ

تَسَعَني لِأَنَّها وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ

فَلْتَسَعْني رَحْمَتُكَ يا مَوْلايَ واين دعا بخوان

با گريه واگر گريه نيايد آواز را چنان كن كه گويا

گريه ميكنى اِلهي إِنَّ ذُنوبي وَكَثْرَتَها قَدْ غَبَّرَتْ

وَجْهي عِنْدَكَ وَحَجَبَتْني عَنِ اسْتِيهالِ

رحمتك وباعدتني عن استنجاز مغفرتك

ولولا تعلقي بآلائك وتمسكي بالرجاء لما

وعدت أمثالي من المسرفين وأشباهي من

الخاطئين بقولك يا عبادي الذين أسرفوا

على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله إن الله

يغفر الذنوب جميعا إنه هو الغفور الرحيم

وحذرت القانطين من رحمتك فقلت

ومن يقنط من رحمة ربه إلا الضالون

ثم ندبتنا برحمتك إلى دعائك فقلت

ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون

عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين إلهي

لقد كان ذل الإياس علي مشتملا والقنوط

من رحمتك بي ملتحفا إلهي قد وعدت المحسن

ظنه بك ثوابا وأوعدت المسيء بك ظنه عقابا

اللهم وقد أسبل دمعي حسن الظن بك في عتق

رقبتي من النار وتغمد زللي وإقالة عثرتي و

قلت وقولك الحق الذي لا خلف فيه ولا تبديل

يوم تدعو كل أناس بإمامهم اللهم إني أقر

وأشهد وأعترف ولا أجحد وأسر وأظهر

وأعلن وأبطن بأنك أنت الله الذي لا إله

إلا أنت وحدك لا شريك لك وأن محمدا

عبدك ورسولك وأن عليا أمير المؤمنين

وسيد الوصيين ووارث علم النبيين وقاتل

المشركين وإمام المتقين ومجاهد الناكثين

والقاسطين والمارقين امامي ومحجتي و
صراطي ودليلي ومحجتي ومن لا اثق بالاعمال
وان زكت ولا اراها منجية وان صلحت الا
بولايته والائتمام به والاقرار بفضائله
والقبول من حملتها والتسليم لرواتها اللهم
واقر باوصيائه من ابنائه ائمة وحججا
وادلة وسرجا واعلاما ومنارا وسادة
ابرارا وادين بسرهم وجهرهم وظاهرهم
وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم
وغائبهم لا شك في ذلك ولا ارتياب ولا تحول
عنه ولا انقلاب اللهم فادعني يوم حشري
وحين نشري بامامتهم واحشرني في زمرتهم

واكتبني في اصحابهم وانقذني بهم يا مولاي
من حر النيران فانك ان اعفيتني منها كنت
من الفائزين اللهم وقد اصبحت في يومي
هذا لا ثقة لي ولا مفزع ولا ملجا غير من
توسلت بهم اليك من ال رسولك علي وفاطمة
والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى
وعلي ومحمد وعلي والحسن ومحمد صلواتك عليهم
اجمعين اللهم فاجعلهم حصني من المكاره
ومعقلي من المخاوف ونجني بهم من كل
عدو طاغ وفاسق باغ ومن شر ما اعرف
وما انكر وما استتر علي وما ابصر و
من شر كل دابة ربي اخذ بناصيتها ان ربي

على صراط مستقيم اللهم بوسيلتي اليك بهم
وتقربي بمحبتهم افتح علي ابواب رحمتك
ومغفرتك وحببني الى خلقك وجنبني
عداوتهم وبغضهم انك على كل شيء قدير
اللهم ولكل متوسل ثواب ولكل ذي
شفاعة حق فاسئلك بمن جعلتهم اليك
سببي وقدمتهم امام طلبتي ان تعرفني
بركة يومي هذا وشهري هذا وعامي هذا اللهم
فهم معولي في شدتي ورخائي وعافيتي
وبلائي ونومي ويقظتي وظعني واقامتي
وعسري ويسري وصباحي ومسائي ومنقلبي
ومثواي اللهم فلا تخلني بهم من نعمتك

ولا تخيبني بهم من نائلك ولا تقطع
رجائي من رحمتك ولا تفتني باغلاق
ابواب الارزاق وانسداد مسالكها
وارتتاج مذاهبها وافتح لي من لدنك
فتحا يسيرا واجعل لي من كل ضنك مخرجا
والى كل سعة منهجا برحمتك يا ارحم
الراحمين اللهم واجعل الليل والنهار
مختلفين علي برحمتك ومعافاتك ومنك
وفضلك ولا تفقرني الى احد من خلقك
برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شيء
قدير وبكل شيء محيط پنجی اللهم اني اسئلك
يا مدرك الهاربين ويا ملجأ الخائفين ويا صريخ

للمستصرخين ويا غياث المستغيثين ويا منتهى
غاية السائلين ويا مجيب دعوة المضطرين
يا ارحم الراحمين يا الله يا اله يا عزيز يا حكيم
يا غفور يا رحيم يا قاهر يا عليم يا سميع يا بصير
يا لطيف يا خبير يا قهار يا جبار يا رحمن
يا منان يا سبوح يا قدوس يا مبدئ يا معيد
يا باعث يا وارث يا فارج الهم يا كاشف الغم
يا منزل الحق يا قائل الصدق يا ذا البلاء
الجميل والطول العظيم يا معروفا بالاحسان
يا موصوفا بالامتنان يا من قصرت عن
وصفه السن الواصفين وانقطعت عنه
افكار المتفكرين يا شاهد النجوى يا كاشف

الغم

الغم ودافع البلوى يا غاية كل شكوى يا نعم
النصير والمولى يا منعم يا مفضل يا محسن
يا مجمل يا من لا يشغله صغير عن كبير
ولا حقير عن خطير يا من بدا بالنعمة قبل
استحقاقها وبالفضيلة قبل استيجابها
يا احق من عبد وحمد ورجي واعتمد
اسئلك بكل اسم مقدس مطهر مكنون
اخترته لنفسك وكل ثناء عال رفيع كريم
رضيت به مدحة لك وبحق كل ملك
قربت منزلته عندك وبحق كل نبي ارسلته
الى عبادك وبحق كل شيء جعلته مصدقا
لرسلك وكل كتاب فصلته واحكمته

وشرعته وكل دعاء سمعته فاجبته وعمل
رفعته واسئلك بكل من عظمت حقه
واعليت قدره وعرفتنا امره ومن
لم تعرفنا مقامه ولم تظهر لنا شانه ممن خلقته
من اول ما ابتدأت به خلقك وممن تخلقه
الى انقضاء الدهر واسئلك بتوحيدك الذي
فطرت عليه العقول واخذت به المواثيق
وارسلت به الرسل وجعلته اول فروضك
ونهاية طاعتك وأتوجه اليك بجودك و
مجدك وكرمك وعزك وجلالك و
عفوك وامتنانك وتطولك واسئلك يا الله
يا الله يا الله يا ربناه يا ربناه يا ربناه وارغب

اليك

اليك خاصا وعاما واولا واخرا بحبيبك و
رسولك محمد سيد المرسلين واشرف الاولين
والاخرين وبالرسالة التي اداها والعبادة
التي اجتهد فيها والمحنة التي صبر عليها والمغفرة
التي دعا اليها والديانة التي حض عليها منذ
وقت رسالتك اياه الى ان توفيته وبما
بين ذلك من اقواله الحكيمة وافعاله
الكريمة ومقاماته المشهودة وساعاته
المعدودة ان تصلي عليه كما وعدته
من نفسك وتعطيه افضل ما امل من نوالك
وتزلف لديك منزلته وتعلي عندك درجته
وتبعثه المقام المحمود وتورده حوض الكرم

والجود وعلى آله الطيبين الاطهار المنتجبين
الابرار وعلى جبرئيل وميكائيل والملائكة
المقربين وعلى جميع الانبياء والمرسلين
والشهداء والصالحين اللهم اني اصبحت
لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا موتا
ولا حيوة قد انقطعت وسائلي وذهبت
مسائلي وخذلني ناصري واسلمني اهلي وولدي
اللهم وقد اكدى الطلب واعيت الحيل الا
عندك وانقطعت الطرق وضاقت المذاهب
الا اليك ودرست الامال وانقطع الرجاء
الا منك وكذب الظن واخلفت العداة الا
عدتك اللهم ان مناهل الرجاء لفضلك مترعة

وابواب

وابواب الدعاء لمن دعاك مفتحة والاستعانة
لمن استعان بك مباحة والاستغاثة لمن
استغاث بك موجودة وانت لداعيك بموضع
اجابة وللصارخ اليك ولي الاغاثة وللقاصد
اليك قريب المسافة وانت لا تحتجب عن خلقك
الا ان تحجبهم الاعمال السيئة وقد علمت ان
افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة واخلاص
نية وقد دعوتك بعزم ارادتي واخلاص
طويتي وصادق نيتي فها انا ذا مسكينك
بائسك اسيرك فقيرك سائلك منيخ بفنائك
قارع باب رجائك وانت اولى بنصر الواثق
بك واحق برعاية المنقطع اليك سري لك

مكشوف وانا اليك ملهوف اذا اوحشتني الغربة
آنسني ذكرك واذا اصبت على الامور استجرت
بك واذا تلاحكت على الشدائد املتك واين
يذهب بي يا رب عنك وازمة الامور كلها
بيدك صادرة عن قضائك مذعنة بالخضوع
لقدرتك فقيرة الى عفوك ذات فاقة الى
رحمتك وقد مسني الفقر ونالني الضر و
شملتني الخصاصة وعرتني الحاجة وتوسمت
بالذلة وعلتني المسكنة وحقت على
الكلمة واحاطت بي الخطيئة وهذا الوقت
الذي وعدت اولياءك فيه الاجابة فامسح
ما بي بيمينك الشافية وانظر الي بعينك الراحمة

واد

وادخلني في رحمتك الواسعة واقبل على
بوجهك ذي الجلال والاكرام فانك
اذا اقبلت على اسير فككته وعلى ضال
هديته وعلى حائر آويته وعلى ضعيف قويته
وعلى خائف آمنته اللهم انك انعمت على
فلم اشكر وابتليتني فلم اصبر فلم يوجب
عجزي عن شكرك منع المؤمل من فضلك و
اوجب عجزي عن الصبر على بلائك كشف
ضرك وانزال رحمتك فيا من قل عند
بلائه صبري فعافاني وعند نعمائه شكري
فاعطاني اسئلك المزيد من فضلك والايزاع
لشكرك والاعتداد بنعمائك في عمري

المعافية واسبغ النعمة انك على كل شيء
قدير اللهم لا تخلني من يدك ولا تتركني
لقا لعدوك ولا لعدوي ولا توحشني من
لطائفك الخفية وكفاياتك الجميلة هذا
مقام العائذ بك اللائذ بعفوك المستجير
بعز جلالك قد راى اعلام قدرتك فاره
آثار رحمتك اللهم تولني ولاية تغنيني
بها عن سواها واعطني عطية لا احتاج الى
غيرك معها فانها ليست ببدع من ولايتك
ولا بنكر من عطيتك ادفع الصرعة وانعش
السقطة وتجاوز عن الزلة واقبل التوبة و
ارحم الهفوة وانج من الورطة واقل العثرة

يا منتهى الرغبة وغياث الكربة وولي
النعمة وصاحبا في الكربة ورحمن الدنيا
والآخرة بيدي من دحض المزلة فقد كبوت
وثبتني على الصراط المستقيم والا غويت
يا هادي الطريق يا فارج المضيق يا جاري
اللصيق يا ركني الوثيق احلل عني
المضيق واكفني شر ما اطيق وشر ما لا اطيق
يا اهل التقوى واهل المغفرة والعزة والقدرة
والآلاء والعظمة يا ارحم الراحمين واكرم
الناظرين ورب العالمين لا تقطع منك
رجائي ولا تخيب دعائي ولا تجهد بلائي
ولا تسئ قضائي ولا تجعل النار مأواي

رضائ

واجعل الجنة مثواي واعطني من الدنيا
مناي وبلغني من الآخرة املي ورجاي و
آتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني
عذاب النار انك على كل شيء قدير وبكل
شيء محيط بعد ازان دعاي صباح امام زين
العابدين عليه السلام در صحيفه كامله مذكورست
الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته
وميز بينهما بقدرته وجعل لكل
واحد منهما حدا محدودا وامدا ممدودا
ووقتا موقوتا يولج كل واحد منهما في
صاحبه ويولج صاحبه فيه بتقدير منه
للعباد فيما يغذوهم به وينشئهم عليه فخلق

لهم

لهم الليل ليسكنوا فيه من حركات التعب ونهضات
النصب وجعله لباسا ليلبسوا من راحته و
منامه فيكون ذلك لهم جماما وقوة ولينالوا
به لذة وشهوة وخلق لهم النهار مبصرا ليبتغوا
فيه من فضله وليتسببوا الى رزقه ويسرحوا
في ارضه طلبا لما فيه نيل العاجل من دنياهم
ودرك الآجل في اخراهم بكل ذلك يصلح
شانهم ويبلو اخبارهم وينظر كيف هم في
اوقات طاعته ومنازل فروضه ومواقع
احكامه ليجزي الذين اساؤا بما عملوا ويجزي
الذين احسنوا بالحسنى اللهم فلك الحمد على ما
فلقت لنا من الاصباح ومتعتنا به من ضوء

لهم

الثِّمارِ وَبَصَّرْتَنا بِهِ مِنْ مَطالِبِ الأَقْواتِ وَوَقَيْتَنا
فيهِ مِنْ طَوارِقِ الآفاتِ أَصْبَحْنا وَأَصْبَحَتِ
الأَشْياءُ كُلُّها بِجُمْلَتِها لَكَ سَماؤُها وَأَرْضُها
وَما بَثَثْتَ في كُلِّ واحِدٍ مِنْهُما ساكِنُهُ وَمُتَحَرِّكُهُ
وَشاخِصُهُ وَمُقيمُهُ وَما عَلا في الهَواءِ وَما
كَنَّ تَحْتَ الثَّرى أَصْبَحْنا في قَبْضَتِكَ وَ
مُلْكِكَ وَيَحْوينا سُلْطانُكَ وَتَضُمُّنا مَشِيَّتُنا وَ
نَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ وَنَتَقَلَّبُ في تَدْبيرِكَ لَيْسَ
لَنا مِنَ الأَمْرِ إِلّا ما قَضَيْتَ وَلا مِنَ الخَيْرِ إِلّا
ما أَعْطَيْتَ اللّهُمَّ وَهذا يَوْمٌ حادِثٌ جَديدٌ وَ
هُوَ عَلَيْنا شاهِدٌ عَتيدٌ إِنْ أَحْسَنّا وَدَّعَنا
بِحَمْدٍ وَإِنْ أَسَأْنا فارَقَنا بِذَمٍّ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنا حُسْنَ مُصاحَبَتِهِ وَاعْصِمْنا
مِنْ سُوءِ مُفارَقَتِهِ بِارْتِكابِ جَريرَةٍ أَوِ
اقْتِرافِ صَغيرَةٍ أَوْ كَبيرَةٍ وَأَجْزِلْ لَنا فيهِ مِنَ
الحَسَناتِ وَأَخْلِنا فيهِ مِنَ السَّيِّئاتِ وَامْلَأْ لَنا
ما بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْداً وَشُكْراً وَأَجْراً وَ
ذُخْراً وَفَضْلاً وَإِحْساناً اللّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الكِرامِ
الكاتِبينَ مَؤُونَتَنا وَامْلَأْ لَنا مِنْ حَسَناتِنا
صَحائِفَنا وَلا تُخْزِنا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمالِنا
اللّهُمَّ اجْعَلْ لَنا في كُلِّ ساعَةٍ مِنْ ساعاتِهِ حَظّاً
مِنْ عِبادَتِكَ وَنَصيباً مِنْ شُكْرِكَ وَ
شاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلائِكَتِكَ اللّهُمَّ صَلِّ
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنا فيهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدينا

وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ اَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَعَنْ
جَمِيعِ نَوَاحِينَا حِفْظاً عَاصِماً مِنْ مَعْصِيَتِكَ
هَادِياً اِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعْمِلاً لِمَحَبَّتِكَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنَا فِى يَوْمِنَا هٰذَا وَلَيْلَتِنَا
هٰذِهِ وَفِى جَمِيعِ اَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ وَهِجْرَانِ
الشَّرِّ وَشُكْرِ النِّعَمِ وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَ
مُجَانَبَةِ الْبِدَعِ وَالْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْىِ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَحِيَاطَةِ الْاِسْلَامِ وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ
وَاِذْلَالِهِ وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَاِعْزَازِهِ وَاِرْشَادِ الضَّالِّ
وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ وَاِدْرَاكِ اللَّهِيفِ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اَيْمَنَ يَوْمٍ عَهِدْنَاهُ
وَاَفْضَلَ صَاحِبٍ صَحِبْنَاهُ وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلِلْنَا

فِيهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَرْضَى مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ
وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ اَشْكَرَهُمْ لِمَا
اَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ وَاَقْوَمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ
شَرَائِعِكَ وَاَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَّرْتَ مِنْ نَهْيِكَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّى اُشْهِدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً وَاُشْهِدُ
سَمَاءَكَ وَاَرْضَكَ وَمَنْ اَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ
وَسَائِرِ خَلْقِكَ فِى يَوْمِى هٰذَا وَسَاعَتِى هٰذِهِ وَ
مُسْتَقَرِّى هٰذَا اَنِّى اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِى
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ قَائِماً بِالْقِسْطِ عَدْلاً فِى الْحُكْمِ
رَؤُفاً بِالْعِبَادِ مَالِكَ الْمُلْكِ رَحِيماً بِالْخَلْقِ
وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخِيَرَتُكَ مِنْ
خَلْقِكَ حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَكَ فَاَدَّاهَا وَاَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ

وَلَيْلَتِى هٰذِهِ

لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
اَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَآتِهِ
عَنَّا اَفْضَلَ مَا آتَيْتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ وَاجْزِهِ
عَنَّا اَفْضَلَ وَاَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ اَحَدًا مِنْ
اَنْبِيَائِكَ عَنْ اُمَّتِهِ اِنَّكَ اَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ
الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ وَاَنْتَ اَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ وَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْاَخْيَارِ الْاَنْجَبِينَ بدانکه دعاها وذکرها
که وارد است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم
در تعقیب نمازها بسیارست خصوصًا تعقیب
نماز صبح و در اینجا نهایت اختصار شده باینها
بدانکه آنچه مذکور است اینجا از تعقیبها ماخوذست

از روایات بسیار و جمیع اینها در یک روایت نیست
پس اگر کسی را کاری باشد بعضی را ترک کند و
هرگاه نفس را ماندگی شود و دل را توجهی
نباشد قطع کند زیرا که توجه و اقبال دل بمنزلهٔ روح
عبادت و دعاست وسنتست نشستن در جای
نماز بعد از نماز صبح تا بر آمدن آفتاب اگرچه
مشغول بتعقیب نباشد روایت شده که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرموده کسی که بنشیند
در جای نمازش تا طلوع آفتاب آن نشستن ستر
باشد برای او از آتش وسنتست بعد از تعقیب
خواندن سورهٔ یس زیرا که خوانندهٔ آن در
صباح دائم محفوظ است و مرزوقست تا شام

کند و آنرا دافعه مینامند زیراکه دفع میکند از
خواننده خود هر شری را و قاضیه میگویند
زیراکه بر می آید برای خواننده خود هر حاجتی را
توضیح اِهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ ممکن است که مراد
بهدایت رسانیدن بمطلوب باشد که فائز شدن
به بهشت است یا دلالت کردن بچیزی که برساند
بمطلوب مثل زایل کردن آثار علائق جسمانی
و بر داشتن پردهای عوائق هیولانی و تعقل
اسرار جلالی و مطالعه انوار جمالی وَقَدْ رَبِّكَ
الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ اشاره است بآنکه ممتنع را
شی میگویند وَلَا تُزِغْ قَلْبِي مشتق است از زیغ که
میل است از راه حق یعنی از من بر طرف ساز توفیق

باقی بودن بر هدایت را فُجَاءَةً بضم فا و بمد واقع
شدن چیزیست بیکبار بی خبر نَقِمَة بفتح نون
بر وزن کَلِمَة و بکسر نون بر وزن نِعْمَة بمعنی
عقابست وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ درک بتحریک
اطلاق میشود بر مکان و طبقات آتش درکات
و طبقات بهشت درجات و گاهی اطلاق
میکنند بر نهایت هستی وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ
بعین بی نقطه و یای دو نقطه تحتانی میان دو
نون بمعنی اهتمام است بچیزی بِاللهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ
چنانکه از لفظ الله مراد ذاتیست که مستجمع باشد
جمیع صفات کمال را که صفات ثبوتیه است همچنان
مراد بلفظ احد ذاتیست مستجمع جمیع صفات

جمال که صفات سلبیست زیرا که واحد حقیقی
آنست که منزه باشد ذاتش از ترکیب ذهنی و خارجی و از
تعدد و آنچه لازم داشته باشد یکی از اینها را
مثل جسمیت و متحیز بودن و شریک داشتن
خواه در حقیقت ذات باشد و خواه در لوازم
ذات مثل وجوب وجود ذات و قدرت ذاتی
و حکمت تامه و صمد کسیت که مرجع و مقصد
باشد در حوائج و کفو بمعنی مثل است اول سوره
اخلاص دالست بر احدیت الهی و آخرش بر صفات
برب الفلق فلق بمعنی شکافته شدن است و آنچه
از چیزی بشکافتن بر آید و این عامست جمیع
ممکنات را زیرا که حضرت عزت جل شانه شکافت

از

از ظلمت عدم همه را بنور ایجاد غاسق شب بسیار
تاریک را گویند و وقب یعنی فرو رفته و داخل
شده تاریکی آن در هر چیزی و نفاثات فی
العقد نفوس یا زنان ساحره که گره میکنند
در ریسمانها و بر آنها نفس میدمند بدانکه
مذهب اثنی عشریه آنست که سحر در حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله کار نکرده و امر آنحضرت
درین سوره باستعاذه از سحر زنان ساحره
دلالت نمیکند بر تأثیر سحر در آن حضرت صلی
الله علیه و آله بلکه از مقوله ربنا لا تؤاخذنا
ان نسینا او اخطأنا است و اما آنچه مخالفین
نقل کرده اند که سحر در آن حضرت اثر کرده

چنانکه روایت کرده بخاری و مسلم که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله را سحر کردند حتی آنکه
آنحضرت را خیال شده که کار کرده یا نکرده پس
این اندروغهاست پس اگر این نقل راست باشد
لازم آید که سخن کفار إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا
مَسْحُورًا راست باشد و عذری که مخالفین خواسته‌اند
که مراد از این آیه سحریست که باعث جنون باشد
عذریست واهی و بی معنی زیرا که اثری که
ایشان نقل کرده اند که از جنون نیست خَنَّاس
آنست که چون ذکر خدا کنند پس رود و
بر گردد و تفسیر خاتمه مذکور میشود لَا تَأْخُذُهُ
سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ سنه حالتی است و فتوری و سستی که

پیش از خواب دست میدهد و تقدیم آن بر نوم
در اینجا با آنکه قیاس در نفی ترقی از اعلا است
با دنی بعکس اثبات بجهت تقدم اوست بر خواب
بالطبع یا آنکه مراد نفی حالتیست که مرکب
از این دو است چنانکه حیوان وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا
یعنی از نگاهداشتن آسمانها و زمین سنگینی
و تعبی ندارد وَالطَّاغُوتِ شیطان است یا
هر چه غیر از خدا عبادت کنند یا چیزی که منع کند
از عبادت خدای تعالی لَا انْفِصَامَ لَهَا یعنی نیست
پاره شدن او را ثُمَّ اسْتَوَى یعنی مستولی و متوجه
خلق عرش شد يُغْشِي یعنی می پوشاند يَطْلُبُهُ
حَثِيثًا مشتق است از حث یعنی در عقب آن دیگر است

بسرعت کویا که یکی از شب و روز طلب میکند آن

دیکر را بسرعت وَالشَّمْسَ وَالنُّجُومَ بنصب عطفست

بر السَّمٰوٰات وَمُسَخَّرَاتٍ بنصب حالست از ینها و برفع

الشَّمْسُ وَالنُّجُومُ مبتدا و مُسَخَّرَاتٌ خبر تَضَرُّعًا

وَخُفْيَةً یعنی در حالی که رازی مخفی کنند زیرا

که دعای پنهان افضل است اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

یعنی دوست نمیدارد خدا تجاوز کنند کان ط

از حد و تفسیر کرده اند بطلب کنندکان چیزی

که ایشان لایق آن نیستند مثل رتبه انبیا و تفسیر

کرده اند بفریاد کردن در دعا وَادْعُوهُ خَوْفًا

وَطَمَعًا یعنی دعا کنید در حالتی که ترسناک باشید

از خدا بجهت قصور اعمال و طمع اجابتی که داشته

باشید بجهت بسیاری رحمت و وفور کرم الهی مِدَادًا

لِكَلِمَاتِ رَبِّي یعنی سیاهی باشد برای نوشتن

کلمات علم و حکمت خدای تعالی لَنَفِدَ الْبَحْرُ یعنی هم

آید تمام شود و هیچ از و باقی نماند وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ

مَدَدًا یعنی اکرچه بیاریم مثل آن دریا زیادتی و

معونتی فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ یعنی کسیکه امید

وار است بنیک راجع شدن را بخدا در روز قیامت

وَالصَّافَّاتِ را بعضی تفسیر کرده اند بملائکه که

صف میزنند در مقام عبودیت هر یک در مرتبه خود

فَالزَّاجِرَاتِ را بفرشتها که زجر میکنند آسمانها و

زمینها را بانجرا اراده الهیت از انها فَالتَّالِيَاتِ را

بفرشتها که آیات خدای تعالی را میخوانند یا بیغمبران

بیفد

وبعضی تفسیر کرده اند بعلما که صف می زنند در
عبادت ومنع میکنند از کفر وفسق براهین و
نصایح ومیخوانند آیات وشرایع الٰهی را وبعضی
تفسیر کرده اند بنفوس جهاد کنندکان که صف
میزنند در محل جنک وزجر می کنند اسبها را
یا دشمنان را ومیخوانند ذکر الٰهی را و
جنک ایشانرا مشغول نمی سازد از ذکر رَبُّ
الْمَشَارِقِ یعنی پرورندکار مشرقهای آفتابست
یا مشرقهای کواکب اِنَّا زَیَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْیَا یعنی ما
زینت دادیم آسمانرا که نزدیکست وباین زینت
بِزِینَةِ الْکَوَاکِبِ اضافهٔ زینت بکواکب بیانیست
وبعضی کرزینة بتنوین میخوانند کواکب بدل است

از زینت وآنچه مشهوراست که جمیع ستارهای
ثوابت مرکوز است در فلک هشتم وهریک از
ستارهای سبعهٔ سیاره را فلکی است پس دلیلی
برین قائم نیست وانکه در فلک قمر ستارهٔ چند
باشند واقع دغیر سیارات وممتز ثوابتی که رصد
کرده اند پس دلیلی بر امتناع آن نیست واکر ثابت شود
قدحی نمیکند در تزیین فلک قمر باین اجرام نورانی
زیراکه اینها همه در فلک قمر دیده میشوند اکرچه در
بالاتر باشند وَحِفْظًا مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ مَارِدٍ
حِفْظًا منصوبست که مفعول له باشد ودلالت میکند
بر علت کلام سابق ماکردانیدیم ستارهارا از زینت
وحفظ ومارد بیرون رونده است از طاعت

لا یسمّعون الی الملإ الاعلی جملهٔ ایست مستأنفه
بجهت بیان حال ایشان بعد از حفظ و نه صفت
شیاطینی که مفهوم میشود از من کل شیطان
زیرا که حفظ نمی باشد از کسیکه نمی شنود وملأ
اعلی فرشتهابند که ساکنند در بالاها چنانکه ملأ
اسفل انس و جن اند که ساکنند در زمین و متعدی
ساختن یسمّعون بالی بنا بر قراءت تخفیف بجهت
تضمین معنی اصغاست برای مبالغه در نفی آن
ویقذفون من کل جانب دحورا یعنی انداخته
میشود بر ایشان از هر جانب از اطراف آسمانها که
ایشان قصد کنند برای گوش کردن دحورا مفعول
له است یعنی انداخته میشود برای ایشان یا مفعول

مطلق است زیرا که معنی دحورا نزدیکست بمعنی
قذف ولهم عذاب واصب یعنی ایشان را
عذاب سخت است در آخرت الا من خطف الخطفة
استثنا است از فاعل یسمّعون یعنی مگر
کسی از شیاطین که از کلام ملائکه چیزی بطریق
دزدی بشنود فأتبعه شهاب ثاقب یعنی در
عقب او میرود شهابی سوراخ کننده گویا که
می شکافد هوا را بروشنی و شهاب آتش که عوام
گویند ستاره ریخت و انچه طبیعیون خیال کرده اند
که بخاریست با او دهنیتی و چربی هست انبالا میرود
تا کره آتش انجا آتش در و میگیرد پس این ثابت نشده
واگر صحیح باشد منافاتی ندارد با انچه آیه کریمه بیان

دلالت میکند و آیه إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ
وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ زیرا که شهاب و مصباح
اطلاق میکنند بر چیزی که شعله دار باشد و
هرچه در بالا شعله کند زینت آسمانست و دور
نیست که درینوقت خدای تعالی آن بخار دهنی را
بالا فرستد برای سوختن شیاطین پس آتش در و
گیرد و نبود اند و خلق شیطان از آتش محض نیست
چنانکه خلق آدم از خاک محض نیست پس سوختن
شیطان با آتشی که قوی ترست از آتش او ممکن است
و شاید که شیاطین کلام ملائکه نشنوند مگر
وقتی که نزدیک کره آتش رسند پس چون شیطان
آنجا کوشش کند و خواهد که پائین آید شهاب باو

برسد

برسد و او را نبود اند لهذا خدای تعالی تعبیر
کرده از رسیدن شهاب باو و بتابع شدن که بمعنی
از پی رفتن است إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا
یعنی اگر خواهید استطاعت باشد شما را که بیرون
روید از اطراف آسمانها و زمین و بگریزید از
خدا پس بیرون روید از آنها لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا
بِسُلْطَانٍ جمله ایست علیحده یعنی قدرت ندارید
بر بیرون رفتن از آنها مگر بقوتی تام و آن
قدرت از کجاست شما را و سلطان مصدر است
مثل غفران بمعنی مسلط بودن چنانکه در آیه و
مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا
یعنی کسیکه کشته شود بظلم پس بتحقیق که ما گردانیده ایم

برای ولی او تسلطی بر قصاص یا گرفتن دیت شواظ
یعنی زبانه آتش ونحاس بر فع عطفست بر شواظ
وبجر عطفست بر نار یعنی دخان یا مسی گداخته که ریخته
شود بر سرهای ایشان فلا تنتصران یعنی منع کرده
نشوند ازان خاشعا متصدعا یعنی شق شونده
وغرض سرزنش خواننده است بر خشوع نکردن
قراءت
نزد قرآن بواسطهٔ قساوت قلب وکم فکر
کردن در معانی آن عالم الغیب والشهادة یعنی
عالم است بانچه از حس غایب باشد وانچه حاضر
باشد یا عالم است بسر وعلانیه یعنی پنهان وآشکار
القدوس یعنی در نهایت وغایت پاکیزگی است از
چیزی که موجب نقص باشد السلام مصدر است و

وصف

وصف آن برای مبالغه است ومراد سالم از جمیع
نقصها وبهشت را دار السلام میگویند بجهت
آنکه سکان آن سالمند از هر آفتی یا بجهت آنکه
خانه خداست یعنی سالم المؤمن بخشنده امن
وازانحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که خدای تعالی را مؤمن نامست برای
آنکه امن میکند از عذابش کسی را که اطاعت
او کند المهیمن یعنی مطلع ونگاه دارنده
هر چیز العزیز یعنی هیچ چیز عدیل ومثل او
نیست یا غالبی که هرگز مغلوب نگردد وعزنی فی
الخطاب یعنی غلبه کرد بر من در خطاب وتکلم
الجبار آن کسی که جبر وقهر میکند خلق را بر بعضی

چنها کا ایشانرا دران اختیار نیست وقدرت بر
تغییر آن ندارند یا آنکه جبر و اصلاح حال
میکند المتکبر یعنی صاحب کبریاست از
نقص و محتاج بودن الخالق الباری المصور
بعضی را ظن است که هر سه یک معنی دارند
زیرا که همه بمعنی ایجاد و انشایند پس ذکر
برای تاکید است و اینچنین نیست بلکه هریک را
معنی است چنانکه بناها محتاج بطول و عرض
و بکذاشتن سنکها و چوبها بر نهجی خاص و
بزینت دادن و نقش و صورت کردن پس این
سه امر از خدای تعالی میشود در ایجاد خلایق از
کتم عدم پس خدای تعالی را باعتبار هریک نامیست

برین ترتیب یسبح له ما فی السموات والارض
یعنی تسبیح میکنند برای خدای تعالی آنچه در
آسمانهاست و آنچه در زمین است و این تسبیح
یا بزبان حالست زیرا که هر ذره از موجودات
ندا میکند بزبان حال بر وجود صانعی حکیم
واجب لذاته و یا بزبان قالست و این در ذوی
العقول ظاهرست واما حیوانات پس فرقه عظیم
از علما را مذهب آنست که هر طائفه از حیوانات
تسبیح پروردکار خود میکنند بلغه و آواز
خود برین حمل کرده اند قول خدای تعالی را
وما من دابة فی الارض ولا طائر یطیر بجناحیه
الا امم امثالکم یعنی هیچ جنبنده نیست در

زمین و هیچ پرنده که می پرد به پرهای خود که امتهااند
مثل شما و اما غیر حیوانات از جمادات پس جماعتی
بسیار را مذهب آنست که آنها را هم تسبیح زبانی هست
و مؤید آورده اند وَاِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ
بِحَمْدِهِ یعنی هیچ چیز نیست مگر که تسبیح خدا
میکند و حال آنکه متلبس است بحمد خدا و گفته اند
اگر مراد تسبیح حالی باشد محتاج است قول خدای تعالی
وَلٰکِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ بتأویل و ذکر
کرده اند که اعجاز در تسبیح سنگ ریزه در کف
پیغمبر صلی الله علیه و آله از جهت نفس تسبیح
نیست بلکه بجهت شنوانیدن اصحابست و الا
سنگ ریزها همه در تسبیح خدایند آن تخرجنی

مِنَ الدُّنْیَا آمِنًا یعنی آنکه بیرون بری مرا از دنیا
ایمن از گناهها که میان من و تست بآنکه توفیق توبه
دهی مرا پیش از مردن و از آن گناهها که میان
من و خلق است بآنکه توفیق دهی که پیش از مرگ
خود را از آنها خلاص سازم وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ سَالِمًا
و داخل سازی مرا به بهشت در حالی که مرا سلامت
داشته باشی از عقاب بآنکه از من عفو کنی و مرا
داخل بهشت سازی و این جمله تأکید سابق است
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ مراد بحول قدرتست
یعنی قدرتی بچیزی و قوتی نیست مگر بمدد کاری
خدای تعالی و در کتاب توحید ابن بابویه
روایت کرده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

که اینجا بمعنی انتقالست یعنی کشتن از معصیت و
منتقل شدن نیست مکر بعون الهی و قوتی بر طاعتی
نیست مکر بتوفیق سبحانی و اکشف همی وفرج عنی
میان هم وغم آنست که هم چیزیست که قادر باشد
آدمی بر زایل کردن آن مثل افلاس وغم آنکه
قدرت بر زایل کردن آن نباشد چون مردن فرزند
وبعضی کفته اند که هم پیش از نزول مکروهست و
غم بعد از نزول من شر کل غاشم یعنی تعدی کننده
وطارقٍ یعنی واقع شونده در شب بشر الصامت
بسیار اطلاق میکنند بر جماد وناطق بر حیوان
اکرچه حیوان بی زبان باشد در قول عرب فلانٌ
لا یملک صامتاً ولا ناطقاً یعنی مالک هیچ چیز نیست

وقول فوقها الزکوة فی الناطق والصامت و
جائز است که اینجا مراد بناطق معنای مشهور
باشد بدیع السموات والارض از قبیل حسن
الغلامت یعنی آسمانها و زمین بدیعند یعنی
بی نظیرند وممکن است که مراد مبدع باشد یعنی
موجد چیزی بی مثل سابق ما لاح الجدیدان یعنی
مادام که ظاهرند شب و روز وما اطرد الخافقان
یعنی مادام که مشرق ومغرب باقیند وما حدی
الحادیان یعنی مادام که میرانند مردم را شب و روز
کویا که شب و روز مردم میرانند تا قبور مثل کسیکه
شتر از امیراند ما عسعس یعنی اقبل وادبر است
یعنی مادام که شب باید و برود وما ادلهم ظلام یعنی

مادام که شب سخت تاریک شود و ما تنفس صبح
یعنی مادام که صبح ظاهر شود و تعبیر کرده بنفس
زدن بجهت وزیدن نسیم نزد صبح پس گویا که نفس
زده خطیب و قد المؤمنین خطیب مهم در لغت
بنزلت ایشانست که مخاطبه و مکالمه میکنند با سلطان
در حوایج ایشان و قد اینجا بمعنی گروه و جماعتست
الملکسو حلل الامان یعنی پوشانیده شد حلهای امان
از آتش زیرا که خدای تعالی میفرماید و لسوف
یعطیک ربک فترضی یعنی زود باشد که عطا کند
بتو پروردگار تو چندانکه تو راضی شوی و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله راضی نمیشود بدخول یکی از
امتش در دوزخ چنانکه در حدیث وارد است

و حلل الامان استعاره است و ذکر کسوة ترشیح و
عزائم مغفرتک یعنی آمرزشهائی که بر خود واجب
کرده فیما فرغت الیک منه یعنی در چیزی که التجا
کردم بتو از آن فقد عفرت وجهی یعنی غبار آلود کردم
روی مرا و کلام استعاره و لو لا تعلقی جواب
لو لا لقد کان لا تقنطوا یعنی نا امید مشوید ندیتنا
یعنی ما را دعوت کرده تو داخرین یعنی ذلیل و کوچک
قد اسبل دمعی حسن الظن بک اسبال اشک
جاری کردنست یعنی مرا بگریه آورده حسن ظن من
بعفو گناهکاران اگرچه گناهشان عظیم باشد
و خطاهاشان بسیار اگر کسی گوید که حسن ظن
موجب خوشحالیست و ابتهاج نه باعث گریه گوییم مراد

کریه است که از غایت خوشحالی باشد وَتَغَمَّدْ زَلَلِی

یعنی به پوشان بعفو و مغفرت لغزش مرا وَاَقِلْهُ

عَثْرَتِی یعنی مسامحه کنی و بگذری از گناه من وَ

مُجَاهِدِ النَّاكِثِينَ یعنی جهاد کننده شکنندگان بیعت

که لشکر جمل باشند و سرداران ایشان که بیعت

حضرت امیر المؤمنین سلام الله علیه را شکستند

وَالْقَاسِطِينَ یعنی عدول کنندگان که معاویه و

لشکر او علیهم اللعنه باشند که از حضرت

امیر علیه السلام عدول کردند و قسوط عدولست

از حق وَالْمَارِقِينَ مراد خارجیانند که از دین

بیرون رفتند چنانکه تیر از کمان بیرون رود چنانکه

در حدیث است اِمَامِی خیرات است و سابقش هم صفت

امیر المؤمنین علیه السلام و مراد اینجا ثبوتست نه

حدوث پس صحیح است کما اینها صفت معزوم باشند

مثل مَالِكِ يَوْمِ الدِّين والقبول من جملتها والتسليم

لزواتها عطف برای [illegible] اعلام

جمع علم است بفتح لام کوهی که نشان راه باشد در

صحرا فَمَنَارُ بفتح میم جای بلندی که بالای

آن آتش روشن کنند برای هدایت راه لَامَفْزَعَ

وَلَامَلْجَأَ عطف تفسیریست وَمَعْقِلِی بفتح میم و

کسر قاف بمعنی حصن و حصاراست و اطلاق میکنند

بر پناه آمام طَلِبَتِی بفتح طا و کسر لام یعنی بیش حاجتم

وَمُعَوَّلِی بصیغه اسم مفعول یعنی معتمد من وَظَعْنِی

بظاء نقطه دار و عین بی نقطه ساکن و مفتوح یعنی

سير و سفر و مُنقَلَبي يعني محل اقامت و سكون
اِرتِتاج بد و تاى دو نقطه بالا يعني بسته شدن
راههاى آنها مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ بضاد نقطه دار و
نون ساكنه بمعني تنگى و مَجْدِكَ يعني بزرگى
و عظمت تو وَ الدِّيانَة الَّتي حَضَّ عَلَيها يعني ديانتى
كه مبالغه و ترغيب بآن كرده اَمَّ بتشديد ميم بمعني
قصد و تَزَلُّفُ بر وزن تَكَرُّم يعني نزديك
سازى وَ قَدْ اَكْدَى الطَّلَبُ بدال مهمله يعني دشوار
و متعذر و منقطع شد طلب وَ اَعْيَتِ الحِيَلُ
بعين مهمله و ياى دو نقطه زير يعني و اماند
مُنيخٌ بنون و آخرش خاى نقطه دار يعني اقامت كرده
بِفِنائِكَ بكسر فا فضاى دو ر خانه فاذا حكت تلاه

يعني

يعني بهم در رفت و ملصوق شد فَنالَني الضُّرُّ بضم ضاد
يعني رسيد بمن بدحالى و بفتح نقيض نفعت وَ شَمِلَتْني
الخَصاصَةُ بخاى نقطه دار و دو صاد بى نقطه يعني
فرو گرفته مرا احتياج وَ عَرَتْني الحاجَة يعني فرا گرفته
مرا احتياج و تَوَسَّمْتُ بالذِّلَّة يعني موسوم و معروف
شدم بذلت وَ حَنَتْ عَلَيَّ الكَلِمَة يعني سزاوار شد بر
من عتاب فاَمْنَحْ ببين و صاد هر دو بيك معنى است اينجا
مالي يعني نايل ساز و ببر آنچه از علتها بر منت وَ
الاِبْزاع بباى دو نقطه زير و زاى نقطه دار و عين
بى نقطه بمعنى الهامست وَلا تُخْلِني مِنْ يَدِكَ بخاى
با نقطه و تشديد لام از تخليه است يعني خالى مدار
از نعمت خود لَيْتَ بَيْنَع بسكون دال مِنْ وَ لا يَنْكِ

بفتح واو یعنی عطیه از تو که با آن احتیاج بغیر نباشد
امری بدیع و غریب نیست از امداد و اعانت تو و لا
ینکر یعنی امری منکر و مستبعد نیست وارحم
الهفوة بفتح ها و سکون فا یعنی رحم کن بر زلت و
لغزش و خطای من خذ بیدی من دحض بجای مهمله
و ضاد با نقطه المزلة یعنی خلاص کن مرا از لغزش
خطا فقد کبوت ببای یکنقطه زیر یعنی افتادم بر
روی خود یولج کل واحد منهما فی صاحبه و
یولج صاحبه فیه یعنی داخل میساند هریك از شب
روز را دران دیگر باینکه کم میکند از یکی و زیاده
میکند دیگر را مثل کم شدن روز زمستان و زیاده
شدن شبش اگر گوئی انیمعنی مفهوم می شد از یولج کل

واحد

واحد منهما فی صاحبه پس چه حاجت بود به یولج
صاحبه فیه گوئیم غرض حضرت علیه السلام تنبیه است
بامر غریبی که حصول زیاده و نقصان است باهم در
هریك از شب و روز در یك زمان و این بحسب اختلاف
بقاع است مثل بقعه شمالی خط استوا و بقعه جنوبی
خط استوا خواه انجا کسی باشد و خواه نباشد پس
زیاده و نقصانش واقعند در یك وقت لکن در
دو بقعه و همچنین زیادتی شب و نقصانش و اگر
حضرت صلوات الله علیه تصریح نمیکرد به یولج صاحبه
فیه تنبیه برانیمعنی نمیشد بلکه ظاهر کلام آن می بود
که زیاده و نقصان واقع میشود در دو وقت چنانکه
متعارفست و نهضات بنون و ضاد با نقطه از نهوض است

یعنی افعال بدنی که موجب تعب است و در بعضی روایات
بظای با نقطه است بمعنی ثقل و سنگینی لِیَکُونَ لَهُمْ
جَمامًا یعنی تا باشد برای ایشان راحت وَیَبْلُوَ یعنی
امتحان کند و ظاهر سازد فَلَقَتْ لَنا مِنَ الاَصْباحِ
معلوم شد وَمَا بَثَثْتَ بدو ثای سه نقطه دار
مشتق است از بث بمعنی متفرق کردن مُقِیمُهُ وَ
شاخِصُهُ مراد بشاخص لیخاصند مقیم است لَیْسَ
لَنا مِنَ الاَمْرِ اِلّا ما قَضَیْتَ یعنی نیست مارا نفعها
مگر آنچه تو قضا کرده و فقره بعد ازین مفتر اینست
شاهِدٌ عَتِیدٌ بتای دو نقطه بالا بمعنی حاضر و مهیا
بارْتِکابِ جَرِیرَةٍ یعنی جنایت و گناه وَاقْتِرافِ یعنی
کسب کردن وَاَجْزِلْ لَنا یعنی بسیار کن برای ما وَاَخْلِنا

یعنی خالی گردان مارا درین روز از بدیها وَ
حِیاطَةٍ بحای بی نقطه و یای دو نقطه و طای
بی نقطه یعنی حرس و حفظ وَ اَوْقَفَهُمْ ثاخوذ
از قول عرب که وقفت فیه یعنی داخل نشد دران
وَخِیَرَتِکَ بخای با نقطه و یای دو نقطه زیر مفتوح
و رای بی نقطه مفتوح یعنی اختیار کرده شده
و برگزیده شده و سکون یا هم آمده **فصل** بدانکه از
حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم منقولست
که هر یک ساعتی از ساعتهای دوازده گانه روز
متعلق است بیکی از ائمه معصومین صلوات الله
علیهم و مخصوص است بدعای خاص پس ساعتی
از طلوع فجر تا طلوع آفتاب منسوبست بحضرت

امیر المؤمنین علیه السلام واینست دعای آن اللهم
رب الظلام والفلق والفجر والشفق واللیل
وما وسق والقمر اذا اتسق خالق الانسان
من علق اظهرت قدرتک ببدیع صنعتک
وخلقت عبادک لما کلفتهم من عبادتک و
هدیتهم بکرم فضلک الی سبل طاعتک و
تفردت فی ملکوتک بعظیم السلطان وتوددت
الی خلقک بقدیم الاحسان وتعرفت الی بریتک
بجسیم الامتنان یا من یسئله من فی السموات و
الارض کل یوم هو فی شان اسئلک اللهم بمحمد
خاتم النبیین الذی نزل الروح الامین علی قلبه
لیکون من المنذرین بلسان عربی مبین وبامیر المؤمنین

علی بن ابی طالب ابن عم الرسول وبعل البتول
الذی فرضت ولایته علی الخلق وکان یدور
حیث دار الحق ان تصلی علی محمد وآل محمد فقد
جعلتهم وسیلتی وقدمتهم امامی وبین یدی
حوائجی وان تغفر لی ذنبی وتطهر قلبی وتستر
عیبی وتفرج کربی وتبلغنی من طاعتک
وعبادتک املی وتقضی لی حوائجی للدنیا و
الاخرة یا ارحم الراحمین واگر خواهی این دعاها
جمله تعقیب نماز کن وباید که آخر انچه بعد از نماز
بجای آری سجدهای شکر باشد روایت کرده رئیس
المحدثین در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام فرموده که سجده شکر واجبست بر هر مسلمانی

تمام میکنی بآن نماز خودرا و راضی میکنی
بآن پروردکار خودرا و تعجب میکنند ملائکه از
تو فبدرستیکه هرکاه بنده نماز کند و بعد از آن
سجدهٔ شکر میکند و برمیدارد خدای تعالی
حجاب را از میان بنده و فرشتها پس میکوید ای فرشتهای
من نظر کنید به بندهٔ من ادا کرد فرض مرا و تمام
کرد عهد مرا بعد از آن سجده کرد برای من بجهت
شکر آنچه من انعام کرده ام باو ای فرشتهای من
چه چیز است مر او را پس ملائکه میکویند ای پروردکار
ما رحمت تو بعد از آن خدای تعالی میکوید دیکر مر
او را چیست ملائکه کویند ای پروردکار ما جنت تو
پس خدای تعالی کوید دیکر مر او را چیست ملائکه کویند

ای پروردکار کفایت مهم او پس خدای تعالی کوید دیکر
مر او را چیست پس چیز نیک نماند مکر که ملائکه
کویند پس خدای تعالی کوید ای فرشتهای من دیکر
مر او را چیست پس ملائکه کویند ای پروردکار ما
ما را دیکر علمی نیست پس خدای تعالی کوید هر آینه شکر
او کنم چنانکه او شکر من کرده و رو باو کنم
بفضل خودم و بنمایم باو رحمت خودم را **سنت**
طول دادن و بسیار بودن در سجده شکر روایت کرده
در فقیه که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سجدهٔ
شکر میکرد بعد از نماز صبح پس سر مبارک بر نمیداشت
تا روز بلند میشد **فصل** چون سجده کنی هر دو ساقهای
دستها را فرش کن بر زمین و سینه و شکم را ملصق ساز

بر زمین و بگو انچه در کافی بسند حسن از ابی الحسن
الماضی علیه السلام روایت کرده و بگو در سجدهٔ
شکر اللهم انی اشهدک واشهد ملائکتک
وانبیائک ورسلک وجمیع خلقک انک الله
ربی والاسلام دینی ومحمدا صلی الله علیه
وآله نبیی وعلیا والحسن والحسین وعلیا
ومحمدا وجعفرا وموسی وعلیا ومحمدا وعلیا
والحسن ومحمدا سلام الله علیهم ائمتی بهم
اتولی ومن عدوهم اتبرء پس سه بار بگو اللهم
انی انشدک دم المظلوم پس بگو اللهم انی انشدک
بایوائک علی نفسک لاولیائک لتظفرنهم بعدوک
وعدوهم ان تصلی علی محمد وال محمد وعلی

باواز حزین میگفت بؤت الیک بذنبی عملت سوء و
ظلمت نفسی فاغفرلی فانه لایغفر الذنوب غیرک
مولای پس می چسپانید جانب چپ را بر زمین و
سه بار میگفت ارحم من اساء واقترف واستکان
واعترف چون سر از سجده شکر بر میداری بگو اللهم
لک الحمد کما خلقتنی ولم اک شیئا مذکورا
رب اعنی علی اهوال الدنیا وبوائق الدهر و
نکبات الزمان ومصیبات اللیالی والایام
واکفنی شر ما یعمل الظالمون فی الارض وفی سفری
فاصحبنی وفی اهلی فاخلفنی وفیما رزقتنی
فبارک لی وفی نفسی لک فذللنی وفی اعین الناس
فعظمنی والیک فحببنی وبذنوبی فلا تفضحنی و

بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَبِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي وَمِنْ
شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَلِمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ
فَوَفِّقْنِي وَمِنْ مَسَاوِي الْأَخْلَاقِ فَجَنِّبْنِي إِلَى
مَنْ تَكِلُنِي يَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَأَنْتَ رَبِّي
إِلَى عَدُوٍّ مَلَّكْتَهُ أَمْرِي أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي
فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ يَا رَبِّ فَلَا أُبَالِي
غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي وَأُحِبُّ إِلَيَّ أَعُوذُ بِنُورِ
وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَالْأَرْضُ وَ
كُشِفَتْ بِهِ الظُّلْمَةُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ
الْآخِرِينَ أَنْ تُحِلَّ عَلَيَّ غَضَبَكَ وَتُنْزِلَ بِي سَخَطَكَ
لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِكَ **باب دوم** در بیان ادعیه از طلوع

آفتاب تا وقت ظهر باید بجا آورد پیش ازین مذکور
شد که هر ساعتی از دوازده ساعت روز متعلقست
بیکی از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین و
ساعت اول از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است
و دعای آن **ساعت دوم** از حضرت امام حسن
علیه السلام است و دعای آن اینست اللّٰهُمَّ
يَا خَالِقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَالِكَ الْبَسْطِ وَ
الْقَبْضِ وَمُدَبِّرَ الْإِبْرَامِ وَالنَّقْضِ وَمَنْ لَا يُجِيبُ
الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ يَا مَالِكُ يَا جَبَّارُ
يَا وَاحِدُ يَا قَهَّارُ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ يَا مَنْ لَا تُدْرِكُهُ
الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ يَا مَنْ لَا يُمْسِكُ
خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَلَا يَفْتُرُ خَوْفَ الْإِمْلَاقِ يَا كَرِيمُ

از طلوع آفتاب تا بطرف شدن
سرخی آفتاب

يا رازق يا مبتديًا بالنعم قبل الاستحقاق يا من
ينزل الروح من امره على من يشاء من عباده
لينذر يوم التلاق كبرت نعمتك علىّ وصغر
في جنبها شكري ودام غناك عني وعظم
اليك فقري اسئلك يا عالم سري وجهري يا من
لا يقدر سواه على كشف ضري ان تصلي على
محمد رسولك المختار وحجتك على الابرار و
الفجار وعلى اهل بيته الطاهرين الاخيار واتوسل
اليك بالانزع البطين علمًا وبالامام الزكي الحسن
المقتول سمًا فقد استشفعت بهم اليك وقدمتهم
امامي وبين يدي حوائجي ان تهب لي من لدنك
علمًا وتهب لي حكمًا وتجبر كسري وتشرح

بالتقوى

بالتقوى صدري وترحمني اذا انقطع من الدنيا
اثري وتذكرني اذا انسى ذكري برحمتك
يا ارحم الراحمين **ساعت سيوم** از وقت بر طرف
شدن سرخي آفتاب تا بلند شدن روز از حضرت
امام حسين عليه السلام است و دعا اينست اللهم
رب الارباب ومسبب الاسباب ويا مالك
الرقاب ومسخر السحاب ومسهل الصعاب يا
حليم يا تواب يا كريم يا وهاب يا مفتح الابواب
يا من حيث ما دعي اجاب يا من ليس له حاجب
ولا بواب يا من ليس لخزائنه قفل ولا باب يا
من لا يخفى عليه ستر ولا يضرب دونه حجاب
يا من يرزق من يشاء بغير حساب يا غافر الذنب

وقابل التوب شديد العقاب اللهم انقطع الرجاء
الا من فضلك وخاب الامل الا من كرمك
فاسئلك بمحمد رسولك وبعلي بن ابي طالب
صفيك وبالحسين الامام التقي الذي اشترى
نفسه ابتغاء مرضاتك وجاهد الناكثين
عن صراط طاعتك فقتلوه ساغبا ظمآنا و
هتكوا حرمته بغيا وعدوانا وحملوا راسه
في الافاق واحلوه محل اهل العناد والنفاق
اللهم فصل على محمد وآله وجدد على الباغي
عليه مخزيات لعنتك وانتقامك ومؤديات
سخطك ونكالك اللهم اني اسئلك بمحمد
وآله واستشفع بهم اليك واقدمهم امامي

وبين يدي حوائجي ان لا تقطع رجائي من
امتنانك ولا تخيب تاميلي في احسانك و
نوالك ولا تهتك الستر المسدول على من
جهتك ولا تغير عني عوائد طولك ونعمك
ووفقني لما يقربني اليك واصرفني عما
يباعدني عنك واعطني من الخير افضل
ما ارجو واكفني من شر ما اخاف واحذر
برحمتك يا ارحم الراحمين وساعت چهارم
انجاست تا زوال از حضرت امام زين العابدين
عليه السلام است و دعاش اينست اللهم انت
الملك للملك وكل شيء سوى وجهك الكريم
هالك سخرت بقدرتك النجوم السوالك و

الحالك

امطرت بقدرتك الغيوم السوافك و علمت ما
في البر و البحر و ما تسقط من ورقة في الظلمات
الحوالك يا سميع يا بصير يا بر يا شكور يا غفور
يا رحيم يا من يعلم خائنة الاعين و ما تخفي
الصدور يا من له الحمد في الاولى و الاخرة
و هو الخبير اسئلك سؤال البائس الحسير و
اتضرع اليك تضرع الضالع الكسير و
اتوكل عليك توكل الخاشع المستجير و اقف
ببابك وقوف المؤمل الفقير و اتوسل اليك
بالبشير النذير و السراج المنير محمد خاتم
النبيين و ابن عمه امير المؤمنين و بالامام علي
بن الحسين زين العابدين و امام المتقين المخفي

الحكيم

للصدقات و الخاشع في الصلوات و الدائب المجتهد
في المجاهدات الساجد ذي الثفنات ان تصلي
على محمد و آل محمد فقد توسلت بهم اليك و
قدمتهم امامي و بين يدي حوائجي و ان
تعصمني من موافقة معاصيك و ترشدني
الى موافقة ما يرضيك و تجعلني ممن يؤمن
بك و يتقيك و يخافك و يرجيك و يراقبك
و يستحييك و يتقرب اليك بموالاة من
يواليك و يتحبب اليك بمعاداة من يعاديك
و يعترف لديك بعظيم نعمك و اياديك
برحمتك يا ارحم الراحمين بدانکه نسخه این دعاها
اختلاف بسیار دارد و آنچه در این کتابت معتمد علیه

استاد دام الله ظله است **فصل** در بیان آنچه در
اوایل روز بجا آرند سنت است که در اول روز
تصدق کند بهر چه میسر باشد اگر چه اندک بود
روایت کرده کلینی که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله فرموده بکّروا بالصدقة فانّ البلاء
لا یتخطاها یعنی در وقت بکره که ابتدای روز
باشد تصدق کنید که بلا از آنوقت بگذرد یعنی
باقی روز از بلا سلامت باشید **وهم** او روایت
کرده از آنحضرت صلی الله علیه وآله که فرموده که در
وقت ابتدای روز تصدق کنید و در آن وقت
رغبت کنید پس هیچ مؤمنی نباشد که تصدق کند

بصد

بصدقه خواهد بآن ثوابی را که نزد خدای تعالی است
تا دفع کند از و آن صدمه شری که نازل میشود
از آسمان بزمین در آن روز مگر که نگاه دارد
خدای تعالی او را از شر آنچه نازل میشود در آن روز
ولذا آنچه در اوایل سنت است گلاب و در حدیث است
از اصحاب عصمت سلام الله علیهم کسیکه مسح کند
روی خود را بگلاب نرسد باو در آن روز بلا و
[illegible] که مسح کند رو و دستها را و صلوات
بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه وآله **وچون** از آنچه
در اوایل روز بجا می آرند در اغلب بستن عمامه
و پوشیدن رخت و موزه و نعلین است پس
بعضی از آداب و دعاهای آنها مذکور سازیم **امّا**

بستن عمامه یعنی دستار بر سر پیچیدن پس در
حدیث است که بندد آن باید گفت اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی
بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ وَ تَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَ
قَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَ لَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیمَانِ
مِنْ عُنُقِی و باید که نشسته عمامه نه پیچد و چون
عمامه پیچد بهمان تحت الحنک بندد زیرا که سنت
مؤکدات روایت کرده شیخ طوسی رحمه الله در
تهذیب بسند حسن که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده کسیکه عمامه بندد و عمامه را زیر
حنک خود نگرداند پس برسد باو دردی که او را
دوا نباشد پس ملامت نکند مگر نفس خود را
روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه که حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده بدرستی که
من تعجب میکنم از کسیکه بحاجتی برود و او باوضو
باشد چون بر نیاید حاجت او و بدرستیکه من تعجب
میکنم از کسیکه بحاجتی رود و او عمامه را از زیر حنک
خود گردانیده باشد چون بر نیاید حاجت و احادیث
در ترغیب تحت الحنک داشتن بسیار است و
اجماع علمای ما منعقد است بران و تعجبیست از
مخالفان که ایشان انکار میکنند با آنکه در کتابهای
خود روایت کرده اند که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله نهی کرده از اقتعاط و امر کرده بتلحی
و صاحب صحاح گفته که اقتعاط بستن عمامه است
بی تحت الحنک و این حدیث را نقل کرده و تلحی گردانیدن

عمامه است بزیر لحیین یعنی دو استخوان که لحیه
در آنجاست بدانکه سنت بودن تحت الحنک عامست
در جمیع اوقات و حالات و مخصوص نیست بحال
نماز هر چند در نماز افضلست و این سنتیست علیحده
خواه نماز گزارد و خواه نگزارد و من در روایات
کتب اصول خود نیافتم چیزیکه دلالت کند بر مخصوص
بودن آن بحال نماز بلکه عامست و باین تصریح
کرده علامه در منتهی المطلب و بعد از انکه احادیث
تحت الحنک را ذکر کرده فرموده که ظاهر شد باین
احادیث که آن سنتست مطلقا در حال نماز و غیر
آن پس چون در وقت نماز تحنک کند باید که قصد
کند که این سنتیست علیحده باشد نه انکه سنتی است

لغیره

لغیره واما آداب رخت پوشیدن باید که قبا را کوتاه
کند در تفسیر آیه کریمه وَثِیَابَکَ فَطَهِّرْ نقل شده که
بمعنی قصر است یعنی رختهای خود را کوتاه کن
و باید که آستین دراز تر از سر دست نباشد و همیشه
رخت زینت خود را نپوشد و رخت شهرتی هم
نپوشد و در وقت نماز سفید بپوشد واز حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که مکروهست
سیاه مگر در سه چیز موزه و عمامه و کسا
اما دعای پوشیدن قبا از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام مرویست که بگوید اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ ثَوْبَ یُمْنٍ وَبَرَکَةٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی فِیهِ شُکْرَ
نِعْمَتِکَ وَحُسْنَ عِبَادَتِکَ وَالْعَمَلَ بِطَاعَتِکَ

آداب رخت پوشیدن

الحمد لله الذی رزقنی ما استر به عورتی و اتجمل
به فی الناس واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام
مرویست که چون قبای نو پوشید بگوید اللهم
اجعله ثوب یمن و تقوی و برکة اللهم
ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک
و اداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی
ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس و در روایت
که چون پوشیدن زیر جامه بگوید اللهم استر
عورتی و امن روعتی و اعفف فرجی و لا تجعل
للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له الی ذلک وصولا
فیصنع لی المکاید و یهیجنی لارتکاب محارمک
و باید که رو بقبله بپوشد و اما موزه و نعلین و

کفش

کفش باید که نشسته بپوشد و پای راست را پیش از چپ
و در وقت بیرون کردن ایستاده و پای چپ را پیش
از راست و این دعا بخواند در وقت پوشیدن هر یک
بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد
و وطئ قدمی فی الدنیا و الآخرة و ثبتهما علی
الصراط یوم تزل فیه الاقدام و این دعا وقت بیرون
کردن بخواند بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما
اوقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی
صراطک السوی و در روایتست از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام کراهت پوشیدن موزه
سرخ در حضر دون سفر و در روایتست که آنحضرت
علیه السلام فرموده که از سنت است پوشیدن

موزه سیاه و کفش زرد و مکروه داشته آنحضرت
علیه السلام پوشیدن کفش سیاه را واز آنحضرت
علیه السلام روایتست کسیکه بپوشد کفش زرد
کهنه نکند آنرا تا بهم رساند مالی واز آنحضرتست که
کسیکه بپوشد کفش زرد باشد در خوشحالی تا آنکه
کهنه کند آنرا فصل چون عادت جاریست که مابین
طلوع آفتاب تا زوال اکل و شربی واقع شود پس بعضی
از آداب و دعاهای آن که از حضرات ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین منقولست مذکور سازیم
پس چون خواهی که چیزی بخوری بنشین بر جانب چپ
و مربع منشین که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که آن نشستن و صاحبش را خدای تعالی

دشمن

دشمن میدارد و چون دست دراز کنی برای چیزی
خوردن بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
روایتست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که بدرستیکه هرگاه مرد خواهد که چیزی بخورد
پس دست دراز کند و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ بیامرزد خدای تعالی او را پیش از آنکه
لقمه در دهن او شود روایت شده که سنت است
بسم الله گفتن بر هر رنگی و هم روایت شده سنت
بودن گفتن بسم الله بر خوردن از هر ظرفی که در
سفره باشد اگر چه همه یکرنگ باشد و کسیکه فراموش
کرده باشد بسم الله را بر هر رنگی و بخاطرش آید
باید که بگوید بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهِ وَآخِرِهِ و باید که

وقت شروع در خوردن بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
یُطْعِمُ وَلَا یُطْعَمُ وَیُجِیْرُ وَلَا یُجَارُ عَلَیْهِ وَ
یَسْتَغْنِی وَیُفْتَقَرُ اِلَیْهِ اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا رَزَقْتَنَا
مِنْ طَعَامٍ وَاَدَامٍ فِی یُسْرٍ وَعَافِیَةٍ مِنْ غَیْرِ
کَدٍّ مِنَّا وَلَا مَشَقَّةٍ بِسْمِ اللّٰهِ خَیْرِ الْاَسْمَآءِ بِسْمِ اللّٰهِ
رَبِّ الْاَرْضِ وَالسَّمَآءِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ
اسْمِهٖ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَآءِ وَهُوَ السَّمِیْعُ
الْعَلِیْمُ اَللّٰهُمَّ اَسْعِدْنِی فِی مَطْعَمِی هٰذَا الْخَیْرِ وَ
اَعِذْنِی مِنْ شَرِّهٖ وَاَمْتِعْنِی بِنَفْعِهٖ وَسَلِّمْنِی مِنْ ضَرِّهٖ
و باید که هر روز پیش از چیزی خوردن بیست و یک
مویز سرخ بخوری روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله فرموده که هر که بخورد هر روز بنهار بیست و
یک مویز سرخ علتی او را بهم نرسد مگر علت
موت و هر دو دست را بشوی پیش از طعام و بعد از
طعام اگر چه بیکی خورده باشی روایت کرده رئیس
المحدثین در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
فرموده کسیکه بشوید دستش را پیش از طعام و بعد از طعام باشد
معیشت فراخ کی او در فراخی و عافیت یابد از
بلا در جسدش روایتست از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام که زیاده میکند عمر را و جلا میدهد
چشم را و باید که در شستن اول صاحب طعام اول
دست بشوید بعد از و کسی که بر جانب راست اوست و
در شستن بعد از طعام صاحب طعام آخر بشوید و
اول کسیکه بر جانب چپ اوست و در بعضی روایات

آنست که اول کسیکه بر جانب راست در خانه است بشوید
در شستن دویم خواه آزاد باشد خواه بنده و بعد از
شستن اول دست را خشک نکند و بعد از دوم
خشک کند بعد از انکه دست بر چشم مالیده باشد
و اگر اثر طعام بر دست باشد اول بمکد و در
اثنای خوردن تکرار حمد الهی کند و صاحب
طعام پیش از دیگران شروع کند در خوردن و
بعد از همه دست بکشد و مکروهست بدست
چپ چیزی خوردن و همچنین بدو انگشت چیزی
خوردن **و چون** نان حاضر شود انتظار چیزی دیگر
نکشند و نان را زیر کاسه نگذارد و پاره نکند
بکارد و ابتدا کند بنمک و ختم بآن و ختم بسرکه هم

در روایتی وارد است **و سنتست** حاضر ساختن سبزی
بر سفره و دیگر و زدو بار گوشت نخورند و در
هر سه روز یکبار نخورند **و مکروهست** ترک
گوشت در چهل روز و استخوان را بسیار خالی و پاک
نکند بلکه اندک گوشت در ان بگذارد **روایت**
که جن را در ان نصیب است و انکه کسیکه پاک کند
از خانه او برود چیزی که بهتر از ان گوشت باشد که
پاک کرده **و باید که** صاحب طعام بر سفره بسیار بنشیند
روایت کرده کلینی بطریق حسن از زرارة که گفت
شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
میفرمود سه چیزست که هر گاه مرد یاد گرفت آنها را
باعث زیادتی عمر اوست و باقی بودن نعمت بر وی

گفتم که آنها چیست فرمود که طول دادن او رکوع
و سجودش و طول دادن نشستن بر سفره طعامش
اگر طعام دهد و نیکوئی کردن او با اهلش و دیگر
بعد از فارغ شدن از خوردن آنچه روایت شده از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي أَطْعَمَنَا فِي جَائِعِينَ وَسَقَانَا فِي ظَمْآنِينَ
وَكَسَانَا فِي عَارِينَ وَهَدَانَا فِي ضَالِّينَ وَ
حَمَلَنَا فِي رَاجِلِينَ وَآوَانَا فِي ضَاحِينَ وَأَخْدَمَنَا
فِي عَانِينَ وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنَ الْعَالَمِينَ
و اما خواندن سوره الحمد بعد از طعام چنانکه
درین زمان مشهور است در کتب حدیث بآن مطلع
نشدیم و باید که حاضران همه در یک طشت دست بشویند

و آب طشت را نریزند تا پر شود و سنت است خلال
کردن و مکروه است خلال شاخ خرما و نی و چوب
ریحان و مورد و انار و باید انداخت آنچه بخلال
از میان دندانها بیرون آورد و باکی نیست [فرو بردن] آنچه
بزبان بیرون آورد و باید که خورش تو چیزی
باشد که عیال ترا میل بآن باشد نه آنچه ترا میل باشد
پس روایت کرده کلینی که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرموده اَلْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ یعنی مؤمن
میخورد آنچه اهلش میل میکنند وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ
أَهْلُهُ بِشَهْوَتِهِ یعنی منافق را اهلش میخورند آنچه او
میل میکند اما آداب خوردن آب آنکه بگوید نزد

ان الحمد لله منزل الماء من السماء و مصرف الامر
كيف يشاء بسم الله خير الاسماء وبعد از آب
خوردن بگوید الحمد لله الذی سقانا ماء عذبا
ولم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی الحمد لله الذی
سقانی فاروانی واعطانی فارضانی وعافانی و
کفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من
حوض محمد صلی الله علیه واله و تسعدهم
بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین سنتست
آشامیدن آب کم کم بمکیدن نه بیکبار سر کشیدن
روایتست از پیغمبر صلی الله علیه وآله که بیکبار
سر کشیدن آب مورث کباد است یعنی مرض جگر
باید که آب به نفس خوری و بهر دو دست برداری

وحمد

وحمد خدای تعالی کوئی بعد از هر نفسی واز
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کرده
شد از آشامیدن آب بیکنفس پس آنحضرت علیه السلم
فرمود که انکه آب بتو میدهد اگر مملوک تست پس
بخور به سه نفس واگر آزادست بخور بیک نفس و
روایتست که کسی که آب خورد پس دور کند و حال
آنکه میل بآب داشته باشد و حمد خدای تعالی کند
چون سه بار چنین کند واجب شود برو جنت و
باید که از پیش دسته آب نخوری و نه از جای شکسته
و آب بسیار نخورد و روایتست که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرموده که بپرهیز از بسیار خوردن
آب زیرا که آن مادهٔ هر دردیست و روایتست که کسیکه

آب بخورد و حضرت امام حسین علیه السلام را
یاد کند و لعن قاتل او کند بنویسد خدای تعالی
برای او صد هزار حسنه و بیطرف کند از و صد هزار
سیئه و رفیع سازد برای او صد هزار درجه و چنان
باشد که آزاد کرده صد هزار بنده **باب سیوم**
در بیان اینچه از وقت زوال آفتاب که ظهر ست تا
وقت فرو رفتن آفتاب اینجا باید آورد و دران مقدمه ایست
و چند فصل **مقدمه** روایت کرده در فقیه که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده هرگاه زایل شود
آفتاب کشوده میشود درهای آسمان و درهای
بهشت و مستجاب میشود دعا فَطُوبیٰ لِمَن رَفَعَ لَهُ
عَمَلٌ صالِحٌ پس خوشحال کسیکه بالا برده شود برای

او عمل صالحی و احتمال دارد که معنی طوبی له آن باشد
که درخت طوبی کسی است **و هم او نیز روایت کرده که**
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که به تحقیق که آفتاب را نزد
زوال حلقه ایست که دران داخل میشود پس هرگاه
داخل شود دران زوال شمس میشود پس تسبیح
میکند هر چیزی که پائین عرش است برای حمد
پروردگار من عز و جل و آن ساعتیست که صلوات
میفرستد بر من دران ساعت پروردگار من
جل جلاله و واجب کرده بر من و بر امت من دران ساعت نماز را
و گفته أَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلىٰ غَسَقِ
اللَّيْلِ و آن ساعتیست که می آرند دران جهنم را
روز قیامت پس نباشد مؤمنی که اتفاق افتد در

ساعت انکه او ساجد یا راکع یا در نماز ایستاده باشد
مگر انکه حرام کند خدای تعالی جسد او را بر آتش
دوزخ **فصل اول** باید نماز در اول وقت کردن خواه
واجب باشد و خواه سنتی مگر انکه استثنا شده **روایتست**
انحضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فضل
اول وقت بر آخر وقت همچو فضل آخرتست بر دنیا
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که
اول وقت رضوان خداست و آخرش عفو خداست و
ظاهر آنست که این فضیلت دریافته شود بمشغول
شدن در اول وقت بمقدمات نماز چنانکه شیخ شهید
فرموده و مخصوص نیست بمشغول شدن در اول وقت
بنماز **و اما التاخیر** روایت شده از ائمه معصومین علیهم السلام

که تعظیم و تکریم نکرده کسیکه تاخیر کند طهارت را
تا وقت نماز داخل شود پس آنرا سند معتبری نیست و
داخل بودن آن در ضمن عمل بحدیث حسنی که کلینی
روایت کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که کسیکه بشنود چیزی از ثواب این عمل پس آنرا بجا
آرد او را اجر آن باشد اگرچه چنان نباشد که باو رسیده
دلالت میکند بر انکه مشغول بودن بطهارت در اول
وقت مانع است از تعظیم نماز نه از دریافتن فضیلت
اول وقت میان هر دو فرقست **و سنتست** انتظار وقت
نماز روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
انتظار دخول وقت نماز میکشید و میفرمود أرحنا
یا بلال یعنی راحت ده ما را باعلام دخول وقت چنانکه

میفرموده قُرَّةُ عَینی فِی الصَّلٰوةِ یعنی خوشحالی من در
نماز است **واول** زوال شروع سایه است در زیادتی
بعد از انکه بنهایت نقصان رسیده باشد یا بهم رسیدن
سایه بعد از برطرف شدن زیرا که هرچند آفتاب بلندتر
میشود سایه کوتاه تر میشود تا وقتی که آفتاب بنهایت بلندی
رسد دراز و زپس سایه هم بنهایت کوتاهی رسد تا
برطرف شود واین وقتیست که آفتاب بدائره نصف
النهار رسد و معلومست که آفتاب درینوقت نسبت
باکنان اقالیم سبعه مختلف الاوضاع است گاه در
جانب جنوب سمت الرأس بعضی اقالیم است وگاه در
شمال آن وگاه بر سمت الرأس ایشان پس در قسم اول و
دویم سایهٔ نصف النهار برطرف نمیشود بلکه درینوقت

درنهایت کوتاهیست در جانب شمالی یا جنوب و
درین دو وقت چون شروع در زیادتی کند اول
وقت زوالست و در قسم سیم که آفتاب در نصف النهار
بر سمت الرأس ایشان باشد سایه بالکلیه برطرف
میشود و بعد از ان ظاهر میگردد و اول ظهور آن
وقت زوال است و شاخص را پیش از زوال ظل
میگویند و بعد از زوال فی مشتق است از فاء یفیء
بمعنای رجع زیرا که رجوع میکند کم کم بانچه پیش
از ان بوده و ممتد است وقت فضیلت ظهر تا انکه
فی یعنی سایه که بعد از زوال بهم رسید مساوی
شاخص شود و وقت فضیلت عصر تا انکه فی دو
برابر شاخص شود **وسنتست** تاخیر هر یک ازین دو

نماز اول وقت بمقدار ادای نافلهٔ آن نماز وکسیکه
نافله نکند تأخیر سنت نیست ونافلهٔ ظهر را صلوة
اوابین می نامند ووقت او از زوال است تا آنکه فی
دو قدم شود یعنی مقدار دو سبع شاخص زیرا که
قامت اغلب مردم هفت قدم اوست ونافلهٔ عصر را
سبحه می نامند ووقت آن فارغ شدن از نماز
ظهر است تا آنکه فی چهار قدم شود وبعضی علمای
ما را اعتقاد ممتد بودن وقت این نافلهاست بامتداد
وقت این نمازها پس وقت نافله ظهر ممتد است
تا آنکه فی مثل شاخص شود ونافله عصر تا آنکه دو
برابر شود واین دور نیست ودر اخبار معتبره
دلالتی برین هست بلکه در بعضی روایات دلالت

بر زیادتی وسعت وقت نافله میکند روایت
کرده در تهذیب بسند صحیح که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرموده که نماز تطوع بمنزله
هدیه است هرگاه که بجا آورده شود مقبول است
پس مقدم دار آنچه خواهی ومؤخر دار آنچه
خواهی اما ظن آنست که هیچ یك از علمای ما عمل
باطلاق این حدیث از وسعت تقدیم وتأخیر نکرده
وشاید که مراد بتقدیم ادا باشد وبتأخیر قضا
والله اعلم ومشهور میانه علمای ما آنست که جائزست
اعتماد بر ظن دخول وقت مگر با عدم قدرت
بر تحصیل علم پس بنابرین جائز نباشد اعتماد بر قول
یك عادل ونه بر اذان شهر اگرچه مؤذن عادل باشد

مکر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر
جواز اعتماد بر اذان یک عادل است اما خبر دادن
دو عادل بدخول وقت یا اذان ایشان پس جواز
اعتماد است بران اکرچه قدرت داشته باشد بر علم
بآن زیرا که علم شرعی بآن حاصلست و کسیکه
اهتمام بیافتن فضیلت اول وقت و بجای آوردن
سنتها داشته باشد باید که در خانه خود یا پشت
بام چوبی راست بزمین فرو برد و آن چوب را
بهفت قسم کرده باشد پس هرکاه سایه بغایت
نقصان رسد یا شروع در حادث شدن پس شروع
کند در نافلهٔ زوال اکر موفق باشد بعادت سنتی
کردن یا شروع کند در نماز ظهر در اول وقت اکر

والبته در زیادتی کند

محروم باشد ازان سعادت و باید که ملاحظه نی
نماید پس چون بقدر دو سبع شاخص یا مثل شاخص
شود وقت نافلهٔ ظهر بیرون میرود پس اکر نافلهٔ ظهر
یک رکعت تمام نکرده باشد نافله را ترک کند و مشغول
کردد بنماز واجبی و اکر از نافله یک رکعت تمام کرده
باشد و این بفارغ شدن ذکر سجدهٔ دویم رکعت
اول متحقق میشود اکر سر از سجده برنداشته باشد
نافله را تمام کند بعد ازان مشغول شود بفرض و
اظهر آنست که درینصورت شش رکعت دیکر هم
اداست زیرا که این هشت رکعت در حکم یک نماز است
بعد ازان نماز ظهر بکزارد و بعد ازان ملاحظه نی
نماید اکر چهار سبع شاخص یا دو برابر شاخص نشده

باشد شروع کند در نافلهٔ عصر و اگر شده باشد
وقت نافله بیرون رفته و حکم این هم مثل
نافله ظهرست در اتمام و ترک **و اما در روز جمعه** زیاده
کند بر هشت رکعت نافله ظهر و هشت رکعت نافله
عصر چهار رکعت دیگر که مجموع بیست رکعت
باشد همه نافله جمعات شش رکعت در وقتی بگزارد
که شعاع آفتاب پهن شود و شش رکعت وقتی که آفتاب
بلند شود و شش رکعت وقتی که راست بایستد و
دو رکعت بعد از زوال **فصل** چون زوال
متحقق شود بگو آنچه رئیس المحدثین در فقیه
روایت کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
تعلیم کرده محمد بن مسلم را و باو گفته که محافظت

ومداومت کن برین چنانکه محافظت میکنی چشمهای
خود را و دعا اینست سُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ
لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ
الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا **و بعد از آن** وضو ساز و
شروع کن در نافلهٔ زوال پس نیت کن که دو
رکعت نافله زوال میگزارم سنت تقرب بخدا و
تکبیرة الاحرام بگو و دو تکبیر دیگر و دعای اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ را تا آخر بخوان و بعد از آن دو
تکبیر دیگر بگو و دعای لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ را
تا آخر بخوان و بعد از آن دو تکبیر دیگر بگو و
دعای وَجَّهْتُ وَجْهِيَ را تا آخر بخوان و بعد از آن

آهسته بگو اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ و بعد از
الحمد در رکعت اول قل هو الله احد بخوان و در رکعت
دوم بعد از الحمد قل یا ایها الکافرون چنانکه کلینی
روایت کرده بسند حسن و بعد از سلام سه تکبیر
بگو و تسبیح فاطمهٔ زهرا علیها السلام بخوان و
بعد از آن بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی ضَعیفٌ فَقَوِّ فی رِضاكَ
ضَعْفی وَ خُذْ اِلَی الْخَیْرِ بِناصِیَتی وَ اجْعَلِ الْاِیمانَ
مُنْتَهی رِضایَ وَ بارِكْ لی فیما قَسَمْتَ لی وَ
بَلِّغْنی بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذی اَرْجُو مِنْكَ وَ اجْعَلْ لی
وُدّاً وَ سُرُوراً لِلْمُؤْمِنینَ وَ عَهْداً عِنْدَكَ و بعد از آن
دو رکعت دیگر بگزار اما در اول این تکبیر افتتاح
مگو و پس بعد از آن دو رکعت این دعا بخوان و همچنین

تا شش رکعت بگزاری بعد از آن اذان برای نماز
ظهر بگو و دو رکعت نافله بکن و بعد از آن اقامت
بگو و بعد از اقامت این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ رَبَّ
هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التّامَّةِ وَ الصَّلٰوةِ الْقائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّداً
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسیلَةَ وَ
الْفَضْلَ وَ الْفَضیلَةَ بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ وَ بِاللّٰهِ
اَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اَتَوَجَّهُ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ وَ اجْعَلْنی بِهِمْ وَجیهاً
فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبینَ بعد از آن
مشغول شو بنماز ظهر بآدابی که در نماز صبح
مذکور شد و بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ را بلند بگو
و باقی را آهسته بخوان و در رکعت اول بعد از الحمد

مُحَمَّدٍ

سورهٔ سبح اسم ربك الاعلى بخوان یا سوره والشمس
یا سورهٔ که بمقدار اینها باشد چنانکه در تهذیب
روایت شده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
بسند صحیح و بعد دو رکعت آخر سوره الحمد تنها یا سه
بار بگو سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَ
اللهُ اَکبَرُ اَستَغفِرُ اللهَ بعد از ان تکبیر رکوع
بگو دستها را برداشته و چهار رکعت تمام کن
چنانکه گذشت و بعد از سلام سه بار الله اکبر بگو
و بعد از ان بخوان لا اِلهَ اِلّا اللهُ اِلهاً واحِداً وَ
نَحنُ لَهُ مُسلِمونَ تا آخر چنانکه در تعقیب صبح مذکور
شد بعد از ان تسبیح فاطمهٔ زهرا علیها السلام بگو و
هر دعائی که خواهی از انها که در تعقیب صبح

مذکور شد بخوان سوای آنچه مخصوص است بصبح و آنکه
متضمن دخول صبح است مثل سه دعای آخر

تعقیب المختص بالظهر

بعد از ان بگو یا مَن اَظهَرَ الجَمیلَ وَسَتَرَ القَبیحَ
یا مَن لَم یُؤاخِذ بِالجَریرَةِ وَلَم یَهتِكِ السِّترَ
یا کَریمَ الصَّفحِ یا عَظیمَ المَنِّ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ
یا واسِعَ المَغفِرَةِ یا باسِطَ الیَدَینِ بِالرَّحمَةِ یا سامِعَ
کُلِّ نَجوی وَیا مُنتَهی کُلِّ شَکوی یا مُبتَدِئاً
بِالنِّعَمِ قَبلَ استِحقاقِها یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ
یا سَیِّداهُ یا سَیِّداهُ یا سَیِّداهُ یا غایَةَ رَغبَتاهُ
یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ اَسئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَعَلِیٍّ وَفاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَینِ وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ
وَجَعفَرٍ وَموسی وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَالحَسَنِ

یا مولاه ٥

ومحمد صاحب الزمان سلام الله عليهم اجمعين
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف كربي
وتغفر ذنبي وتنفس همي وتفرج غمي وتصلح
شأني في ديني ودنياي وآخرتي وان تدخلني
الجنة ولا تشوه خلقي بالنار ولا تفعل بي ما انا
اهله برحمتك يا ارحم الراحمين بعد از آن بگو
يا سامع كل صوت يا جامع كل فوت يا بارئ النفوس
بعد الموت يا باعث يا وارث يا اله الآلهة يا
جبار الجبابرة يا ملك الدنيا والآخرة يا رب
الارباب يا مالك الملوك يا بطاش يا ذا البطش
الشديد يا مبدئ يا معيد يا فعالا لما يريد
يا محصي عدد الانفاس ونقل الاقدام يا من

السر عنده علانية اسئلك بحق خيرتك من
خلقك وبحقهم الذي اوجبت لهم على نفسك
ان تصلي على محمد واهل بيته وان تمن على الساعة
بفكاك رقبتي من النار وان تنجز لوليك وابن
نبيك الداعي اليك باذنك وامينك في ارضك
وعينك في عبادك وحجتك على خلقك عليه
صلواتك وبركاتك اللهم ايده بنصرك وقو
اصحابه وصبرهم واجعل لهم من لدنك
سلطانا نصيرا وعجل فرجه ومكنه من اعدائك
واعداء رسولك يا ارحم الراحمين پس بگو
اللهم رب السموات ورب الارضين السبع
وما فيهن وما بينهن وما تحتهن ورب العرش

العظیم ورب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل
ورب السبع المثانی والقرآن العظیم ورب
محمد خاتم النبیین صل علی محمد وآله واسئلك
باسمك الاعظم الذی به تقوم السموات و
الارض وبه تحیی الموتی وترزق الاحیاء و
تفرق بین المجتمع وتجمع بین المتفرق وبه
احصیت عدد الآجال ووزن الجبال وکیل
البحار اسئلك یا من هو کذلك ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا
وحاجت خود بطلب پس سجدهای شکر کن
ودعائها وبعد از آنها بگو آنچه در باب اول مذکور
شد فصل وبعد از فارغ شدن از متعلقات

نماز ظهر برخیز بنافله عصر ودر اینجا هفت تکبیر
افتتاح سنت نیست بلکه همان تکبیر افتتاح است
زیرا که آن هفت تکبیر در نمازهای سنتی نیست
مگر در پنج نماز اول نافله زوال واول نافله مغرب [وتیره]
واول نماز شب ویک رکعت وتر واینجا خواهی
بخوان در نافله عصر از سورها واولی سورهائی
که ترغیب از ائمه هدی علیهم السلام در آنهاست
واختیار کند سوره که خواندنش باعث بیرون
رفتن وقت نباشد واز حضرت امام محمد باقر
علیه السلام مرویست که هر که سوره صف در
نمازهای واجبی وسنتی بخواند خدای تعالی اورا
در صف ملائکه وانبیای مرسل بدارد وهم از آنحضرت

که هر که مداومت کند بر خواندن سورهٔ وقعه در

نمازهای واجب و سنتی وسیع کرداند خدای تعالی

بر او روزی او را و عطا کند کتاب او را بدست

راستش و حساب کند او را حساب اندکی و از ان

حضرت که بسیار تلاوت کنید الحاقه را در

نمازهای واجب و سنتی زیرا که این از ایمان بخدا

و رسول اوست و هرکز از خوانندهٔ آن سلب نشود

ایمانش تا بمیرد و بعد از فراغ از دو رکعت اول بکو

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الْعَلِیُّ

الْعَظِیمُ الْحَکِیمُ الْکَرِیمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ

الْمُحْیِی الْمُمِیتُ الْبَدِیُٔ الْبَدِیعُ لَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ

الْمَنُّ وَلَکَ الْکَرَمُ وَلَکَ الْجُودُ وَلَکَ الْاَمْرُ

وحد

وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ یَا وَاحِدُ یَا اَحَدُ یَا صَمَدُ یَا مَنْ

لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ

وَلَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَافْعَلْ بِی کَذَا وَکَذَا پس دو رکعت دیکر

بکزارد و بعد از انها بکو اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ

تا آخر پس دو رکعت دیکر بکزارد و بعد از انها بکو

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَدْعُوکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ عَبْدُکَ یُونُسُ

اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ

فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ

اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّیْتَهُ

مِنَ الْغَمِّ فَاِنَّهُ دَعَاکَ وَهُوَ عَبْدُکَ وَاَنَا اَدْعُوکَ

وَاَنَا عَبْدُکَ وَسَئَلَکَ وَهُوَ عَبْدُکَ وَاَنَا اَسْئَلُکَ

ینبغی ان تقرء اللفظ تقدر بالتاء

الخطاب لا بالنون سو منه

وانا عبدك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تستجيب لي كما استجبت له وادعوك
بما دعاك به عبدك ايوب اذ مسه الضر فدعاك
اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت
وكشفت ما به من ضر وآتيته اهله و
مثلهم معهم فانه دعاك وهو عبدك و
انا ادعوك وانا عبدك وسألك وهو
عبدك وانا اسألك وانا عبدك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تفرج عني كما فرجت
عنه وان تستجيب لي كما استجبت له و
ادعوك بما دعاك به يوسف اذ فرقت بينه
وبين اهله واذ هو في السجن فانه دعاك وهو

عبدك وانا ادعوك وانا عبدك وسألك
وهو عبدك وانا اسألك وانا عبدك ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تفرج عني
كما فرجت عنه وان تستجيب لي كما
استجبت له فصل على محمد وآل محمد وافعل
بي كذا وكذا وحاجت خود ذكر كن پس دو ركعت
آخر بگزار و بعد از آنها بگو يا من اظهر الجميل
وستر القبيح تا آخر پس اذان بگو براى نماز عصر و
فاصله كن ميان اذان واقامت بسجده ودعا كه
بآنچه گذشت در نماز صبح وظهر پس مشغول شو
بنماز عصر بهمان آداب كه مذكور شد وبخوان در
ركعت اول اذا جاء نصر الله والفتح والهيكم التكاثر

و مثل اینها چنانکه روایت کرده شیخ الطایفه در
تهذیب از امام جعفر صادق علیه السلام بسند
صحیح و بعد از فراغ از نماز عصر تعقیب بخوان
انچه در عقب نماز ظهر میخواندی مگر انچه مخصوص
ظهر باشد و بعد از انها بخوان انچه مخصوص

تعقیب مختص بالعصر

عصر است أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ
الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ
فَقِيرٍ بَائِسٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ
ضَرّاً وَلَا نَفْعاً وَلَا مَوْتاً وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُوراً اللّٰهُمَّ
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ
لَا يَخْشَعُ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ

ومن

وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ
بَعْدَ الْعُسْرِ وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ وَالرَّخَاءَ
بَعْدَ الشِّدَّةِ اللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ
لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ وسنت
هفتاد بار استغفار بعد از نماز عصر و ده بار خواندن
سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده کسیکه بعد از نماز عصر هفتاد
بار استغفار کند بیامرزد خدای تعالی هفتصد
گناه او را وحضرت امام محمد تقی علیه السلام
فرموده کسیکه انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند
ده بار بعد از نماز عصر بگذرد آن خواندن بر
مثل اعمال خلایق یعنی ثواب آن خواندن برابر ثواب

عملهای نیک خلایق باشد در آن روز و بعد از آن دو
سجده شکر کن و بخوان در آنها و بعد از آنها
انچه از پیش گذشت و باید که آخر این دعا بخوانند
اللهم انی توجهت بوجهی الیک واقبلت بدعائی
علیک راجیا اجابتک طامعا فی مغفرتک طالبا
ما اویت به علی نفسک منتجزا وعدک اذ
تقول ادعونی استجب لکم فصل علی
محمد وآل محمد واقبل الی بوجهک وارحمنی
واستجب دعائی یا اله العالمین فصل بدانکه
ساعت پنجم روز از زوال تا آنمقدار که چهار رکعت
بگزارند از حضرت امام محمد باقر است علیه السلام
و دعای آن اینست و بهتر آنست که این دعا را بعد از

رکعت چهارم نافله زوال بخوانی اللهم انت
الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه
سنة ولا نوم هو الله الذی لا اله الا هو
عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو
الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بکل
شیء علیم فالق الاصباح وجاعل اللیل
سکنا والشمس والقمر حسبانا ذلک
تقدیر العزیز العلیم یا غالبا غیر مغلوب و
یا شاهدا لا یغیب یا قریب یا مجیب ذلکم
الله ربی لا اله الا هو علیه توکلت والیه
انیب اتذلل الیک تذلل الطالبین واخضع
بین یدیک خضوع الراغبین واسئلک سؤال

الفقیر المسکین و اسئلک تضرعا و خفیة

خیفة

انک لا تحب المعتدین و ادعوک خوفا و طمعا

ان رحمتک قریب من المحسنین و اتوسل الیک

بخیرتک و صفوتک من العالمین الذی جاء

بالصدق و صدق المرسلین محمد عبدک و

رسولک النذیر المبین و بولیک و عبدک

علی بن ابی طالب امیر المؤمنین و بالامام محمد

بن علی باقر علوم الاولین و الآخرین و العالم

بتاویل الکتاب المستبین و اسئلک بمکانهم

عندک و اقدمهم امامی و بین یدی حوائجی ان

توزعنی شکر ما اولیتنی من نعمک و

تجعل لی فرجا و مخرجا من کل کرب و غم و ترزقنی

من

من حیث احتسب و من حیث لا احتسب و

تیسر لی من فضلک ما تغنینی به عن کل

مطلب و اقذف فی قلبی رجاک و اقطع

رجائی ممن سواک حتی لا ارجو الا ایاک

انک تجیب الداعی اذا دعاک و تغیث الملهوف

اذا ناداک و انت ارحم الراحمین و اما ساعت

ششم از آن زمان که مقدار چهار رکعت نماز بگذرد

از اول زوال تا نماز ظهر از حضرت امام جعفر

صادق علیه است و دعای آن اینست اللهم انت

انزلت الغیث برحمتک و علمت الغیب بمشیتک

و دبرت الامور بحکمتک و ذللت

الصعاب بعزتک و اعجزت العقول عن علم

صفتك

كيفيتك و حجبت الابصار عن ادراك صنعتك
و الاوهام عن حقيقة معرفتك و اضطرت
الافهام الى الاقرار بوحدانيتك يا من يرحم
العبرة و يقيل العثرة لك العزة و القدرة
لا يعزب عنك في الارض و لا في السماء مثقال
ذرة اتوسل اليك بالنبي الامي محمد رسولك
العربي المكي المدني الهاشمي الذي اخرجتنا
به من الظلمات الى النور و بامير المؤمنين
علي بن ابي طالب عليه السلام شرحت
بولايته الصدور و بالامام جعفر بن محمد
الصادق في الاخبار المؤتمن على مكنون
الاسرار صلى الله عليه و على اهل بيته

بالعشي و الابكار اللهم اني اسئلك
بهم و استشفع بمكانهم لديك و اقدمهم
امامي و بين يدي حوائجي فاعطني الفرج
الهني و المخرج الوحي و الصنع القريب
و الامان من الفزع في اليوم العصيب و
ان تغفر لي موبقات الذنوب و تستر على فاضحات
العيوب فانت الرب و انا المربوب و انا
الطالب و انت المطلوب و انت الذي بذكرك
الذي تطمئن القلوب و انت الذي تقذف
بالحق و انت علام الغيوب يا اكرم
الاكرمين و يا خير الناصرين و يا خير
الفاصلين و يا احكم الحاكمين و ارحم

الراحمين **واما ساعت هفتم** که از وقت ظهرست
تا مقدار چهار رکعت نماز پیش از عصر از حضرت
امام موسی کاظم است علیه السلام و دعای آن
اینست اللهم انت المرجو اذا اشتد الامر و
انت المدعو اذا مس الضر و مجیب الملهوف
المضطر و المنجی من ظلمات البر و البحر و
من له الخلق و الامر و العالم بوساوس الصدر
المطلع علی خفی السر یا غایة کل نجوی و
منتهی کل شکوی یا من له الحمد فی الآخرة
و الاولی یا من خلق الارض و السموات العلی
الرحمن علی العرش استوی له ما فی السموات
و ما فی الارض و ما بینهما و ما تحت الثری

وان

وان تجهر بالقول فانه یعلم السر و اخفی الله
لا اله الا هو له الاسماء الحسنی اسئلك بمحمد
خاتم النبیین خیرتك من خلقك و المؤمنین
علی اداء رسالتك و بامیر المؤمنین علی بن
ابی طالب علیه السلام الذی جعلت ولایته
مفروضة مع ولایتك و محبته مقرونة
برضاك و محبتك و بالامام الکاظم
علیه السلام موسی بن جعفر علیه السلام
الذی سئلك ان تفرغه لعبادتك و تخلیه
لطاعتك فاجبت دعوته ان تصلی علی محمد
و آله صلوة تقضی بها عنی واجب حقوقهم
و ترضی بها فی اداء فروضهم و اتوسل الیك

بهم وأستشفع بمنزلتهم وقد قدمتهم امامى
وبين يدى حوائجى ان تجريني على جميل عوائدك
وتمنحني جزيل فوائدك وتأخذ بسمعى
وبصرى وسرّى وناصيتى وقلبى وعزيمتى
ولبّى الى ما تعيننى به على هواك وتقربنى
من اسباب رضاك وتوجب لى نوافل
فضلك وتستديم لى منائح طولك يا ارحم
الراحمين وساعت هشتم که بعد از گذشتن
مقدار چهار رکعت تا وقت نماز عصر از
حضرت امام رضا علیه السلام است و دعای آن
اینست اللهم انت الكاشف للملمات والكافى
للمهمات والمفرج للكربات والسامع

للاصوات والمخرج من الظلمات والمجيب
للدعوات الراحم للعبرات جبار الارض
والسموات يا ولى يا مولى يا على يا اعلى
يا كريم يا اكرم يا من له الاسم الاعظم
يا من علم الانسان ما لم يعلم فاطر السموات
والارض وهو يطعم ولا يطعم اسئلك
بمحمد المصطفى من الخلق المبعوث بالحق و
بامير المؤمنين الذى اوليته فالفيته شاكرا
وابتليته فوجدته صابرا وبالامام الرضى
على بن موسى الذى اوفى بعهدك ووثق
بوعدك واعرض عن الدنيا وقد اقبلت اليه
ورغب عن زينتها وقد رغبت فيه ان تصلى

على محمد وآل محمد فقد توسلت بهم اليك
وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي ان
تهديني الى سبل مرضاتك وتيسر لي اسباب
طاعتك وتوفقني لابتغاء الزلفة بموالات
اوليائك واذالت الحظوة من معادات
اعدائك وتعينني على اداء فروضك و
استعمال سننك وتوفقني على المحجة المؤدية
الى العتق من عذابك والفوز برحمتك
يا ارحم الراحمين وساعت نهم که از میان
عصر است تا آنکه دو ساعت بگذرد از حضرت
امام محمد جواد است علیه السلام و دعاش اینست
اللهم يا خالق الانوار ومقدر الليل والنهار

تعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما
تزداد وكل شيء عنده بمقدار اذا تفاقم
امر طرح عليك واذا غلقت الابواب قرع
باب فضلك واذا ضاقت الحاجات فزع الى
سعة طولك واذا انقطع الامل من الخلق
اتصل بك واذا وقع الياس من الناس وقف
الرجاء عليك اسئلك بحق النبي الاواب الذي
انزلت عليه الكتاب ونصرته على الاحزاب
وهديتنا به الى دار المآب وبامير المؤمنين
علي بن ابي طالب الكريم النصاب المتصدق
بخاتمه في المحراب وبالامام الفاضل محمد بن علي
عليه السلام الذي سئل فوفقته لرد الجواب

وَ امتحن فعصمته بالتوفیق و الصواب صلی الله
علیه و علی اهل بیته الاطهار ان تجعل موالاتی
بهم عصمة من النار و محجة الی دار القرار فقد
توسلت بهم الیک و قدمتهم امامی و بین یدی
حوائجی و ان تعصمنی من التعرض بموقف
سخطک و توفقنی لسلوک سبیل محبتک و
مرضاتک یا ارحم الراحمین وساعت دهم
بعد از دو ساعت از وقت عصر تا پیش از زردی
آفتاب از حضرت امام علی الهادیست علیه السلام
و دعاش اینست اللهم انت الولی الحمید الغفور
الودود المبدئ المعید ذو العرش المجید و
البطش الشدید فعال لما ترید یا من هو اقرب الی

من حبل الورید یا من هو علی کل شیء شهید
یا من لا یتعاظمه غفران الذنوب و لا یکبر
علیه الصفح عن العیوب اسئلک بجلال وجهک
الذی ملأ ارکان عرشک و بقدرتک التی
قدرت بها علی خلقک و برحمتک التی وسعت
کل شیء و بقوتک التی ضعف لها کل قوی و
بعزتک التی ذل لها کل عزیز و بمشیتک التی
ضعف فیها کل کبیر و برسولک
الذی رحمت به العباد و هدیت به الی سبل
الرشاد و بامیر المؤمنین علی بن ابی طالب اول
من آمن برسولک و صدق و الذی وفی بما
عاهد علیه و تصدق و بالامام البر علی بن

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي كَفَيْتَهُ حِيلَةَ الْأَعْدَاءِ
وَ أَرَيْتَهُمْ عَجِيبَ الْآيَةِ إِذْ تَوَسَّلُوا بِهِ فِي الدُّعَاءِ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ
بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي
وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ كِفَايَتِكَ فِي حِرْزٍ حَرِيزٍ وَ
مِنْ كِلَائَتِكَ تَحْتَ عِزٍّ عَزِيزٍ وَ تُوزِعَنِي شُكْرَ
الْآئِكَ وَمِنَنِكَ وَ تُوَفِّقَنِي لِلْاِعْتِرَافِ بِأَيَادِيكَ وَ
نِعَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وساعت یازدهم
پیش از زردی آفتاب تا زردی آفتاب از حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام است و دعا
اینست اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ مُنْزِلُ الْقُرْآنِ وَخَالِقُ الْإِنْسِ
وَالْجَانِّ وَجَاعِلُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ بِحُسْبَانٍ الْمُبْتَدِئُ

بِالطَّوْلِ وَ الْاِمْتِنَانِ وَ الْمُبْدِئُ لِلْفَضْلِ وَ
الْإِحْسَانِ وَضَامِنُ الرِّزْقِ لِجَمِيعِ الْحَيَوَانِ لَكَ
الْمَحَامِدُ وَ الْمَمَادِحُ وَمِنْكَ الْعَوَائِدُ وَ الْمَنَائِحُ وَإِلَيْكَ
يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ
وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَالْجَوَانِحُ
أَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَسُولِكَ إِلَى
الْكَافَّةِ وَ أَمِينِكَ الْمَبْعُوثِ بِالرَّحْمَةِ وَ الرَّأْفَةِ وَ
بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
الْمُفْتَرَضِ طَاعَتُهُ عَلَى الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ الْمُؤَيَّدِ
بِنَصْرِكَ فِي كُلِّ مَوْقِفٍ مَشْهُودٍ وَ بِالْإِمَامِ الْحَسَنِ
بْنِ عَلِيٍّ الَّذِي طُرِحَ لِلسِّبَاعِ فَخَلَّصْتَهُ مِنْ مَرَابِضِهَا
وَ امْتُحِنَ بِالدَّوَابِّ الصِّعَابِ فَذَلَّلْتَ لَهُ مَرَاكِبَهَا

بالطول

اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ

اِلَیْکَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمَامِیْ وَبَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِیْ وَاَنْ

تَرْحَمَنِیْ بِالتَّوْفِیْقِ لِتَرْکِ مَعَاصِیْکَ مَا اَبْقَیْتَنِیْ وَ

تُعِیْنَنِیْ عَلَی التَّمَسُّکِ بِطَاعَتِکَ مَا اَحْیَیْتَنِیْ وَاَنْ

تَخْتِمَ لِیْ بِالْخَیْرَاتِ اِذَا تَوَفَّیْتَنِیْ وَتَفَضَّلَ عَلَیَّ

بِالْمُیَاسَرَةِ اِذَا حَاسَبْتَنِیْ وَتَهَبَ لِیَ الْعَفْوَ اِذَا

کَاشَفْتَنِیْ وَلَا تَکِلْنِیْ اِلٰی نَفْسِیْ فَاَضِلَّ وَلَا تُحْوِجْنِیْ

اِلٰی غَیْرِکَ فَاَذِلَّ وَلَا تُحَمِّلْنِیْ مَا لَا طَاقَةَ لِیْ بِهٖ

فَاَضْعُفَ وَلَا تَبْتَلِنِیْ بِمَا لَا صَبْرَ لِیْ عَلَیْهِ فَاَعْجِزَ

وَاَجْرِنِیْ عَلٰی جَمِیْلِ عَوَائِدِکَ عِنْدِیْ وَلَا تُؤَاخِذْنِیْ

بِسُوْءِ عَمَلِیْ وَلَا تُسَلِّطْ عَلَیَّ مَنْ لَا یَرْحَمُنِیْ بِرَحْمَتِکَ

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ و ساعت دوازدهم از روز ی

آفتاب

آفتاب تا غروب آفتاب از حضرت امام محمد مهدی

صلوات الله علیه است و دعاش این است اَللّٰهُمَّ

یَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوْعِ وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوْعِ وَ

رَازِقَ الْعَاصِیْ وَالْمُطِیْعِ الَّذِیْ لَیْسَ لَهٗ مِنْ دُوْنِهٖ

وَلِیٌّ وَلَا شَفِیْعٌ اَسْئَلُکَ بِاَسْمَائِکَ الَّتِیْ اِذَا سُمِّیَتْ

عَلٰی طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ یُسْرًا وَاِذَا وُضِعَتْ

عَلَی الْجِبَالِ کَانَتْ هَبَآءً مَنْثُوْرًا وَاِذَا رُفِعَتْ

اِلَی السَّمَاءِ تَفَتَّحَتْ لَهَا الْمَغَالِیْقُ وَاِذَا هَبَطَتْ اِلٰی

ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَائِقُ وَاِذَا

دُعِیَتْ بِهَا الْمَوْتٰی اَنْتَشَرَتْ مِنَ اللُّحُوْدِ وَاِذَا

نُوْدِیَتْ بِهَا الْمَعْدُوْمَاتُ خَرَجَتْ اِلَی الْوُجُوْدِ وَ

اِذَا ذُکِرَتْ عَلَی الْقُلُوْبِ وَجِلَتْ خُشُوْعًا وَاِذَا

قرعت الاسماع فاضت العيون دموعا اسئلك
بمحمد رسولك المؤيد بالمعجزات المبعوث
بمحكم الآيات وبامير المؤمنين علي بن
ابي طالب الذي اخترته لمواخاته ووصيته و
اصطفيته لمصافاته ومصاهرته وبصاحب
الزمان عليه السلام المهدي الذي تجمع على
طاعته الآراء المتفرقة وتؤلف بين الاهواء
المختلفة وتستخلص به حقوق اوليائك وتنتقم
به من شر اعدائك وتملأ به الارض عدلا و
احسانا وتوسع على العباد بظهوره فضلا و
امتنانا وتعيد الحق الى مكانه عزيزا حميدا
وترجع الدين على يديه غضا جديدا ان تصلي

علی

على محمد وآل محمد فقد استشفعت بهم اليك
وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي وان
توزعني شكر نعمتك في التوفيق لمعرفته
والهداية الى طاعته وتزيدني قوة في التمسك
بعصمته والاقتداء بسنته والكون في زمرته
انك سميع الدعاء برحمتك يا ارحم الراحمين

باب چهارم در بیان آنچه میان فرو رفتن
آفتاب تا وقت خواب بجا باید آورد اول وقت
مغرب بنابر قول مشهور برطرف شدن شفق
مغرب و وقت ادای آن میکشد تا آنکه از نصف
اول شب مقدار گزاردن نماز شام بگذرد و وقت
گزاردن نماز خفتن بماند پس چون وقت شام

محقق شود ده بار بگو انچه روایت کرده ابن بابویه
قدس سره در فقیه بسند صحیح از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام از دعای نوح علیه السلام
وانچه روایت کرده کلینی بسند صحیح از امام محمد باقر
علیه السلام و هر دو گذشت در دعاهای وقت
طلوع فجر بعد ازان دست بر سر بگذار و بکش بر روی
خود و ریش خود را بگیر و بگو اَحَطْتُ عَلی نَفْسی وَ
اَهْلی وَمالی وَوُلْدی مِنْ غائِبٍ وَشاهِدٍ بِاللهِ
الَّذی لا اِلهَ اِلاّ هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمنِ
الرَّحیمِ الْحَیِّ الْقَیُّومِ لا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ تا
وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ واگر خواهی اکتفا بیکی ازین
هر سه دعا کن خصوصا در وقت ترس از تنگی وقت

بعد ازان

بعد ازان باید ابتدا بنماز مغرب کنی زیرا که مستفاد
از روایات معتبره از اصحاب عصمت سلام الله
علیهم تنگی وقت مغربست و روایات درین
بسیار است چنانکه روایت کرده کلینی قدس سره
بسند صحیح که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
بدرستی که جبرئیل علیه السلام آمد بحضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله برای هر نمازی دو وقت
غیر نماز مغرب که وقت آن یکی است و وقت آن
سقوط آفتاب است و چنانکه روایت کرده محمد بن
بابویه در مجلس شصت و دوم امالی از ابی اسامه
که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که میگفت کسیکه تاخیر کند نماز مغرب را تا آنکه

ستارها مشتبک شوند یعنی ظاهر شوند پس
من از و بیزارم و چنانکه روایت کرده شیخ طوسی
قدس سره در تهذیب بسند صحیح از ذریح که
گفت گفتم بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
بدرستی که جمعی مردم از اصحاب ابی الخطاب شام
میکنند بمغرب تا وقتی که ستارها مشتبک شود
یعنی ظاهر گردد پس آنحضرت فرمود که من بری ام
بخدا از کسیکه این کار کند عمدا و چنانکه روایت
کرده هم در تهذیب بسند صحیح که فرمود بدرستی که
جبرئیل علیه السلام امر کرد حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله را بهمه نمازها پس گردانید از
برای هر نمازی دو وقت مگر مغرب که بدرستی که

گردانید برای آن یک وقت و تحقیق که وارد شده
در روایات معتبره بیرون رفتن وقت مغرب
به بر طرف شدن شفق و عمل کرده اند بآن جمعی از
علمای ما و گردانیده اند میان مغرب و بر طرف
شدن شفق را وقت مختار و ما بعدش را وقت
از برای مضطر و اظهر مذهب متأخرین است که
مضیق وقت فضیلتش است نه وقت اداش پس
حمل کرده میشود روایت حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام را از کسیکه تاخیر کند اما
تا اشتباک ستارها بر کسیکه اعتقاد کند که وجوب
تاخیر مغرب تا آن وقت و باید که ترک اذان و اقامت
مغرب نکند زیرا که جمعی از علمای ما مثل سید مرتضی

قدس سره و ابن عقیل و ابن جنید قائلند بوجوب
بودن اذان و اقامت در نماز مغرب بلکه بعضی
قائلند بآنکه نماز مغرب باطل است اگر کسی عمدًا
ترک اذان و اقامت کند و فاصله کن میان اذان
و اقامت بسکته یا نشستن روایتست از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود کسیکه
بنشیند میان اذان مغرب و اقامتش باشد مثل
کسی که در خون خود غلطیده باشد در راه خدا و
از انجمله میان اذان مغرب و اقامتش گفته میشود
این دعاست اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاِقْبالِ لَیْلِکَ وَ
اِدْبارِ نَهارِکَ وَحُضُورِ صَلَواتِکَ وَاَصْواتِ
دُعاتِکَ وَتَسْبیحِ مَلائِکَتِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتُوبَ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوّابُ
الرَّحیمُ و امّا فصل بسکته و نشستن پس در
کتب فروع مذکور است و شیخ شهید
قدس سره در ذکری فرموده که حدیثی بر آن
نیافته و بگو بعد از اقامت انچه در نمازهای دیگر
گذشت بعد از ان افتتاح نماز کن بآدابی که پیش
گفته شد و در رکعت اول بعد از فاتحه سورهٔ
نصر یا تکاثر یا مثل اینها در کوتاهی بخوان و
در رکعت دوم سورهٔ توحید و بعد از سلام
تعقیب کن بسه تکبیر و تسبیح فاطمهٔ زهرا
علیها السلام بعد از ان سه بار بگو انچه در فقیه از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده

الحمد لله الذی یفعل ما یشآء ولا یفعل ما یشآء

غیره بعد از آن برخیز بنافلهٔ مغرب و اگر خواهی که

در تعقیب تطویل کنی پس افضل آنست که زیاده

بر آنچه مذکور شده بعد از نافله بجا آری اگر وقت

وسعت باشد و وارد شده از اصحاب عصمت سلام

الله علیهم ترغیب بنافلهٔ مغرب روایت از

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده

بحارث بن مغیره که بگزار چهار رکعت را بعد از مغرب

در سفر و حضر اگر چه طلب کنند ترا سواران و

مکروهست سخن کردن میان مغرب و نافله اش

و در روایت نخفاق از حضرت امام جعفر صادق

علیه دلالتی است برین و روایت کرده در فقیه

که حضرت

که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده

کسیکه بگزارد مغرب را و بعد از آن تعقیب بخواند

و سخن نکند تا آنکه دو رکعت نماز بگزارد آن

دو رکعت نوشته شود برای او در علیین پس

اگر بگزارد چهار رکعت نوشته میشود از برای او

حجی مبرور یعنی مقبول و مشهور نیست کراهت سخن

کردن میان چهار رکعت و دلالت میکند بر

کراهت آن روایت ابی الفوارس که گفت نهی کرد مرا

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از آنکه حرف

زنم میان چهار رکعتی که بعد از مغربست و استدلال

کرده علامه قدس سره در منتهی باین روایت بر کراهت

سخن گفتن میان مغرب و میان این چهار رکعت

و موافقت کرده شیخ شهید قدس سره در ذکری
بر این استدلال و مخفی نیست آنچه در آنست و اول
وقت این چهار رکعت فارغ شدن از مغرب و
آخرش بر مذهب مشهور بر طرف شدن شفق است
و مزاحمت نمیرساند بآن نماز عشا خواه شروع در
آنها کرده باشد و خواه نکرده و بعضی را مذهب
آنست و گفته شده که ممتد است وقتش تا آنکه باقی
ماند بعد از مغرب و پیش از نصف شب مقدار ادای
آن و میل کرده باین شیخ شهید قدس سره در ذکری
لیکن کلام علامه در منتهی دلالت میکند بر
آخر
اتفاق علمای ما بر آنکه وقتش غایب شدن شفق است
پس نباید عدول کردن از مشهور و اگر وقتش فوت

شود

شود باید قضا کرد مثل باقی سنتهای راتبه
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خدای
تبارک و تعالی مباهات میکند به بندهٔ که قضا
کند نماز شب را بروز میگوید ای فرشتهای من نظر
کنید به بندهٔ من قضا میکند چیزی را که من بر و
واجب نکرده ام گواه میگیرم شما را بدرستی که من
او را آمرزیدم و روایتست از حضرات ائمه معصومین
علیهم السلام در تفسیر آیه وَالَّذِینَ هُمْ عَلَیٰ صَلَوٰتِهِمْ
دَائِمُونَ یعنی مداومت میکنند بر نماز سنتی اگر
فوت شود و در شب قضا کنند بروز و اگر فوت
شود در روز قضا کنند بشب و باید که رکعت اول را ابتدا

کند بهفت تکبیر با سه دعا که گذشت وبخواند دران
بعد از الحمد قل هو الله احد سه بار و در رکعت
دوم انا انزلناه فی لیلة القدر واگر خواهد در
رکعت اول قل یا ایها الکافرون بخواند ودر دوم
قل هو الله احد واگر الحمد تنها بخواند کافیست
چنانکه در باقی سنتها و باید که قرآءت را دران
بلند بخواند ودر جمیع نافلهٔ شب و بعد از فراغ از
دو رکعت اول بگوید اللهم انک تری ولا تری و
انت بالمنظر الاعلی وان الیک الرجعی و
المنتهی وان لک الممات والمحیا وان لک
الاخرة والاولی اللهم انا نعوذ بک ان نذل
ونخزی ونأتی ما عنه تنهی اللهم انی اسئلک

ان

ان تصلی علی محمد وآل محمد واسئلک الجنة
برحمتک واستعیذ بک من النار بقدرتک واسئلک
من الحور العین بعزتک وان تجعل اوسع
رزقی فی کبر سنی واحسن عملی عند اقتراب
اجلی واطل فی طاعتک وما یقرب منک ویحظی
عندک ویزلف لدیک عمری واحسن فی جمیع
احوالی واموری ومعرفتی ولا تکلنی
الی احد من خلقک وتطول علی بقضاء جمیع
حوائجی للدنیا والاخرة وابدأ بوالدی وولدی
وجمیع اخوانی المؤمنین فی جمیع ما سألتک
لنفسی برحمتک یا ارحم الراحمین **فصل** وبعد
فراغ از متعلقات دو رکعت اول نافلهٔ مغرب شروع

کن در دو رکعت آخر و در رکعت اول آنها بخوان
بعد از الحمد اول سورهٔ حدید بسم الله الرحمن الرحیم
سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز
الحکیم له ملک السموات والارض یحیی و
یمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول والآخر
والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم وهو الذی
خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی
علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها
وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو معکم
اینما کنتم والله بما تعملون بصیر له ملک
السموات والارض والی الله ترجع الامور یولج
اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل وهو

علیم بذات الصدور و بخوان در رکعت دوم آخر
سورهٔ حشر لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته
خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال
نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله
الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة
هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو
الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز
الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی
یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز
الحکیم و در سجدهٔ آخر رکعت دوم هفت بار
بگو اللهم انی اسئلک بوجهک الکریم واسمک

العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد و
آل محمد وان تغفر لي ذنبي العظيم انه لا يغفر
العظيم الا العظيم پس چون فارغ شوی از ین چهار
رکعت باقی تعقیب شام را تمام کن و بخوان بعضی
از آنچه در تعقیب صبح مذکور شد از آنچه در صباح
و شام خوانده میشود **فصل** و اگر وقت وسعت
داشته باشد بخوان عقیب نافله مغرب این دعا را

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد البشير النذير
السراج المنير الطهر الطاهر خاتم انبيائك وسيد
اصفيائك وخالص خلائك ذي المقام المحمود
والمنهل المشهود والحوض المورود اللهم صل على

محمد كما بلغ رسالتك وجاهد في سبيلك
ونصح لامته حتى اتاه اليقين وصل على
آله الطاهرين الاخيار الاتقياء الابرار الذين
انتجبتهم لنفسك واصطفيتهم من خلقك و
امنتهم على وحيك وجعلتهم خزان علمك و
تراجمة وحيك واعلام نورك وحفظة
سرك واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم
تطهيرا اللهم انفعنا بحبهم واحشرنا في زمرتهم
وتحت لوائهم ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني
بهم عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن
المقربين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون
الحمد لله الذي اذهب النهار بقدرته وجاء بالليل

برحمته خلقاً جديداً وجعله لباساً وسكناً
وجعل الليل والنهار آيتين لنعلم بهما عدد
السنين والحساب الحمد لله على اقبال الليل و
ادبار النهار اللهم صل على محمد وآل محمد
واصلح لي ديني الذي هو عصمة امري واصلح
لي آخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة
لي من كل خير واجعل الموت راحة لي من كل
سوء واكفني امر دنياي وآخرتي بما كفيت به
اوليائك وحزبك من عبادك الصالحين
واصرف عني شرهما ووفقني لما يرضيك عني
يا كريم امسينا والملك لله الواحد القهار
وما في الليل والنهار اللهم اني وهذا الليل والنهار

خلقان

خلقان من خلقك فاعصمني فيهما بقوتك
ولا ترهما اجراة مني على معاصيك ولا
ركوباً لمحارمك واجعل عملي فيهما مقبولاً وسعي
مشكوراً وسهل لي ما اخاف عسره واقض
لي فيه بالحسنى وآمني مكرك ولا تهتك
عني سترك ولا تنسني ذكرك ولا تحل
بيني وبين حولك وقوتك ولا تلجئني الى
نفسي طرفة عين ابداً ولا الى احد من خلقك
يا كريم اللهم صل على محمد وآل محمد
وافتح قلبي لذكرك حتى اعي وحيك واتبع
امرك واجتنب نهيك اللهم صل على محمد
وآله ولا تصرف عني وجهك ولا تمنعني فضلك

ولا تحرمني عفوك واجعلني اوالي اوليائك و
اعادي اعدائك وارزقني الرهبة منك والرغبة
اليك والتسليم لامرك والتصديق بكتابك
واتباع سنة نبيك صلى الله عليه وآله اللهم
اني اعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع
وعين لا تدمع وقلب لا يخشع وصلوة لا ترفع
وعمل لا ينفع ودعاء لا يسمع واعوذ بك
من سوء القضاء ودرك الشقاء وشماتة الاعداء
وجهد البلاء وعمل لا يرضى واعوذ بك من
الفقر والكفر والغدر وضيق الصدر و
سوء الامر ومن بلاء ليس لي به صبر ومن
الداء العضال وغلبة الرجال وخيبة المنقلب

وسوء المنظر في النفس والاهل والمال والدين
والولد وعند معاينة ملك الموت واعوذ
بالله من انسان سوء وجار سوء وقرين سوء
وساعة سوء ومن شر ما يلج في الارض وما
يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
ومن شر طوارق الليل والنهار الا طارقا يطرق
بخير ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان
ربي على صراط مستقيم فسيكفيكهم الله وهو
السميع العليم الحمد لله الذي قضى عني صلوة
كانت على المؤمنين كتابا موقوتا وبعد از آن
بگو اللهم اني اسئلك بحق محمد وآل محمد
وان تجعل النور في بصري والبصيرة في

دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی
والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر
لک ابدا ما ابقیتنی بعد از ان دو سجده شکر کن
وبگو در انها و بعد از انها انچه گذشت واقل
انچه کافیست آنست که در هریک سه بار بگوئی
شکرا و در بعضی روایات سجدهای شکر
بعد از نافله مغربست و در بعضی پیش از اینها
وبعد از اینها دو رکعت ساعت غفلت بجا آر
و در رکعت اول بعد از الحمد بخوان وذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه
فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه

من الغم وکذلک ننجی المؤمنین ودر رکعت
دویم وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا
هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من
ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض
ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین
وبعد از ان در قنوت بخوان اللهم انی اسئلک
بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی
محمد وال محمد وان تفعل بی کذا وکذا
وبعد از ان بگو اللهم انت ولی نعمتی والقادر
علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق محمد
واله علیه وعلیهم السلام لما قضیتها لی وحاجت
خود طلب کن که روایت کرده هشام بن سالم از

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر که
این دو رکعت را بگزارد میان شام و خفتن و دعا
کند باین دعا و بطلبد از خدای تعالی حاجتش را عطا
کند خدای تعالی باو آنچه سؤال کند بدانکه مشهورست
نامیدن این دو رکعت بدو رکعت غفیله و دو رکعت
غفلت و دو رکعت ساعت غفلت و وجهش آنست که
ساعتی که این دو رکعت در آن بجا می آیند که میان شام
و خفتن است آنرا ساعت غفلت می نامند روایت
کرده در فقیه که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرموده که ابلیس متفرق میسازد لشکر شبش را
از وقت غایب شدن آفتاب تا غایب شدن شفق
و متفرق میسازد لشکر روزرا از وقت طلوع فجر

تا طلوع آفتاب و فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله میفرموده که بسیار کنید ذکر خدای تعالی را
درین دو ساعت و پناه برید بخدای تعالی از
شر ابلیس و لشکرهاش و پناه بخدای دهید
کوچکان خود را درین دو ساعت بدرستی که این
دو ساعت ساعتهای غفلتند و روایت کرده
شیخ طوسی در تهذیب از امام جعفر صادق علیه
السلام که فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرموده که بجا آرید نافله در ساعت غفلت اگرچه دو
رکعت خفیف باشد که آنها باعث دار کرامتند که
بهشت باشد گفته شد یا رسول الله و چه چیز است
ساعت غفلت فرمود که میان مغرب و عشا و مخفی

نماند که اینجا مراد میان وقت مغربیت و وقت
عشا که میان غروب آفتاب و برطرف شدن
شفق است چنانکه مرشد است بآن حدیث کذشته نماز
بین الصلوتین و در احادیث صحیحه مذکور است
که اول وقت خفتن غایب شدن شفق است چنانکه
خواهد آمد و از ین مفهوم میشود که وقت ادای نماز
غفلت میان غروب و ذهاب شفق است پس چون این
وقت بیرون رود قضا می شود سنت است در وقت
غفلت دو رکعت دیکر نماز غفلت بطریقی دیکر
در اول بعد از الحمد سیزده بار سورهٔ زلزال و در
دویم بعد از الحمد پانزده بار قل هو الله احد روایت
کرده شیخ طوسی قدس سره از امام جعفر صادق علیه السلم

رکعتین

که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده کیکه
بکذارد این نماز را در هر شب مزاحمت کند با من
در بهشت و نداند ثواب آنرا مکر خدای تعالی

فصل و اول وقت نماز خفتن فارغ شدن است
از نماز شام بر مذهب مشهور و می کشد
وقت فضیلتش تا ثلث شب و وقت اداش
تا چهار رکعت مانده بنصف شب **و باید که** بعد
از فراغ از دو رکعت نفیله انکه تفحص شفق
مغربی نمائی پس اکر شفق باقی باشد شروع در نماز
خفتن مکن تا انکه شفق زایل شود زیرا که
مذهب شیخ مفید و شیخ طوسی قدس سرهما
آنست که داخل نمیشود وقت عشا مکر بعد از غایب

شدن شفق و روایت کرده در فقیه بسند صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
اول وقت نماز خفتن بر طرف شدن سرخیست و
این محمول است بر آنکه سنت است تأخیر نماز مغرب
تا بر طرف شدن شفق پس چون شفق زایل شود
باید که مبادرت کنی باذان و اقامت با دعاهایی
که پیش از اقامت است و بعد از آن شروع کن در
نماز خفتن با آدابی که پیش کذشت و بخوان در
رکعت اول سورهٔ اعلی یا سورهٔ الشمس یا آنچه
مثل اینها باشد در درازی چنانکه روایت کرده
در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوم سورهٔ
قل هو الله احد مثل باقی نمازها بعد از آن تکبیر

بکو و در قنوت بخوان آنچه کذشت در باب
اول و آنچه می آید در باب ششم و طول ده قنوت را
و تعقیب از برای آنکه وقت وسیع است پس بخوان
هر تعقیبی که مشترکست میان پنج نماز و آنچه
مشترکست میان صباح و شام و بعد از آن آنچه

التعقیب المختص بالعشاء

مخصوص است بعشا پس بکو اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْمِنَّا
مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ
عَنَّا سِتْرَكَ وَلَا تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ وَلَا تُحِلَّ
عَلَيْنَا غَضَبَكَ وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ وَلَا
تَنْقُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ عَنَّا بَرَكَاتِكَ
وَلَا تَمْنَعْنَا عَافِيَتَكَ وَأَصْلِحْ لَنَا مَا أَعْطَيْتَنَا وَزِدْنَا

مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ
وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنَا مِنْ
رَوْحِكَ وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ وَلَا تُضِلَّنَا
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ **بعد از آن** بخوان هر یك از فاتحه
و توحید و معوذتین را ده بار و بعد از آن ده بار
بگو سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ
اللّٰهُ أَكْبَرُ **و ده بار بگو** اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ **پس بگو** اللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ
وَأَسْبِغْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَمَتِّعْنِي
بِالْعَافِيَةِ مَا أَبْقَيْتَنِي فِي سَمْعِي وَبَصَرِي وَجَمِيعِ
جَوَارِحِي اللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا

أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
پس بگو و این از دعاهای طلب رزق است
اللّٰهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي وَإِنَّمَا
أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلَى قَلْبِي فَأَجُولُ فِي
طَلَبِهِ الْبُلْدَانَ فَأَنَا فِيمَا أَطْلُبُ كَالْحَيْرَانِ لَا أَدْرِي
أَفِي سَهْلٍ هُوَ أَمْ فِي أَرْضٍ حَزْنٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ أَمْ
بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ وَعَلَى يَدَيْ مَنْ وَمِنْ قِبَلِ مَنْ وَ
قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ وَأَسْبَابَهُ بِيَدِكَ وَ
أَنْتَ الَّذِي تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ وَتُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ
اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ
يَا رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعًا وَمَطْلَبَهُ سَهْلًا وَ
مَأْخَذَهُ قَرِيبًا وَلَا تُعَنِّنِي بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي

فيه رزقاً فانك غني عن عذابي وانا فقير
الى رحمتك فصل على محمد وآل محمد وجد
على عبدك بفضلك انك ذو فضل عظيم
پس بگو بسم الله الرحمن الرحيم
صل على محمد وآل محمد صلوة تبلغنا بها
رضوانك والجنة وتنجينا بها من سخطك و
النار اللهم صل على محمد وآل محمد وارني
الحق حقاً حتى اتبعه وارني الباطل باطلاً
حتى اجتنبه ولا تجعله على متشابهاً فاتبع
هواي بغير هدى منك واجعل هواي تبعاً
لرضاك وطاعتك وخذ لنفسك رضا من نفسي
واهدني لما اختلف فيه من الحق باذنك

انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم اللهم
صل على محمد وآله واهدني فيمن هديت و
عافني فيمن عافيت وتولني فيمن توليت و
بارك لي فيما اعطيت وقني شر ما قضيت
انك تقضي ولا يقضى عليك وتجير ولا يجار
عليك تم نورك اللهم فهديت فلك الحمد و
عظم حلمك فعفوت فلك الحمد وبسطت
يدك فاعطيت فلك الحمد تطاع ربنا فتشكر
وتعصى ربنا فتغفر وتستر انت كما اثنيت
على نفسك بالكرم والجود دليلك وسعديك
تباركت وتعاليت لا ملجأ ولا منجا منك
الا اليك لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك

عملت سوءً وظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني
وانت ارحم الراحمين لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين لا اله الا انت
سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءً و
ظلمت نفسي فاغفر لي يا خير الغافرين لا اله الا
انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءً
وظلمت نفسي فتب علي انك انت التواب الرحيم
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام
على المرسلين والحمد لله رب العالمين اللهم
صل على محمد وال محمد وثبتني منك في عافية
وصبحني منك في عافية واسترني منك في عافية

وارزقني

وارزقني منك تمام العافية ودوام العافية
والشكر على العافية اللهم اني استودعك
نفسي وديني واهلي ومالي وولدي واهل
خزانتي وكل نعمة انعمت بها علي وتنعم فضل
على محمد وال محمد واجعلني في كنفك
وامنك وكلائتك وحفظك وحياطتك و
كفايتك وسترك وذمتك وجوارك و
ودائعك يا من لا يضيع ودائعه ولا يخيب
سائله ولا ينفد ما عنده اني ادرء بك في نحور
اعدائي فكد من كادني وبغى علي اللهم من
ارادنا فارده ومن كادنا فكده ومن نصب
لنا عداوة فخذه يا رب اخذ عزيز مقتدر اللهم

صل على محمد وآل محمد واصرف عني البليات و
الآفات والعاهات والنقم ولزوم السقم و
زوال النعم وعواقب التلف وما طغى به الماء
لغضبك وما عتت به الريح عن امرك وما
اعلم وما لا اعلم وما اخاف وما لا اخاف وما
احذر وما لا احذر وما انت اعلم به اللهم
صل على محمد وآل محمد وفرج همي ونفس
غمي وسل حزني واكفني ما ضاق به صدري
وعيل به صبري وقلت فيه حيلتي وضعفت عنه
قوتي وعجزت عنه طاقتي وردتني فيه الضرورة
عند انقطاع الآمال وخيبة الرجاء من المخلوقين
اليك فصل على محمد وآل محمد واكفنيه يا كافيا

من كل شيء ولا يكفي منه شيء اكفني كل
شيء حتى لا يبقى شيء يا كريم اللهم صل على
محمد وآل محمد وارزقني حج بيتك الحرام و
زيارة نبيك صلى الله عليه وآله مع التوبة
والندم اللهم اني استودعك نفسي واهلي
ومالي وولدي واخواني واستكفيك ما
اهمني وما لم يهمني واسئلك بخيرتك من
خلقك الذي لا يمن به سواك يا كريم الحمد
لله الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين
كتابا موقوتا بعد ازان دو سجده شكر كن وبگو
در سجده اول اللهم انت انت انقطع الرجاء الا
منك يا احد من لا احد له يا احد من لا احد له

يا احد من لا احد له

غیرک یا من لا تزیده کثرة العطاء الا کرما

وجودا یا من لا تزیده کثرة العطاء الا

کرما وجودا یا من لا تزیده کثرة العطاء

الا کرما وجودا صل علی محمد واهل بیته

وافعل بی کذا وکذا پس روی راست بر زمین

بگذار وهمین دعا بخوان پس روی چپ بر زمین

بگذار وهمین دعا بخوان وبعد از ان پیشانی را بر

زمین بگذار وهمین دعا بخوان وپس بگو واین

ان دعاهائیست که برای دفع سختیهاست یا سابغ

النعم یا دافع النقم یا باری النسم یا مجلی الهمم

یا مغشی الظلم یا کاشف الضر والالم یا ذا الجود

والکرم یا سامع کل صوت یا مدرک کل

فوت یا محیی العظام وهی رمیم ومنشئها بعد

الموت صل علی محمد وآل محمد واجعل لی

من امری فرجا ومخرجا یا ذا الجلال والاکرام

پس دو رکعت وتیره بجا آر نشسته وجائز است

ایستاده ومشهور اقوال وبعضی از علمای ما ذکر

کرده اند که نشستن درین دو رکعت افضلست از

ایستادن ودر تهذیب روایت کرده بسند صحیح که حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که دو رکعت

بعد از عشا پدرم میگذارد آنها را نشسته ومن

میگذارم ایستاده وعمل ما بر مشهور است ومیکشد

وقت این تا انکه وقت عشا باشد پس بعد از نصف

شب قضاست وسنت است که در اول این دو رکعت

هفت تکبیر بگوئی با سه دعای مذکور و بخوانی
در رکعت اول سورهٔ ملک یا واقعه و در دویم
سورهٔ توحید و بعد از فراغ بخوان هرچه خواهی

باب پنجم در بیان انچه میان وقت خواب تا نصف
شب بجا باید آورد چون خواهی بخوابی اول طهارت
کن **روایت کرده** در فقیه که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود کسیکه طهارت سازد و بخوابد
در فراش خود فراشش چون مسجدش باشد علمای ما
قدس سرهم ذکر کرده اند که با قدرت بر آب
تیمم جائز است برای خوابیدن همچو تیمم برای نماز
جنازه **و سنت است** در وقت خواب خواندن سورهٔ
توحید و جحد چنانکه روایت کرده رئیس المحدثین

در فقیه بسند صحیح و روایت کرده کلینی در کافی
بسند صحیح از ابی اسامه گفت شنیدم که حضرت
جعفر صادق علیه السلام میگفت کسیکه بخواند
قل هو الله احد را صد بار در محلی که بخوابگاه
رود آمرزیده شود گناه پنجاه ساله گذشته‌اش

و هم روایت کرده در کافی از انحضرت که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود کسیکه بخواند
الهیکم التکاثر را نزد خوابیدن نگاه داشته
شود از فتنه قبر و باید که چون پهلو بزمین نهی
بخوانی این دعا را که روایت کرده در فقیه بسند
صحیح از محمد بن مسلم که گفت گفت حضرت امام
محمد باقر علیه السلام که هرگاه مرد جانب راست

بر زمین گذارد پس باید که بگوید بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ

اِنّی اَسْلَمْتُ نَفْسی اِلَیْکَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهی اِلَیْکَ

وَ فَوَّضْتُ اَمْری اِلَیْکَ وَ اَلْجَأْتُ ظَهْری اِلَیْکَ

تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَةً مِنْکَ وَ رَغْبَةً اِلَیْکَ لا مَنْجا

وَ لا مَلْجَأَ مِنْکَ اِلّا اِلَیْکَ آمَنْتُ بِکِتابِکَ

الَّذی اَنْزَلْتَ وَ بِرَسُولِکَ الَّذی اَرْسَلْتَ پس تسبیح

کن بتسبیح فاطمه زهرا علیها السلام اینست آخر

حدیث **بدانکه** سنت است تسبیح فاطمه زهرا

علیها السلام در دو جا بعد از نماز و وقت خواب

و ظاهر روایتی که دال است بر دوم تقاضا میکند

تقدیم سُبْحانَ اللّٰهِ بر اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و ظاهر روایة صحیحه

که مطلق است تقاضا میکند تأخیرش را از الحمد لله

دیگر

و باکی نیست بر بسط کلام در این مقام اگر چه خارج

از حد کتاب اختلاف کرده اند علمای ما در این باب

اتفاق در ابتدا بتکبیر زیرا که صحیحه محمد بن

سنان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

صریحست در ابتدا بتکبیر و مشهور معمول در

تعقیبها تقدیم تحمیدات بر تسبیح و رئیس المحدثین

و پدرش و ابن جنید قائلند بتأخیرش از تسبیح

و روایات از ائمه هدی علیهم السلام خالی از اختلاف

نیست **و روایات** معتبره که ظاهرش تقدیم تحمید است

اطلاقش شامل است آنچه بعد از نماز باشد و آنچه

وقت خواب و آن اینست که روایت کرده شیخ طوسی

قدس سره در کتاب تهذیب بسند صحیح از محمد بن

عذافر گفت داخل شدم با پدرم بر حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام پس سؤال کرد پدرم از
آنحضرت فرمود الله اکبر تا شمرد سی و چهار بار پس
گفت الحمد لله تا رسید بشصت و هفت بار پس گفت
سبحان الله تا رسید بصد می شمرد آنحضرت
آنها را بدستش همه را یکجمله و در روایتی که ظاهرش
تقدیم تسبیحات بر تحمید مخصوص است بانچه در وقت
خوابست و آن اینست که روایت کرده رئیس المحدثین
در فقیه که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت
بمردی از بنی سعد آیا حدیث کنم بشما از من و از
فاطمه که نزد من بود فاطمه پس چندان آب کشید
بمشک که اثر کرد در سینه اش یعنی نشان آن در

پس

سینه ایشان ماند و چندان آرد کرد بدست آس
تا آنکه آبله کرد دستهاش و چندان خانه جاروب
کرد که رختهاش غبار آلود شد و چندان آتش
کرد در زیر دیگ که چرکین و سیاه شد رختهاش
پس رسید باو ازین ضرری سخت پس گفتم من
باو که اگر بروی پیش پدرت و سؤال کنی از او
خدمتکاری که کفایت کند ترا سختی و شدت آنچه
[ازین کار]
تو در آنی پس آنحضرت آمد پیش پیغمبر صلی الله علیه
و آله پس یافت پیش آنحضرت جوانان را پس حیا کرد و
برگشت پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دانست
که حضرت فاطمه علیها السلام برای حاجتی آمده
پس صباح پیش ما آمد و ما در لحاف بودیم پس گفت

السلام علیکم پس ما ساکت شدیم و شرم کردیم
چون در لحاف بودیم پس دیگر گفت السلام علیکم
پس ما ساکت شدیم و شرم کردیم در جای خود
پس گفت السلام علیکم پس ترسیدیم اگر رد
سلام نکنیم برگردد و عادت آنحضرت آن بود که
سه بار سلام میکرد اگر اذن میدادند می آمد و
الا بر میگشت پس گفتم علیک السلام یا رسول الله
داخل شو پس آنحضرت داخل شد و نشست پیش
سر ما و گفت ای فاطمه چه بود حاجت تو نزد محمد
دیروز پس ترسیدم که اگر جواب نگویم برخیزد پس
بیرون آوردم سر مرا و گفتم والله من خبر
دهم ترا یا رسول الله بدرستی که فاطمه آب کشید بخیک

تا نشان

تا نشان آن در سینه اش مانده و دست آس کرد
تا دستهاش آبله کرد و خانه جاروب کرده تا آنکه
رختهاش غبار آلود و خاک آلود شده و دیگ زیر
آتش کرده چندانکه رختهاش چرکین و سیاه شده
پس من گفتم باو که اگر بیائی پیش پدرت پس سؤال
کنی از خادمی که کفایت کند ترا سختی آنچه تو در اوئی
ازین کار پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود آیا پس تعلیم نکنم شما را چیزیکه بهترست از
برای شما از خادم هر گاه بجوابگاه خود شدید تکبیر
بگوئید سی و چهار تکبیر و تسبیح کنید سی و سه
و تحمید کنید سی و سه پس بیرون آورد فاطمه
علیها السلام سرش را و گفت راضی شدم از خدا و

رسولش و مخفی نماند که این روایت غیر صریحست
در تقدیم تسبیح بر تحمید زیرا که واو افادهٔ ترتیب
نمیکند و از برای مطلق جمع است بر اصح چنانکه
در اصول مبین است بلی ظاهر تقدیم لفظی تقاضای
این میکند و همچنین روایت گذشته هم صریح نیست
در تقدیم تحمید بر تسبیح زیرا که لفظ ثم در آنجا
از کلام راویست پس باقی نماند مکر ظاهر
تقدیم لفظی پس تنافی میان این دو روایت بحسب
ظاهرست پس حمل باید کرد دویم را بر اول بجهت
صحیح بودن سند اول و قوت یافتن آن ببعضی
روایات ضعیفه چنانکه روایت کرده ابو بصیر
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام کفت

در

در بیان تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام ابتدا میکنی
بتکبیر سی و چهار بعد از آن بتحمید سی و سه
بعد از آن بتسبیح سی و سه و این روایت صریح است
در تقدیم الحمد لله پس این مؤید ظاهر لفظ روایت
صحیح است پس حمل باید کرد روایت دیکر بر خلاف
ظاهر لفظش تا منافات میان دو روایت بر طرف شود
اکر کسی کوید که ممکن است عمل بظاهر هر دو روایت
بانکه حمل کنیم روایت اول را بر آنچه بعد از نماز است
و دوم را بر آنچه وقت خواب پس احتیاج نیست
بکردانیدن روایت دوم از ظاهرش پس وجه
عدول ازین چیست کوئیم برای آنکه قایل بفرق میان
این دو حال نیافتیم بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از

تتبع تام آنست که هر یك از فریقین که قایلند بتقدیم
تحمید و تأخیرش قایلند بآن مطلقا خواه بعد از
نماز باشد و خواه وقت خواب پس قایل شدن بتفصیل
مذکور احداث قول ثالث است در مقابل اجماع مرکب
امّا الجواب گفته میشود که احداث قول ثالث وقتی
ممتنع است که لازم آید از آن برطرف شدن آنچه امت
بر آن اجماع کرده اند چنانکه مذکور است در کنیز
باکره که مشتری وطی کرده باشد و خواهد که آنرا
بسبب عیب پس دهد و ارش بکارت ندهد زیرا که
علما اتفاق کرده اند بر آنکه رد کنیز مذکور بی ارش
بکارت جائز نیست بخلاف آنچه باعث رفع ما اجمع
علیه الامه نباشد مثل قائل شدن بفسخ نکاح

بسبب بعضی از عیبهای پنجگانه دون بعضی دیگر
زیرا که هر یك از فریقین موافقند در یکقسم چنانکه
در نجاست مانعی از آن نیست مثل قول بصحت بیع
غائب و عدم قتل مسلم بذمی بعد از آن که یکی از دو
فریق قائلند بقول ثانی و نقیض اول و جمع دیگر
بعکسش پس جوابش آنست که این تفصیل راست
بر مذهب سنیان امّا بر مذهب ما که قائلیم بآنکه
حجت بودن اجماع بسبب آنست که کاشف است
از داخل بودن معصوم پس درست نیست زیرا که
مخالفت درینصورت مذکور حاصل است اگرچه
موافق باشد قایل با هر یك از فریقین در قسمی و
همچنین در بیع و قتل **فصل** و باید که خوابیدن تو

برجانب راست باشد زیرا که این خواب مؤمنین است
چنانکه روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح از
احمد بن اسحق گفت که گفتم بابی محمد یعنی حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام فدای تو کردم غمناکم بسبب
چیزی که بمن میرسد و بتحقیق که اراده کردم که سؤال
کنم از پدر تو علیه السلام ازان پس میسر نشد مرا
آن پس آنحضرت فرمود که چه چیز است ای احمد پس من
گفتم روایت کرده شده ما را از پدران تو علیهم السلام
بدرستیکه خوابیدن پیغمبران بر قفاست و خواب
مؤمنین برجانب راست شان و خواب منافقین
برجانب چپ و خواب شیاطین بر روهای شان
پس آنحضرت فرمود بلی اینچنین است پس گفتم یا سیدی

بدرستی که من جهد میکنم که برجانب راست
بخوابم پس مرا ممکن نمیشود و خوابم نمی آید بر
جانب راست پس ساکت شد ساعتی و گفت ای احمد
نزدیک شو بمن پس نزدیک شدم پس گفت دست را
داخل ساز در زیر رختهایم پس داخل ساختم پس
آنحضرت بیرون آورد دستش را از زیر رختهاش
پس کشید دست راستش را بر جانب چپ من و
دست چپش را بر جانب راست من سه بار پس احمد
گفت دیگر نتوانستم که بخوابم بر جانب چپ از آن
زمان که حضرت چنان کرد بمن و هرگز خواب
نمی آید مرا بر جانب چپ و از دعاهائی که نزد پهلو
بر زمین نهادن باید خواند اینست که روایت کرده

کلینی در کافی بطریق صحیح که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود کسیکه سه بار بگوید
وقت خوابیدنش الحمد لله الذی علا فقهر والحمد
لله الذی بطن فخبر والحمد لله الذی ملک فقدر
والحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و
هو علی کل شیء قدیر بیرون رود از گناهان
چون روزی که مادرش او را زائیده باشد و روایت
کرده در کتاب مذکور که پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرموده کسی که بخواند این آیه را وقت خوابیدنش
قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم
اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا
صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا

درخشنده و هویدا شود برای او نوری تا مسجد الحرام
در میان آن نور فرشتها باشند که استغفار کنند
برای او و هم در کتاب مذکوراست که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود هیچ بنده نیست که
بخواند آخر الکهف را در وقتی که بخوابد مگر آنکه بیدار
شود در ساعتی که خواهد مصنف کتاب ادام
الله ظله میفرماید که این از اسرار عجیبست و
مجربست که شکی در آن نیست و مراد باخر الکهف
همین آیتست که پیش ازین مذکور شد و اگر از عقرب
و امثال او ترسی پس بگو آنچه در کتاب مذکور
روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود کسی که
بخواند این کلمات را پس من ضامنم که نرسد باو عقربی

دعاء لدفع العقرب

و نه گزنده تا صباح کند أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ
الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ
وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ
بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ و روایت
کرده در کتاب مذکور برای دفع احتلام که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده

لدفع الاحتلام

هرگاه از جنابت ترسی بگو در فراشت اللَّهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَمِنْ شَرِّ الْأَحْلَامِ
وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ
وهم روایت کرده در کتاب مذکور برای ایمن بودن
از فرود آمدن خانه که حضرت امام رضا علیه السلام

لدفع سقوط البيت

فرموده نگوید هیچکس هرگاه خواهد که بخوابد

إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ
لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ
إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا این خانه بر سرش فرود آید
یعنی چون این را کسی بگوید خانه بر سر او فرود
نیاید وهم در کتاب مذکور روایت کرده که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه در آمدی بفراش
خود گفتی بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَبِاسْمِكَ أَمُوتُ
و چون بیدار شدی گفتی الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي
بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ وهم در آن روایت
کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده هرگاه بشنوی آواز خروس پس بگو سُبُّوحٌ
قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ

غضبك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك

عملت سوءً وظلمت نفسي فاغفر لي انه لا يغفر

الذنوب الا انت وباید که وقت خوابیدن سرمه

بکشد روایت شده که حضرت [illegible] علیه

وآله میکشید اثمد که سرمه سنگ سیاه است

در چشم هرگاه اراده میکرد که در فراش خواب

رود روایت که حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام فرموده کسیکه برسد او را ضعفی در

چشمش پس باید که بکشد در چشم هفت میل در

محل خواب از سرمه سنگ سیاه چهار در چشم راست

وسه در چشم چپ وهم از انحضرت است که سرمه

کشیدن در وقت خواب امانست از آبی که در چشم

نازل

آداب سرمه کشیدن

نازل شود و در روایتست که نزد سرمه کشیدن

این دعا بخواند اللهم انی اسئلك بحق محمد

وال محمد ان تصلی علی محمد وال محمد ان تجعل

النور فی بصری والبصيرة فی دینی والیقین

فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة

فی نفسی والسعة فی رزقی والشكر لك

ابدا ما ابقیتنی وروایت کرده کلینی در کافی

بسند حسن که حضرت امام جعفر صادق علیه

السلام فرمود هرگاه ببیند شخصی در خواب چیزی را

که کاره آن باشد پس باید که بگردد از انجانبی که بران

از برای دفع خواب بد

خوابیده بود و باید که بگوید انما النجوی من الشیطان

لیحزن الذین امنوا ولیس بضارهم شیئا الا باذن

اللهِ پس بگوید عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللهِ
الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ
مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

باب ششم در بیان ایچه از نصف شب

تا طلوع فجر صادق بجا باید آورد و دران مقدمة[ایست]
وچند فصل است **مقدمه** بدانکه احادیث بسیار از
اصحاب عصمت سلام الله علیهم وارد شده
در ترغیب برخاستن شب و بیان فضیلت آن
روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که
شرف مرد برخاستن اوست در شب و عزت او
استغنای اوست از مردم **وهم دران کتاب**
روایت کرده بسند حسن از عبد الله سنان گفت
شنیدم انحضرت امام جعفر صادق علیه
السلام که میگفت سه چیزست که انها فخر مؤمن
وزینتش در دنیا و آخرت تمانند در آخر شب و مأیوس
بودنش از انچه در دست مردم است ودوست
داشتن او امامی را از آل محمد صلی الله علیه وآله
وهم در کافی روایت کرده از انحضرت بسند
حسن در تفسیر قول خدای تعالی كَانُوا قَلِيلًا
مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ فرموده که انجماعت را کم
شبی فوت می شد که برنمیخاستند دران **وهم**
در کافی روایت است که شخصی آمد نزد حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام پس گفت من محروم

شده ام از نماز شب پس آنحضرت فرموده که تو مردی که
کناهان تو ترا مقید ساخته و روایت
کرده شیخ طوسی در تهذیب بسند صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام در بیان آیة
إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً
کفت مراد برخاستن اوست از فراش که اراده
نکند بآن مکر خدای تعالی را و هم در
تهذیب روایت کرده بسند صحیح از آنحضرت علیه
السلام که فرموده هیچ بنده نیست مکر که بیدار
کرده می شود در هر شبی یکبار یا دوبار
پس اکر برخاست همانست والا شیطان
پاهاش را از هم دور میکند پس بول میکند در

کوشش آیا نمی بیند یکی از شما که چون برخاست
و بآن بیداری برنخاسته برمیخیزد ثقیل و کاهل
شده و هم در تهذیب روایت کرده بسند صحیح
از عمران بن یزید که او شنیده از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام که میفرموده در شب
ساعتی است که موافق نکردد آن ساعت را بندهٔ
مسلم که نماز کزارد و دعا و طلب کند از
خدای تعالی در آن ساعت مکر که خدای تعالی
مستجاب کند برای او در هر شب کفتم أَصْلَحَكَ اللهُ
پس چه ساعتیست از شب کفت هرکاه بکذرد نصف
شب تا ثلث باقی و روایت کرده رئیس المحدثین
در فقیه بسند صحیح از عبدالله بن سنان

که او سؤال کرده از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام از قول خدای تعالی سیماهم فی
وجوههم من اثر السجود آنحضرت فرمود مراد
بیداریست در شب در نماز و در روایات از اصحاب
عصمت سلام الله علیهم در ترغیب و ثواب
نماز شب بسیار است **فصل** چون بیدار شوی از
خواب اول انچه بجا باید آورد سجده است برای
خدای تعالی روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله چون از خواب بیدار شدی سجده کردی و
چون سجده کنی با سر از سجده برداری بگو الحمد
لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور
الحمد لله الذی ردّ علیّ روحی لاحمده و اعبده

آداب برخاستن در شب

و روایت کرده کلینی در کافی بسند حسن که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرموده هرگاه شب
برخیزی پس نظر کن باطراف آسمان و بگو اللهمّ
انّه لا یواری عنک لیل ساج و لا سماء ذات
ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا ظلمات بعضها
فوق بعض و لا بحر لجّی تدلج بین یدی المدلج
من خلقک تعلم خائنة الاعین و ما تخفی
الصدور غارت النجوم و نامت العیون و انت
الحیّ القیّوم لا تأخذک سنة و لا نوم سبحان الله
ربّ العالمین و اله المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین
پس این پنج آیه را بخوان پنج آیة از آخر آل عمران انّ فی
خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار

لِآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ
اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ
فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا
بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ إِنَّكَ مَنْ
تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ
أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ
كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا
وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ **فصل** وقت نماز شب بعد از
نصف شب است و آن را هم زوال میگویند روایت
کرده رئیس المحدثین در فقیه که عمر بن حنظله سؤال

کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و گفت
که زوال روز را بروز میدانیم پس چون بدانیم زوال
شب پس آنحضرت فرمود که شب را زوالیست همچو
زوال آفتاب پس گفت بچه چیز آنرا بدانیم حضرت
فرمود که ستارها چون منحدر شوند یعنی شروع
کنند در پائین آمدن از نصف النهار و ظاهر
آنست که مراد ستارهائی باشد که در اول شب
طلوع کرده باشد **و بدانکه** در احادیث گاهی مراد بنماز
شب هشت رکعتست و گاهی مراد یازده رکعت که
دو رکعت شفع و یک رکعت وتر هم داخل باشد و گاهی
سیزده رکعت که دو رکعت نافله فجر هم داخل باشد
و نماز شب از سنتهای مؤکده است و مبالغه در آن

بیاد است روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب
بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که در وصیت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله بحضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام انکه
یا علی وصیت میکنم ترا بخصلتی چند در نفس
خودت پس حفظ کن انها را پس گفت بار خدایا یاریش
کن و ذکر کرد خصلتی چند تا انکه فرمود

وَعَلَيْكَ بِصَلٰوةِ اللَّيْلِ وَعَلَيْكَ بِصَلٰوةِ اللَّيْلِ
وَعَلَيْكَ بِصَلٰوةِ اللَّيْلِ وَعَلَيْكَ بِصَلٰوةِ الزَّوَالِ
وَعَلَيْكَ بِصَلٰوةِ الزَّوَالِ وَعَلَيْكَ بِصَلٰوةِ الزَّوَالِ

یعنی بر تو باد قیام نماز شب و زوال و ظاهر آنست
که مراد حضرت نماز شب سیزده رکعت باشد و

نماز زوال هشت رکعتی که نافله زوالست چنانکه
بعضی علمای ما فرموده اند پس چون متوجه شوی
بعبادت و ترا حاجتی باشد به بیت الخلا ابتدا
بآن کن آداب خلوت پس هرگاه اراده دخول به
بیت الخلا کنی پس اگر در دست تو انگشتری باشد
یا با تو چیزی باشد که آنرا حرمتی و عزتی باید
داشت از نامها و غیر آن پس آنرا همراه داخل مساز
به بیت الخلا و همچنین زر سفید که در چیزی
بسته باشی بعد از ان پای چپ را پیش بگذار در
نزد اول در آمدن اگر خانه باشد و اگر صحرا باشد
پس پای چپ را پیش دار در جای نشستن و بگو

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ

آداب خلوت

الخبیث المخبث الشیطان الرجیم واگر قضای
حاجت در صحرا کنی باید که جائی باشد که کسی ترا
نه بیند و باید که در حال قضای حاجت سنگینی
بدن بر پای چپ اندازی و پای راست را دور تر
داری و بسیار ننشینی و حرف نزنی مگر برای
کاری که ترسی فوت شود یا خواندن آیة الکرسی که
سنتست یا گفتن الحمد لله رب العالمین
یا حکایت اذان یا ذکر خدای تعالی و چون
فارغ شوی برخیز و دست [راست] بر شکم کش و بگو
الحمد لله الذی اماط عنی الاذی وهنأنی طعامی
وشرابی وعافانی من البلوی پس استبرا کن بانکه
بکشی انگشت میان را از پیش مقعد تا اصل ذکر

بعد از ان انگشت سبابه را زیر بگذاری و ابهام را
بالا و سه بار نتر کنی یعنی بیفشانی و سه بار
بیفشری حشفه را و سه بار تنحنح کنی در حال استبرا
پس چون خواهی که استنجا کنی باب یعنی خود را
طهارت دهی پس بگو الحمد لله الذی جعل
الماء طهورا ولم یجعله نجسا و بدست چپ
استنجا کن و اگر درین دست انگشتری باشد
که نگینش از سنگ ریزه زمزم باشد آنرا بیرون کن
و مقعد را که بشوئی با انگشت بنصر بشوی و بدست
راست مس ذکر مکن و در غیر متعدی
یعنی انکه نجاست بحوالی مقعد نرسیده باشد هم
اختیار آب کن بر سنگ و جمع اولی است خواه متعدی

باشد و خواه نه و مقعد را آنقدر بشوی که احساس
کنی بصریر یعنی آن موضع را چندان بشوی که از وی
نجاست زائل شود و درشتی پوست محسوس شود
و در حال استنجا بگو اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعِفَّهُ
وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ و مقدم دار
شستن مقعد را بر شستن ذکر و اگر بسنگ
استنجا کنی و به سنگ پاک نشود عدد آنها را
طاق ساز و بهر سنگی تمام مخرج را پاک کن
بانکه سنگ را بتمام دور مقعد برسانی و چون از
خلا بیرون آئی مقدم دار پای راست را و نزد
بیرون آمدن بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ
وَأَبْقَى فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ وَأَخْرَجَ عَنِّي أَذَاهُ يَا لَهَا

بوی خوش برای نماز و دعا

نِعْمَةً يَا لَهَا نِعْمَةً يَا لَهَا نِعْمَةً لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ
عَدَّهَا **فصل** چون خواهی که وضو بسازی اول
مسواک کن بعد از ان وضو ساز چنانکه در بیان
وضوی کامل ذکر کرده شد در باب اول
بعد از ان خود را خوشبو ساز روایت شده که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را ممسکه
بود یعنی مشکدانی بود که هر گاه وضو میساخت
آنرا بدست میگرفت و دست آنحضرت تر بود
و هم از آنحضرت علیه السلام روایت کرد دو رکعت
نماز با بوی خوش افضلست از هفتاد رکعت نماز
بی بوی خوش و بدانکه بوی خوش سنت است برای هر

دعای دردل شب

نماز و دعای شب وچون از وضو فارغ شدی و
بوی خوش کردی بنشین رو بقبله وبخوان این
دعا را که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
در دل شب میخوانده الهی غارت نجوم سمائک و
نامت عیون انامک وهدات اصوات عبادک و
انعامک وغلقت الملوک علیها ابوابها وطاف
علیها حراسها واحتجبوا عمن یسالهم حاجة او
ینتجع منهم فائدة وانت الهی حی قیوم لا تاخذک
سنة ولا نوم ولا یشغلک شیء عن شیء ابواب
سمائک لمن دعاک مفتحات وخزائنک غیر
مغلقات وابواب رحمتک غیر محجوبات وفوائدک
لمن سالک غیر محظورات بل هی مبذولات

الهی

الهی انت الکریم لا ترد سائلا من المؤمنین
سئلک ولا تحتجب عن احد منهم اراداک لا و
عزتک وجلالک ولا تختزل حوائجهم دونک ولا
یقضیها احد غیرک اللهم وقد ترانی ووقوفی
وذل مقامی وبین یدیک تعلم سریرتی وتطلع
علی ما فی قلبی وما یصلح به امر اخرتی ودنیای
اللهم ان ذکر الموت واهوال المطلع و
الوقوف بین یدیک نغصنی مطعمی ومشربی
واغصنی بریقی واقلقنی عن وسادی و
منعنی رقادی کیف ینام من یخاف بیات
ملک الموت فی طوارق اللیل والنهار بل کیف
ینام العاقل وملک الموت لا ینام لا باللیل ولا بالنهار

طوارق

وَيَطْلُبُ رُوحَهُ بِالْبَيَاتِ وَفِي آنَاءِ السَّاعَاتِ و
حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعد از ین
دعا سجده میکرده و روی مبارکش را بر خاک
میچسبانیده و میگفته أَسْأَلُكَ الرَّوْحَ وَ
الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ حِينَ أَلْقَاكَ وهم
انحضرت علیه السلام پیش از نماز شب دو رکعت
میکذارد در رکعت اول الحمد و قل هو الله احد
و در دوم الحمد و قل یا ایها الکافرون
بعد از ان دست بر میداشت بتکبیر و دعا
میکرد و چون این دو رکعت را بگزاردی نیکوست
که این دعا را بخوانی که ابو الدردا روایت کرده که
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در دل شب میخوانده

دعای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

إِلٰهِي كَمْ مِنْ مُوبِقَةٍ حَلُمْتَ عَنْ مُقَابَلَتِهَا بِنِقْمَتِكَ
وَكَمْ مِنْ جَرِيرَةٍ تَكَرَّمْتَ عَنْ كَشْفِهَا
بِكَرَمِكَ إِلٰهِي إِنْ طَالَ فِي عِصْيَانِكَ عُمْرِي
وَعَظُمَ فِي الصُّحُفِ ذَنْبِي فَمَا أَنَا مُؤَمِّلٌ غَيْرَ
غُفْرَانِكَ وَلَا أَنَا بِرَاجٍ غَيْرَ رِضْوَانِكَ إِلٰهِي أُفَكِّرُ
فِي عَفْوِكَ فَتَهُونُ عَلَيَّ خَطِيئَتِي ثُمَّ أَذْكُرُ
الْعَظِيمَ مِنْ أَخْذِكَ فَتَعْظُمُ عَلَيَّ بَلِيَّتِي آهِ إِنْ أَنَا
قَرَأْتُ فِي الصُّحُفِ سَيِّئَةً أَنَا نَاسِيهَا وَأَنْتَ مُحْصِيهَا
فَتَقُولُ خُذُوهُ فَيَا لَهُ مِنْ مَأْخُوذٍ لَا تُنْجِيهِ عَشِيرَتُهُ
وَلَا تَنْفَعُهُ قَبِيلَتُهُ آهِ مِنْ نَارٍ تُنْضِجُ الْأَكْبَادَ
وَالْكُلَى آهِ مِنْ نَارٍ نَزَّاعَةٍ لِلشَّوَى آهِ مِنْ غَمْرَةٍ
مِنْ لَهَبَاتِ لَظَى پس گریه کن و هر دعائی که خواهی

بکن بعد از آن برخیز بنماز شب و اجماع علماست برآنکه

اول وقت نماز شب از نصف آخر شب است تا طلوع

فجر صادق و هرچند نزدیکتر بفجر صادق باشد افضلست

و اگر چهار رکعت از نماز شب کرده باشی و صبح

صادق طلوع کند نماز شب را تمام کن بالحمد تنها

و اگر کسی را عذری باشد جائز است که پیش

از نصف شب بجا آرد اما قضاش افضل است از

تقدیم پس چون خواهی شروع در نماز شب کنی بگو

دعای پیش از نماز شب

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ وَاُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی فَاجْعَلْنی بِهِمْ

وَجیهاً فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ اَللّٰهُمَّ

ارْحَمْنی بِهِمْ وَلا تُعَذِّبْنی بِهِمْ وَاهْدِنی بِهِمْ

وَلا تُضِلَّنی بِهِمْ وَارْزُقْنی بِهِمْ وَلا تَحْرِمْنی

بِهِمْ وَاقْضِ بِهِمْ لی حَوائِجَ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ

اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَبِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمٌ

آداب و بیان نماز شب

بعد از آن نیت کن که دو رکعت نماز شب میگزارم

سنت برای رضای خدا و هفت تکبیر بگو

با آن سه دعا که پیش مذکور شد و افضل آنست که

در رکعت اول بعد از الحمد سی بار قل هو الله بخوانی

و در رکعت دویم ایضاً قل یا ایها الکافرون و در

رکعتهای دیگر سورهای دراز مثل سورهٔ

انعام و الکهف و انبیا و یس و حم و اینچه بقدر

اینها باشد و در جمیع نمازهای سنتی جائز است که از

روی مصحف قرائت کنند اگرچه غیر آن سورها

از بر داشته باشد اما در نماز واجبی جائز نیست
مگر انکه هیچ سوره از بر نداشته باشد و
بعضی از علما گفته اند که در نماز واجبی هم
جائز است از روی مصحف خواندن مطلقا و
این قول ضعیف است واگر وقت نماز شب تنگ
باشد کافیست الحمد قل هو الله احد در هر رکعتها
بلکه الحمد تنها کافیست بدانکه اتفاق علماست بر انکه
قنوت چنانکه در رکعت دویم نماز واجبی سنتست
در نماز سنتی هم سنت است چنانکه روایت کرده
کلینی در کافی بسند صحیح از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که کافیست در قنوت گفتن
اللّهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا وَعافِنا وَاعْفُ عَنّا فِي

الدُّنْيا وَالآخِرَةِ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ چنانکه در
کافی روایت کرده از همان حضرت علیه السلام
بسند حسن و در روایتی وارد است اکتفا
بر تسبیح و سنت است بلند خواندن قنوت اگرچه در
نمازهای سنتی روز باشد و سنت است طول
دادن قنوت خصوصا در نماز شب اگر وقت
وسیع باشد روایت کرده در فقیه که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله فرموده که از شما هر که قنوتش
درازتر باشد در دنیا بیشتر است راحت او در روز
قیامت و شیخ رضی الدین علی بن طاوس قدس
سره در کتاب مهج الدعوات بار از قنوتهای
طویل که از ائمه ما علیهم السلام میخوانده اند و نفرین

دشمنان میکرده اند ذکر کرده و جائز است
قنوت از روی نوشته و کتاب خواندن در نماز سنتی
و در نماز واجبی جائز نیست و از قنوتهای مختصر که
در سنتی و واجبی میتوان خواندن این دعا است

الهی کیف ادعوک و قد عصیتک و کیف
لا ادعوک و قد عرفت حبک فی قلبی و ان کنت
عاصیا مددت الیک یدا بالذنوب مملوة و عینا
بالرجاء ممدودة مولای انت عظیم العظماء و انا
اسیر الاسراء فانا الاسیر بذنبی المرتهن بجرمی
الهی لئن طالبتنی بذنبی لاطالبنک بکرمک
و لئن طالبتنی بجریرتی لاطالبنک بعفوک
و لئن امرت بی الی النار لاخبرن اهلها انی

کنت

کنت اقول لا اله الا الله محمد رسول الله
اللهم ان الطاعة تسرک و المعصیة لا تضرک
فهب لی ما یسرک و اغفر لی ما لا یضرک یا
ارحم الراحمین و اگر خواهی در قنوت این دعای
امام محمد جواد علیه السلام را بخوان اللهم ان
الرجاء لسعة رحمتک انطقنی باستقالتک و
الامل لاناتک و رفقک شجعنی علی طلب
امانک و عفوک و لی یا رب ذنوب قد واجهتها
اوجه الانتقام و خطایا قد لاحظتها اعین
الاصطلام و استوجبت بها علی عدلک الیم العذاب
و استحققت باجترامها مبیر العقاب و خفت
تعویقها لاجابتی و ردها ایای عن قضاء

قنوت حضرت امام محمد جواد علیه السلام

حاجتی بابطالها لطلبتی و قطعها لاسباب
رغبتی من اجل ما انقض ظهری من ثقلها
و بهظنی من الاستقلال بحملها ثم تراجعت
نفسی الی حلمک عن الخاطئین و عفوک عن
المذنبین و رحمتک للعاصین فاقبلت بثقتی
متوکلا علیک طارحا نفسی بین یدیک شاکیا
بثی الیک سائلا ما لا استوجبه من تفریج الهم
و لا استحقه من تنفیس الغم مستقیلا ایاک
و اثقا مولای بک اللهم فامنن علی بالفرج
و تطول علی بسهولة المخرج و ادللنی برأفتک
علی سمت المنهج و ازلقنی بقدرتک عن الطریق
الاعوج و خلصنی من سجن الکرب باقالتک

واطلق

و اطلق اسری برحمتک و طل علی برضوانک
و جد علی باحسانک و اقلنی عثرتی و فرج
کربتی و ارحم عبرتی و لا تحجب
دعوتی و اشدد بالاقالة ازری و قو بها ظهری
و اصلح بها امری و اطل بها عمری و ارحمنی
یوم حشری و وقت نشری انک جواد کریم
رؤوف رحیم **بعد از هر دو رکعت** ان نماز شب این
دعا بخوان اللهم انی اسئلک و لم یسئل
مثلک انت موضع مسئلة السائلین و منتهی
رغبة الراغبین ادعوک و لم یدع مثلک
و ارغب الیک و لم یرغب الی مثلک انت
مجیب دعوة المضطرین و ارحم الراحمین اسئلک

بافضل المسائل و انجحها و اعظمها یا الله یا رحمن
یا رحیم و باسمائك الحسنی و امثالك العلیا و
نعمك التی لا تحصی و باکرم اسمائك و
احبها الیك و اقربها منك وسیلة و اشرفها
عندك منزلة و اجزلها لدیك ثوابا و اسرعها
فی الامور اجابة و باسمك المکنون الاکبر
الاعز الاجل الاعظم الاکرم الذی تحبه
و تهواه و ترضی به عمن دعاك و تستجیب
له دعاءه و حق علیك ان لا ترد سائلك و بکل
اسم هو لك فی التوریة و الانجیل و الزبور و
الفرقان العظیم و بکل اسم دعاك به حملة
عرشك و ملائکتك و انبیائك و رسلك و اهل

طاعتك من خلقك ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تعجل فرج ولیك و ابن ولیك
و تعجل خزی اعدائه و ان تفعل بی کذا
و کذا بجای کذا و کذا مطلب خود ذکر کند
پس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو و هر دعائی
که خواهی بکن پس دو سجده شکر
کن اگر خواهی در یکی از آن دو سجده این دعای
امام زین العابدین علیه السلام را بخوان الهی
و عزتك و جلالك و عظمتك لو انی منذ
بدعت فطرتی من اول الدهر عبدتك دوام
خلود ربوبیتك بکل شعرة فی کل طرفة
عین سرمد الابد بحمد الخلائق و شکرهم

اجمعین لکنت مقصرا فی بلوغ اداء شکر
اخفی نعمة من نعمک علی و لو انی کربت
معادن حدید الدنیا بانیابی و حرثت ارضها
باشفار عینی و بکیت من خشیتک
مثل بحور السموات والارضین دما وصدیدا
لکان ذلک قلیلا فی کثیر ما یجب من
حقک علی و لو انک الهی عذبتنی بعد ذلک
بعذاب الخلائق اجمعین و عظمت للنار
خلقی و جسمی و ملأت طبقات جهنم منی حتی
لا یکون فی النار معذب غیری و لا یکون لجهنم
حطب سوای لکان ذلک بعدلک علی قلیلا
فی کثیر ما استوجبه من عقوبتک وچون هشت

رکعت نماز شب را بگزاری بعد از رکعت هشتم
این دعا را بخوان یا الله یا الله یا الله ده بار صل علی
محمد و آله اغفر لی و ارحمنی و ثبتنی علی دینک
و دین نبیک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و
هب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب
پس بگو اللهم انت الحی القیوم العلی العظیم
الخالق الرازق المحیی الممیت المبدئ البدیع لک
الکرم و لک الجود و لک المن و لک الامر
وحدک لا شریک لک یا خالق یا رازق یا محیی
یا ممیت یا بدیع یا رفیع اسئلک ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان ترحم ذلی بین یدیک و
تضرعی الیک و وحشتی من الناس و انسی بک

پس بخوان این دعا را که حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام بعد از رکعت هشتم میخوانده اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
بِحُرْمَةِ مَنْ عاذَ بِكَ وَلَجَأَ اِلی عِزِّكَ وَاسْتَظَلَّ بِفَیْئِكَ
وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ وَلَمْ یَثِقْ اِلّا بِكَ یا جَزیلَ الْعَطایا
یا مُطْلِقَ الْاُساری یا مَنْ سَمّی نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ
وَهّاباً اَدْعُوكَ رَغَباً وَرَهَباً وَخَوْفاً وَطَمَعاً وَ
اِلْحاحاً وَاِلْحافاً وَتَضَرُّعاً وَتَمَلُّقاً وَقائِماً وَقاعِداً
وَراكِعاً وَساجِداً وَراكِباً وَماشِیاً وَذاهِباً
وَجائِیاً وَفی كُلِّ حالاتی اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بی كَذا وَكَذا
وحاجت خود ذکر کن پس دو سجده شکر کن
بخوان در آنها و بعد از آنها آنچه پیش از این مذکور شد

فصل پس چون از تعقیب هشت رکعت نماز
شب فارغ شوی متوجه شو بدو رکعت شفع و
یک رکعت وتر و افضل وقتهاش از صبح کاذبست
تا صبح صادق بدانکه مشهور میان متأخرین فقها
آنست که وتر رکعت سیم اما شایع و متعارف
در احادیث معصومین علیهم السلام آنست که
وتر هر سه رکعتست که دو رکعت شفع هم داخل
وترست روایت کرده شیخ طوسی قدس سره
در تهذیب بسند صحیح از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که حضرت امام محمد باقر علیه
السلام در هر سه رکعت نماز وتر قل هو الله احد
میخواندند و هم او روایت کرده بسند موثق از آنحضرت

علیه السلام که گفته حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله میگزارد هشت رکعت نماز نافلهٔ زوال
و چهار رکعت اوّل یعنی ظهر و هشت رکعت
بعد از آن یعنی نافلهٔ عصر و چهار رکعت عصر
و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از مغرب
و چهار رکعت عشاء آخر و هشت رکعت نماز
شب و سه رکعت وتر و دو رکعت فجر و نماز
غداة یعنی صبح دو رکعت تا آخر حدیث و روایت
کرده رئیس المحدثین بسند صحیح از جعفر بن سالم
الخیاط گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که میگفت باکی نیست آنکه بگزارد
شخصی دو رکعت نماز وتر را پس برود و حاجت

خود را برآرد بعد از آن برگردد و بجا آرد
یک رکعت را و احادیث درین بسیار است و امّا
اطلاق وتر بر رکعت سیم تنها در احادیث بسیار
کم است امّا در عبارات متأخرین فقها شایع است
و امّا متقدمین فقها اکثر رکعت سیم را مفرده
وتر میگویند و از اینها ظاهر شد که اگر کسی نذر
کند نماز وتر موظف را بری الذمة نمیشود مگر آنکه
هر سه رکعت را بجا آرد و اینچه شیخ طبرسی قدس
سره در کتاب مجمع البیان فرموده که فاتحه را
سبع مثانی میگویند برای آنکه دو بار خوانده میشود
در هر نماز فرضی و سنتی وجهی است خالی از قصور
و اعتراضی بنماز وتر وارد نیست در هر دو رکعت

شفع بعد از الحمد سورهٔ قل هو الله احد بخوان و
اکر خواهی در رکعت اول قل اعوذ برب الفلق
و در دویم قل اعوذ برب الناس و چون سلام
دهی این دعا بخوان الهی تعرض لک فی هذا
اللیل المتعرضون وقصدک فیه القاصدون
وامل فضلک ومعروفک الطالبون ولک فی
هذا اللیل نفحات وجوائز وعطایا ومواهب تمن
بها علی من تشاء من عبادک وتمنعها من لم تسبق
له العنایة منک وها انا ذا عبدک الفقیر الیک
المؤمل فضلک ومعروفک فان کنت یا مولای
تفضلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقک و
عدت علیه بعائدة من عطفک فصل علی محمد

وآله الطیبین الطاهرین الخیرین الفاضلین
وجد علی بطولک ومعروفک یا رب العالمین
وصلی الله علی محمد خاتم النبیین وآله الطاهرین
الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا
ان الله حمید مجید اللهم انی ادعوک کما
امرت فاستجب لی کما وعدت انک
لا تخلف المیعاد بعد از آن برخیز برای مفردهٔ
وتر و بعد از نیت سه تکبیر بکو و
بعد از آنها بخوان اللهم انت الملک الحق المبین
الذی لا اله الا انت عملت سوءا وظلمت نفسی
فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت
پس دو تکبیر دیکر بکو و بخوان لبیک وسعدیک

والخیر فی یدیک والشرّ لیس الیک والمهدیّ
من هدیت لا ملجأ ولا منجا منک الّا الیک
آمنت بک وتوکّلت علیک تبارکت وتعالیت
ربّنا وربّ البیت برد وتکبیر بکو وبخوان وجّهت
وجهی للّذی تا آخر وبخوان بعد از الحمد سه بار
قل هو الله احد وقل اعوذ بربّ الفلق وقل اعوذ
بربّ النّاس وبعد از آن دستها بردار وقنوت
بخوان کریه کنان این دعا را که در فقیه بسند
صحیح روایت کرده معروف بن خرّبوذ که امام محمّد باقر
علیه السّلام یا امام جعفر صادق علیه السّلام
فرموده بکو در قنوت وتر لا اله الّا الله الحلیم
الکریم لا اله الّا الله العلیّ العظیم سبحان

قنوت نماز وتر

الله ربّ السّموات السّبع وربّ الارضین
السّبع وما فیهنّ وما بینهنّ وربّ العرش العظیم
اللّهمّ انت الله نور السّموات والارض وانت الله
زین السّموات والارض وانت الله جمال السّموات
والارض وانت الله عماد السّموات والارض و
انت الله قوام السّموات والارض وانت الله
صریخ المستصرخین وانت الله غیاث المستغیثین
وانت الله المفرّج عن المکروبین وانت الله
المروّح عن المغمومین وانت الله مجیب دعوة
المضطرّین وانت الله اله العالمین وانت الله
الرّحمن الرّحیم وانت الله کاشف السّوء وانت
الله بک تنزل کلّ حاجة یا الله لیس یردّ غضبک

الا حلمك ولا ينجي من عقابك الا رحمتك
ولا ينجي منك الا التضرع اليك فهب لي من
لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من
سواك بالقدرة التي بها احييت جميع ما في البلاد
وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني غما
حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاستجابة في
دعائي وارزقني العافية الى منتهى اجلي و
اقلني عثرتي ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه
من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن ذا الذي
يضعني وان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني
وان اهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك
وبيني او يتعرض لك في شيء من امري وقد علمت

ان ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك
عجلة وانما يعجل من يخاف الفوت وانما
يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت عن
ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك
نصبا ومهلني ونفسني واقلني عثرتي
ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي
وقلة حيلتي استعيذ بك الليلة فاعذني و
استجير بك من النار فاجرني واسئلك الجنة
فلا تحرمني وبعد از ان هر دعا كه خواهى بكن
و هفتاد بار بگو استغفر الله واتوب اليه اينجا
حديث تمام شد وسنت است كه دعا كنى براى
چهل مؤمن يا بيشتر چنين بگو اللهم اغفر لفلان

وفلانٍ تا چهل کس و هفتاد بار استغفار بکن و
بشمر بدست راست و دست چپ بردار باسمان
چنانکه روایت کرده در فقیه بسند صحیح و اگر
صد بار استغفار کنی افضل است بعد از ان
هفت بار بگو أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ
الْحَيُّ الْقَيُّومُ لِجَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرافِي عَلَى
نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بعد از ان بگو رَبِّ أَسَأْتُ وَ
ظَلَمْتُ نَفْسِي وَبِئْسَ ما صَنَعْتُ وَهٰذِهِ يَدايَ يا رَبِّ
جَزاءً بِما كَسَبَتْ وَهٰذِهِ رَقَبَتِي خاضِعَةٌ
لِما أَتَيْتُ وَها أَنا ذا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ
نَفْسِي الرِّضا حَتَّى تَرْضَى لَكَ الْعُتْبَى لا أَعُودُ بعد از
سیصد بار بگو الْعَفْوَ الْعَفْوَ بعد از ان بگو

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ
التَّوّابُ الرَّحِيمُ وسنت است تطویل در قنوت وتر
پس اضافه کن قنوتی که در قنوت هشت رکعت نماز
شب مذکور شد و اگر وقت وسعت داشته باشد
اضافه کن این دعا را که رئیس المحدثین روایت
کرده در کتاب امالی که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام میخوانده در قنوت وتر سَيِّدِي
سَيِّدِي هٰذِهِ يَدايَ قَدْ مَدَدْتُهُما إِلَيْكَ
بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَعَيْنايَ بِالرَّجاءِ مَمْدُودَةً
وَحَقٌّ لِمَنْ دَعاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلاً أَنْ تُجِيبَهُ بِالْكَرَمِ
تَفَضُّلاً سَيِّدِي أَمِنْ أَهْلِ الشَّقاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ
بُكائِي أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ

تجاني سيدي ام لضرب المقامع خلقت اعضائي
ام لشرب الحميم خلقت امعائي سيدي لو ان
عبدا استطاع الهرب من مولاه لكنت اول
الهاربين منك لكني اعلم اني لا افوتك
سيدي لو ان عذابي مما يزيد في ملكك
لسألتك الصبر عليه غير اني اعلم انه لا يزيد
في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه
معصية العاصين سيدي ما انا وما خطري
هب لي بفضلك وجللني بسترك واعف عن توبيخي
بكرم وجهك الهي وسيدي ارحمني
مصروعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي
وارحمني مطروحا على المغتسل يغسلني

صالح جيرتي وارحمني محمولا قد تناول
الاقرباء اطراف جنازتي وارحم في ذلك
البيت المظلم وحشتي وغربتي ووحدتي واگر
وقت تنگ باشد در قنوت اختصار کند واین
قنوت بخوان اللهم ان كثرة الذنوب تكف
ايدينا عن انبساطها اليك بالسؤال والمداومة
على المعاصي تمنعنا عن التضرع والابتهال
والرجاء يحثنا على سؤالك يا ذا الجلال فانه
كم يعطف السيد على عبده فمن يبتغي النوال
فلا ترد اكفنا المتضرعة اليك الا ببلوغ
الآمال وصلى الله على اشرف الانبياء والمرسلين
محمد واله الطاهرين وبعد از ان رکوع کن وچون

سر از رکوع بر داری این دعا بخوان هذا
مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله
وذنبه عظيم وشكره قليل الهي طموح
الآمال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم
قد تقطعت الا عليك ومذاهب العقول
قد سمت الا اليك فاليك الرجاء واليك
الملتجى يا اكرم مقصود ويا اجود
مسئول هربت اليك بنفسي يا ملجأ الهاربين
باثقال الذنوب احملها على ظهري وما اجد لي
اليك شافعا سوى معرفتي بانك اقرب من
رجاه الطالبون ولجأ اليه المضطرون وامل
ما لديه الراغبون يا من فتق العقول بمعرفته

واطلق

واطلق الالسن بحمده وجعل ما امتن به
على عباده كفاء لتأدية حقه صل على
محمد وآله ولا تجعل للهموم على عقلي سبيلا
ولا للباطل على عملي دليلا برحمتك يا ارحم
الراحمين پس نماز را تمام کن و بعد از سلام تسبیح
فاطمه زهرا علیها السلام بگو و بعد از آن دعاء
حزین را بخوان اناجيك يا موجود في كل
مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم
جرمي وقل حيائي مولاي يا مولاي اي
الاهوال اتذكر وايها انسى ولو لم يكن
الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت
اعظم وادهى مولاي يا مولاي حتى متى

وإلى متى أقول لك العتبى مرة بعد أخرى ثم
لا تجد عندي صدقاً ولا وفاءً فيا غوثاه ثم
واغوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو
قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت
لي ومن نفس أمارة بالسوء إلا ما رحم ربي
مولاي يا مولاي إن كنت رحمت مثلي فارحمني
وإن كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل
السحرة اقبلني يا من لم أزل أتعرف منه الحسنى
يا من يغذيني بالنعم صباحاً ومساءً ارحمني
يوم آتيك فرداً شاخصاً إليك بصري مقلداً عملي
قد تبرأ جميع الخلق مني نعم أبي وأمي ومن
كان له كدي وسعيي فإن لم ترحمني فمن يرحمني

ومن

ومن يؤنس في القبر وحشتي ومن ينطق
لساني إذا خلوت بعملي وسألتني عما أنت
أعلم به مني فإن قلت نعم فأين المهرب من
عدلك وإن قلت لم أفعل قلت ألم أكن
الشاهد عليك فعفوك عفوك يا مولاي قبل
أن تلبس الأبدان سرابيل القطران عفوك
عفوك يا مولاي قبل أن تغل الأيدي إلى
الأعناق يا أرحم الراحمين وخير الغافرين
بعد از ان سجده کن و در سجده بگو اللهم صل
على محمد وآله وارحم ذلي بين يديك و
تضرعي إليك ووحشتي في الناس وأنسي
بك يا كريم يا كائناً قبل كل شيء يا مكون

كُلِّ شَيْءٍ يَا كَائِنًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ لَا تَفْضَحْنِي
فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ وَلَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قَادِرٌ
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كَرْبِ الْمَوْتِ وَمِنْ
سُوءِ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ وَمِنَ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
أَسْأَلُكَ عِيشَةً هَنِيئَةً وَمِيتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَبًا
كَرِيمًا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ اَللّٰهُمَّ إِنَّ
مَغْفِرَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي وَرَحْمَتَكَ أَرْجَى
عِنْدِي مِنْ عَمَلِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاغْفِرْ لِي يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ فصل وچون از تعقیب
وتر فارغ شوی متوجه شو بدو رکعت نافلهٔ فجر
وایشانرا دساستین هم میگویند زیرا که داخلند
در نماز شب روایت کرده شیخ طوسی قدس سره

در تهذیب بسند صحیح که حضرت امام رضا علیه
السلام فرمود که بکنید این دو رکعت نافلهٔ فجر
نماز شب او ظاهر آنست که وقت این دو رکعت
میکشد تا طلوع سرخی آفتاب از جانب مشرق
چنانکه در بعضی روایات و مذهب بعضی
از علماست و افضل وقتهای آن از طلوع صبح
کاذبست تا طلوع صبح صادق و بخوان بعد از الحمد
در رکعت اول قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم
قل هو الله احد و چون سلام دهی بپهلوی
راست بخواب رو بقبله چنانکه میت را در لحد
میگذارند و جانب راست رو را بگذار بر دست
راست و بگو این دعا اِسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللّٰهِ الْوُثْقَى

التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين
واعوذ بالله من شر فسقة العرب والعجم
ومن شر فسقة الجن والانس ربي الله ربي
الله ربي الله آمنت بالله توكلت على الله
لا حول ولا قوة الا بالله ومن يتوكل على الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل
شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم
من اصبح وله حاجة الى مخلوق فان حاجتي و
رغبتي اليك وحدك لا شريك لك الحمد لله رب
الصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله
قاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل سكنا و
الشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم

اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل في
قلبي نورا وفي بصري نورا وعلى لساني نورا
ومن بين يدي نورا ومن خلفي نورا وعن
يميني نورا وعن شمالي نورا ومن فوقي
نورا ومن تحتي نورا واعظم لي النور و
اجعل لي نورا امشي به في الناس ولا تحرمني
نورك يوم القيمة بعد ازان بخوان آیة الکرسی
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و پنج آیه آخر سورهٔ آل عمران ان في خلق السموات
والارض واختلاف الليل والنهار لايات
لاولي الالباب الذين يذكرون الله قياما و
قعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون في خلق

السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا
سبحانك فقنا عذاب النار تا انك لا تخلف الميعاد
بعد از آن بنشین و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
بگو و صد بار سبحان ربی العظیم و بحمده
استغفر الله ربی و اتوب الیه پس هفت بار بگو بسم
الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم بعد از آن دو سجده شکر کن و در
آنها بگو آنچه توانی از دعائی که پیش ذکر شد
و در سجده های شکر برای برادران مؤمن
دعا کن و بگو اللهم رب الفجر والليالي العشر
والشفع والوتر والليل اذا يسر ورب كل
شيء واله كل شيء وخالق كل شيء ومليك

كل شيء صل على محمد وآل محمد وافعل
بي وبفلان وفلان ما انت اهله ولا تفعل بنا
ما نحن اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة
فصل و اگر وقت وسعت داشته باشد بخوان
این دعای صحیفه را که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام بعد از نماز شب میخوانده و مراد
بنماز شب اینجا سیزده رکعتست که نافله فجر هم
داخل باشد اللهم یا ذا الملك المتأبد بالخلود
والسلطان الممتنع بغير جنود ولا اعوان
والعز الباقي على مر الدهور وخوالي الاعوام
ومواضي الازمان والايام عز سلطانك
عزا لا حد له باولية ولا منتهى له باخرية

واستعلى ملكك علوا سقطت الاشياء
دون بلوغ امده ولا يبلغ ادنى ما استأثرت
به من ذلك اقصى نعت الناعتين ضلت
فيك الصفات وتفسخت دونك النعوت
وحارت في كبريائك لطائف الاوهام
كذلك انت الله الاول في اوليتك وعلى
ذلك انت الدائم لا تزول وانا العبد
الضعيف عملا الجسيم املا خرجت من يدي
اسباب الوصلات الا ما وصله رحمتك و
تقطعت عني عصم الامال الا ما انا معتصم
به من عفوك قل عندي ما اعتد به من
طاعتك وكثر علي ما ابوء به في معصيتك

ولن

ولن يضيق عليك عفو عن عبدك وان
اساء فاعف عني اللهم وقد اشرف على
خفايا الاعمال علمك وانكشف كل مستور
دون خبرك ولا تنطوي عنك دقائق
الامور ولا تعزب عنك غيبات السرائر
وقد استحوذ علي عدوك الذي استنظرك
لغوايتي فانظرته واستمهلك الى يوم الدين
لاضلالي فامهلته فاوقعني وقد هربت
اليك من صغائر ذنوب موبقة وكبائر
اعمال مردية حتى اذا قارفت معصيتك
واستوجبت بسوء سعيي سخطتك فتل عني
عذار غدره وتلقاني بكلمة كفره وتولى

سخطتك

البراءة منّي وادبر مولياً عنّي فاصحرني
لغضبك فريداً واخرجني الى فناء نقمتك
طريداً لا شفيع يشفع لي اليك ولا خفير
يؤمنني عليك ولا حصن يحجبني عنك
ولا ملاذ الجأ اليه منك فهذا مقام
العائذ بك ومحلّ المعترف لك فلا يضيقنّ
عنّي فضلك ولا يقصرنّ دوني عفوك
ولا اكن اخيب عبادك التائبين ولا
اقنط وفودك الآملين فاغفر لي انّك
خير الغافرين اللّهم انّك امرتني فتركت
ونهيتني فركبت وسوّل لي الخطا خاطر
السوء ففرّطت ولا استشهد على صيامي نهاراً

ولا استجير بتهجّدي ليلاً ولا تثني على
باحيائها سنّة حاشا فروضك التي من
ضيّعها هلك ولست اتوسّل اليك بفضل
نافلة مع كثير ما اغفلت من وظائف
فروضك وتعدّيت عن مقامات حدودك
الى حرمات انتهكتها وكبائر ذنوب
اجترحتها كانت عافيتك لي من فضائحها
ستراً وهذا مقام من استحيا لنفسه منك
وسخط عليها ورضي عنك فتلقّاك بنفس
خاشعة ورقبة خاضعة وظهر مثقل من
الخطايا واقفاً بين الرغبة اليك والرهبة
منك وانت اولى من رجاه واحقّ من خشيه

واتقاه فاعطني يا رب ما رجوت وامني

ما حذرت وعد علي بعائدة رحمتك

انك اكرم المسئولين اللهم واذ سترتني

بعفوك وتغمدتني بفضلك في دار الفناء

بحضرة الاكفاء فاجرني من فضيحات

دار البقاء عند مواقف الاشهاد من

الملئكة المقربين والرسل المكرمين

والصالحين من جار كنت اكاتمه سيئاتي

ومن ذي رحم كنت احتشم منه في سريراتي

لم اثق بهم رب في الستر علي ووثقت بك

رب في المغفرة لي وانت اولى من وثق به

واعطى من رغب اليه وارأف من استرحم

فارحمني

فارحمني اللهم وانت حدرتني ماء مهينا

من صلب متضايق العظام حرج المسالك

الى رحم ضيقة سترتها بالحجب تصرفني

حالا عن حال حتى انتهيت بي الى تمام

الصورة واثبت في الجوارح كما نعت

في كتابك نطفة ثم علقة ثم مضغة

ثم عظما ثم كسوت العظام لحما ثم انشأتني

خلقا آخر كما شئت حتى اذا احتجت

الى رزقك ولم استغن عن غياث فضلك

جعلت لي قوتا من فضل طعام وشراب

اجريته لامتك التي اسكنتني جوفها

واودعتني قرار رحمها فلو تكلني

يا رب في تلك الحالات الى حولي او تضطرني
الى قوتي لكان الحول عني معتزلا و
لكانت القوة مني بعيدة فغذوتني
بفضلك غذاء البر اللطيف تفعل ذلك بي
تطولا علي الى غايتي هذه لا اعدم برك و
لا يبطئ بي حسن صنيعك ولا تتاكد
مع ذلك ثقتي فاتفرغ لما هو احظى لي عندك
قد ملك الشيطان عناني في سوء الظن
وضعف اليقين فانا اشكو سوء مجاورته
لي وطاعة نفسي له واستعصمك من ملكته
واتضرع اليك في ان تسهل الى رزقي سبيلا
فلك الحمد على ابتدائك بالنعم الجسام والهامك

الشكر

الشكر على الاحسان والانعام فصل
على محمد واله وسهل علي رزقي وان
تقنعني بتقديرك لي وان ترضيني بحصتي
فيما قسمت لي وان تجعل ما ذهب من جسمي
وعمري في سبيل طاعتك انك خير الرازقين
اللهم اني اعوذ بك من نار تغلظت بها على من
عصاك وتوعدت بها من صدف عن رضاك
ومن نار نورها ظلمة وهينها اليم وبعيدها
قريب ومن نار ياكل بعضها بعض و
يصول بعضها على بعض ومن نار تذر العظام
رميما وتسقي اهلها حميما ومن نار لا تبقي
على من تضرع اليها ولا ترحم من استعطفها

ولا تقدر على التخفيف عمن خشع لها واستسلم

إليها تلقى سكانها بأحر ما لديها من أليم

النكال وشديد الوبال وأعوذ بك

من عقاربها الفاغرة أفواهها وحياتها الصالقة

بأنيابها وشرابها الذي يقطع أمعاء وأفئدة

سكانها وينزع قلوبهم وأستهديك

لما باعد منها وأخر عنها اللهم صل على محمد

وآله وأجرني منها بفضل رحمتك وأقلني

عثراتي بحسن إقالتك ولا تخذلني يا خير

المجيرين إنك تقي الكريهة وتعطي الحسنة

وتفعل ما تريد وأنت على كل شيء قدير

اللهم صل على محمد وآله إذا ذكر الأبرار

وصل على محمد وآله ما اختلف الليل

والنهار صلاة لا ينقطع مددها ولا يحصى

عددها صلاة تشحن الهواء وتملأ الأرض

والسماء صلى الله عليه وآله حتى يرضى

وصلى الله عليه وآله بعد الرضا صلاة

لا حد لها ولا منتهى يا أرحم الراحمين

خاتمه سنت دانستن و ملاحظه کردن معنی

هرچه در نماز گفته میشود از ذکرها و

دعاها و انچه خوانده می شود از فاتحه و سوره

و باید که قرائت نماز گذار حرکت دادن زبان

تنها نباشد بی ملاحظه معنیها پس حکم

فارسی زبانی خواهد داشت که عربی نداند و

نفهمد و لفظی چند از عربی بر زبان راند و
حکم عربی که فارسی نفهمد و نداند و
لفظی چند فارسی بر زبان راند بی انکه معنیهای
آنرا داند و کافیست برای تنبیه برینمعنی قول
خدای تعالی یا ایها الذین امنوا لا تقربوا
الصلوة وانتم سکاری حتی تعلموا ما
تقولون یعنی والله اعلم ای انکسانی که ایمان
آورده اید نزدیک مشوید بنماز درحالتی که
شما مست باشید تا انکه بدانید انچه میکوئید
روایت کرده رئیس المحدثین ابن بابویه که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرموده کسیکه
دو رکعت نماز بکزارد و داند که چه میکوید

دوانها بر کردد از نماز وحال انکه نمانده باشد
میانه او ومیانه خدای تعالی کناهی که
مکر خدای تعالی آمرزیده باشد برای او
و ما این کتاب را ختم میکنیم بتفسیر سوره
فاتحه بسم الله الرحمن الرحیم
با حرف جر است و اینجا برای استعانتست یعنی
طلب مدد از اسم خدای تعالی یا برای مصاحبتست
وهمراهی واول بهتر است زیرا که مشعر است
بانکه ذکر اسم خدای تعالی در ابتدای کار
وسیله بجا آمدن وتمام شدن آن کارست
بر وجه اکمل واتم کویا که کاری بی ذکر
نام الهی تمام نمی شود ومعنی مصاحبت انکه

استعارتیست واین جار با مجرورش متعلقست
بعامل مقدر واین عامل مقدر یا اسم است
یا فعل وهریك ازین دو عامست یا خاص و
هریك ازین چهار مقدمست یا مؤخر وبهترین
این هشت وجه خاص فعل مؤخرست زیرا که
فعل عام مثل ابتدا واسم عام مثل ابتدا باعث
توهم آن میشود که طلب مدد از خدای تعالی
مخصوص باشد بابتدای کار واسم خاص مثل
قرأتی باعث زیادتی تقدیرست در کلام
زیرا که او مبتدا خواهد بود پس خبرش مقدر
خواهد بود زیرا که متعلق ظرف بدو مانعست
از انکه او خبر مبتدای محذوف باشد و فعل

خاص مقدم مثل اقرأ بسم الله در و مخصوص
بودن یاری طلبیدن از اسم خدای تعالی
فوت میشود الله علم شخصی ذات مقدس
الهی است که جامع جمیع صفات کمالست
زیرا که اگر اسم مفهوم واجب الوجود باشد
لازم آید که لا اله الا الله افاده توحید نکند
زیرا که احتمال دارد که افراد آن مفهوم
متعدد باشد در اعتقاد گوینده این کلمه وبراین
دلیل اعتراض کرده اند بانکه بنابرین لازم آید که
قل هو الله احد دلالت بر توحید نکند زیرا که
جائز خواهد بود که علم یکی از افراد واجب باشد
با انکه این سوره را دلیل سمعی دانسته اند بر توحید

خاص

واین اعتراض وارد نیست زیرا که میتواند بود که
یکی بودن خدا ازآخر این سوره معلوم شود
واما اولش دلالت کند بواحدیت بمعنی عدم
قبول قسمت الرحمن الرحیم هردو بمعنی رحمت
کننده ومبالغه در رحمن بیشتراست بحسب زیادتی
لفظ وصفت مشبهه اند مشتق از رحم بکسر
عین بعدازانکه نقل کرده اند برحم بضم عین
ومبالغه در رحمن بیشتراست زیراکه زیادتی
لفظ دلالت میکند بر زیادتی معنی واین
زیادتی یا باعتبار کمیت است چنانکه در دعای
یا رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَرَحِیمَ الْاٰخِرَةِ گفته اند زیراکه
رحمت دنیا زیادترست بواسطهٔ انکه شامل مؤمن

وکافر

وکافرست ورحمت آخرت مخصوص است بمومن
یاانکه زیادتی باعتبار کیفیت باشد چنانکه در
دعای یا رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِیمَ الدُّنْیَا
گفته اند بواسطه انکه نعمت آخرت عظیم و
بی نهایتست بخلاف دنیا پس معنی رحمن ذاتیکه
رحمت او بی غایت وبی نهایت باشد واز ینجهت
رحمن مخصوص است بخدای تعالی واطلاق
بر غیر خدا نمیکنند زیراکه رحمت واحسان
کننده وبخشندهٔ حقیقی بیعوض اوست ورحمت
واحسان غیر او یابرای مدح وثنای دنیاست
یابرای ثواب آخرت یابرای زایل کردن آزردگی
در وقتی که دل او را بهم رسیده بسبب خست

یا برای دور کردن نسبی بخل از خود با وجود
اینها آن غیر [illegible] واسطه است زیرا که دادن
اصل نعمت و قدرت دادن بر دادن و واصل
ساختن همه از جانب خدای تعالی است و تقدیم
الرحمن و الرحیم با انکه ترقی از ادنی باید با علی نه
از اعلی با دنی برای آنست که رحمن بسبب مخصوص
بودن او بخدای تعالی گویا که واسطه است
میان اسم و صفت پس مناسب آن بود که واسطه
بوجه باشد میان علم ذات که الله است و میان صفت
که رحیم است و ذکر این نامهای شریف
در بسم الله که ابتدای کتاب کریمست برای
محکم کردن بنای جود و کرم و تقویت

دادن

دادن معالم عفو و دا فتست و اشارتست
بانکه رحمت الهی سابقست بر غضبش و
تنبیه است بر انکه سزاوار بیاری جستن از
ذکر او در جمیع کارها خدای تعالی است
که جامع جمیع صفات کمالست و رحمتش
در غایت و نهایتست و صاحب و ولی جمیع
نعمتهای دنیا و آخرت و صاحب نعمتهای
بزرگ و کوچک است الحمد لله رب العالمین
حمد ثنائیست بر جمیل اختیاری و حمد الهی
بر بعضی از صفاتش راجعست بحمد بر اثری که
مترتب میشود بر ذات مقدس بنا بر انکه
صفات الهی عین ذاتست و آن آثار اختیاری

الهی است و الف و لام الحمد برای جنس است
یعنی جنس و حقیقت حمد مخصوص است
بخدای تعالی یا برای استغراق است یعنی جمیع
افراد حمد یا برای عهد خارجی یعنی فرد
کاملتر از افراد حمد که لایق خدای تعالی باشد
ثابت و مخصوص است بخدای تعالی و
رب یا برای مصدر است بمعنای تربیت
یعنی رسانیدن چیزها بکمال که کم کم
و وصف الله برب برای مبالغه است چنانکه
در رجل عدل یا صفت مشبهه است مشتق
است از ربه یربه بعد از آنکه نقل کرده
باشد بصیغه لازم چنانکه در رحمن مذکور

شد و چون اضافه رب به العالمین اضافه
حقیقت است مثل کریم البلد زیرا که
عمل نصب اینجا نیست پس جائز است که صفت
الله که معرفه است واقع شود یا آنکه مراد
استمرار است نه حدوث و عالم اسم چیزیست
که باو علم بچیزی حاصل شود اما بحسب غلبه
استعمال مراد ازو هر جنسی است از اجناس
آنچه باو خدای تعالی را توان دانست چنانکه
گویند عالم افلاک و عالم عناصر و عالم حیوان
و عالم نبات **الرحمن الرحیم** مکرر ساختن
این اسمهای شریف در ابتدای کتاب مجید
برای اشعار است بر آنکه اهتمام حضرت الهی

برحمت بیشتر است از باقی صفات و برای انکه
امید بندکان زیاده شود برحمت الهی چون
دانند که مالك روز جزا رحمن و رحیم است
کویا که میفرماید که ای کناه کاران مأیوس
مشوید از بخشش خدای تعالی کناهان
شمارا در روز قیامت که او رحمن و رحیم است
مٰلِكِ يَوْمِ الدِّينِ قراءت عاصم و کسائیست
یعنی صاحب روز جزا و باقی قرا مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ
یعنی پادشاه روز جزا و موافقت قول
خدای تعالی يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا
وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ مؤید قراءت اول است
و مرجح قراءت دوم پنج وجهست اول انکه تعظیم

دردین

ددین بیشتر است دوم انکه مناسبتر است باضافه
روز جزا چنانکه میکویند پادشاه عصر سیوم
انکه موافقت بیشتر دارد بقول خدای تعالی
لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ یعنی برای
کیست پادشاهی روز قیامت برای خدائیست که
یکیست و قهارست چهارم انکه مشابهت بیشتر
دارد بانچه در اخر کتابست در سورهٔ
قل اعوذ برب الناس از وصف بپادشاهی بعد
از وصف بربوبیت تا مناسب باشد ابتدا با انتها
پنجم انکه اضافه او بیوم الدین حقیقیست پس
معرفه باشد پس وصف الله که معرفه است باو جائز
است بی توجیهی و تکلفی زیرا که مثل کریم

البلداست بخلاف مالک که اضافه لفظی است و
کسب تعریف نکرده وصف معرفه نتواند شد
مرکر بتوجیهی و تکلفی که کوییم اینجا
بمعنی ماضی است زیرا که مضارع محقق الوقوع را
قایم مقام ماضی کردانیم یا انکه اینجا مراد
استمرار ثبوتیست و نیز اضافه اسم فاعل بظرف
محتاجست بتوجیه انکه قایم مقام مفعول به
است مجازا و دین جزاست چنانکه میکویند
کما تدین تدان یعنی چنانکه تو جزا میدهی
جزا خواهی یافت و وجه تخصیص مالکیت و
پادشاهی خدای تعالی بروز قیامت بانکه خدای
تعالی مالک و پادشاه همه چیزهاست در جمیع

اوقات برای تعظیم روز قیامتست و برای انکه
مالکیت و پادشاهی که درین نشأه غیر خدا را
هست دران روز بالکلیه زایل و باطل
میکردد و مخصوص میشود بخدای تعالی
در ذکر این صفات بعد از ذکر الله که
دلالت میکند بر انکه خدای تعالی جامع جمیع
صفات کمالست اشارتست بانکه حمد
بندکان و تعظیم ایشان کسی را برای یکی از
چهار چیزست یا برای کمال ذاتی و
صفاتیست یا بواسطه انکه ازو بایشان احسان و
نعمتی رسیده یا بواسطه انکه امید دارند که ازو
بایشان نعمتی و احسانی برسد یا بواسطه انکه

می ترسند از کمال قهر و غضب و کمال
قدرتش پس گویا که خدای تعالی میفرماید که
ای مردمان اگر حمد کسی برای کمال ذاتی
وصفاتی میکنند پس نام من الله و من جامع
هر دویم و اگر برای احسان و نعمتی است که بشما
رسانیده پس من رب یعنی پرورنده عالمیانم
و اگر برای امید و طمع نعمتی که بعد ازین بشما
برساند در دنیا یا در آخرت پس من رحمن و رحیم
و اگر برای ترس از کمال قدرت و غضبست
پس مالك روز قیامتم **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ**
نَسْتَعِينُ عبادت نهایت خضوع وخواریست
و ازینجهت لایق عبادت نیست مگر کسی که

ولی

ولی و دهنده اعلی و اعظم مراتب باشد
مثل وجود و حیات و هرچه لازم و تابع
اینها باشد و استعانت طلب یاری و مدد دست
بکاری و مراد اینجا طلب مدد دست در جمیع
کارها یا در ادای بجا آوردن عبادت و قیام
بوظائف و شروطش از اخلاص تام و حضور
دل و در آیه کریمه پنج چیز است که نکته آن را
بیان باید کرد **اول** تقدیم عبادت بر استعانت
دویم تقدیم معمول که ایاك است بر عامل که
نعبد است و نستعین **سیم** مکرر ساختن
لفظ ایاك است **چهارم** اختیار صیغه متکلم
مع الغیر بر صیغه متکلم واحد **پنجم** التفات

می ترسند از کمال قهر و غضب و کمال
قدرتش پس کو یا که خدای تعالی میفرماید که
ای مردمان اگر حمد کسی برای کمال ذاتی
و صفاتی میکنند پس نام من الله و من جامع
هر دو ییم و اگر برای احسان و نعمتی است که بشما
رسانیده پس من ربّ یعنی پرورندهٔ عالمیانم
و اگر برای امید و طمع نعمتی که بعد ازین بشما
برسانند در دنیا یا در آخرت پس من رحمن و رحیم
و اگر برای ترس از کمال قدرت و غضبست
پس مالك روز قیامتم **اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ**
نَسْتَعِيْنُ عبادت نهایت خضوع و خواریست
و ازینجهت لایق عبادت نیست مگر کسی که

ولی و دهندهٔ اعلی و اعظم مراتب باشد
مثل وجود و حیات و هرچه لازم و تابع
اینها باشد و استعانت طلب یاری و مدد دست
بکاری و مراد اینجا طلب مدد دست در جمیع
کارها یا در اداو بجا آوردن عبادت و قیام
بوظائف و شروطش از اخلاص تام و حضور
دل و در آیه کریمه پنج چیزست که نکتهٔ آن را
بیان باید کرد **اوّل** تقدیم عبادت بر استعانت
دویم تقدیم معمول که ایاك است بر عامل که
نعبد است و نستعین **سیم** مکرر ساختن
لفظ ایاك است **چهارم** اختیار صیغهٔ متکلم
مع الغیر بر صیغهٔ متکلم واحد **پنجم** التفات

و توجه از غیبت بخطاب امّا میکوئیم تقدیم
عبادت بر استعانت پس شاید که نکتهٔ آن هفت
چیز باشد **اوّل** رعایت موافقت آخر آیات در
حرف سابق بر حرف آخر و این وجه صحیح است
اگر بسمله آیه علیحده باشد از الحمد **دوُیم** آنکه عبادت
مطلوب خدای تعالی استان بندکان و مدد
مطلوب بندکانست از خدای تعالی پس مناسب
تقدیم مطلوب الهی است بر مطلوب بندکان
سیُم آنکه عبادت مناسبترست بجزاو و ثواب
و استعانت بطلب هدایت مناسب آن بود که
هر یك متصل باشند بانچه مناسبت بیشتر دارد
چهارم آنکه یاری و مدد یافتن بر وجه اکمل

اثر و ثمرهٔ عبادتست چنانکه ظاهر میشود از
حدیث قدسی که نزدیك نمیشود بمن بندهٔ من
بچیزی که دوست تر باشد از انچه من بر او واجب
کرده ام و بدرستی که نزدیکی میجوید بمن
بندهٔ من بسنتها تا آنکه او را دوست دارم پس
چون او را دوست دارم باشم کوش او که بآن
می شنود و چشم او که بآن می بیند و دست
او که بآن غضب میکند تا آخر حدیث **پنجم**
آنکه تخصیص خدا بعبادت اوّل چیزی است که حاصل
میشود باو اسلام امّا تخصیص باستعانت
پس بعد از رسوخ تامّست در دین پس لاحقست
بتأخیر **ششم** آنکه عبادت وسیلهٔ بحصول مطلبست

که مدد یافتن است و تقدیم وسیله بر طلب

مطلب اقربیت باجابت **هفتم** انکه چون متکلم

نسبت عبادت بخود داد نفس اورا اندك

عجبی و تکبری حاصل شد پس در عقب

آن اقرار کرد بانکه عبادت هم تمام نیت و صادر

نمیشود از من مگر بیاری و مدد خدای

تعالی اما تقدیم مفعول عبادت و استعانت

بر ایشان پس شاید که نکته در آن چیز باشد

اول انکه عبادت و استعانت مخصوص است

بخدای تعالی بقصر حقیقی یا اضافی افرادی

دویم انچه در وجود مقدم است **سیوم** اشاره

بانکه عبادت کننده و یاری طلبنده را باید که منظور

برای تقدیم

وملحوظ

و ملحوظ او اولا بالذات خدای تعالی باشد بروش

مَا رَاَیْتُ شَیْئًا اِلَّا رَاَیْتُ اللّٰهَ قَبْلَهُ یعنی هیچ

چیزی را ندیدم مگر انکه خدای تعالی را ملاحظه

کردم پیش از و و بعد از ان ملحوظ خودش باشد

نه بالذات بلکه از ان حیثیت که منسوبست بخدا

بعد از ان ملاحظهٔ عملش کند از عبادت نه از ان

جهت که از و صادر شده بلکه از انجهت که عبادت

نسبتی است شریف میانه او و میانه خدای تعالی

و اتمام کرد آوردن ایاك پس شاید که نکته

آن چهار چیز باشد **اول** انکه تصریح کردن

مخصوص باستعانت خداست و الا احتمال دارد

که مفعولش را موخر تقدیر کنند پس این تصریح

فوت می شد دویم دفع توهم انکه مجموع عبادت

و استعانت مخصوص است بخدا نه هر یك از انها

سیوم درك لذت خطاب با محبوب چهارم بسط

سخن با محبوب چنانکه در کلام موسی علی نبینا

و علیه السلام که هِیَ عَصَایَ أَتَوَکَّؤُ عَلَیْهَا وَ

أَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي تا اخر آیه و فرق میان این

و وجه آخر آنست که وجه چهارم جاریست اکر

چه بجای إِیَّاكَ إِیَّاهُ می بود بخلاف وجه اول

و امّا وجه اختیار صیغه متکلم مع الغیر که

نَعْبُدُ وَ نَسْتَعِینُ است بر متکلم واحد که

أَعْبُدُ وَ أَسْتَعِینُ باشد پس شاید که بجهت چهار

نکته باشد اول تنبیه بنده برای انکه در حال

عرض عبادت باید که ملاحظه کند فرشتها را

که با او می باشند یا جماعتی را که در ان نماز

جماعت حاضرند یا جمیع حواس و قوتهای

ظاهری و باطنی خودش را یا جمیع اینچه شامل

اوست دارم امکان و علامت وجود

بر وهست چنانکه خدای تعالی میفرماید که

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ یعنی والله اعلم

هیچ چیز نیست مکر که تسبیح خدای تعالی

میکوید و مشغول است بحمد خدای تعالی دوم

اعلام بنده بانکه خودش را حقیر تر از ان داند که

عبادت خودش را تنها عرض تواند کرد و کوچکتر

از انکه تنها طلب یاری برای خود تواند نمود

بدرگاه عظمت و کبریای الهی بلکه باید که با
عبادت جمع دیگر چنانکه داب و قاعده است
درعرض تحفها و هدیها بر درگاه پادشاهان
سیوم انکه چون خطاب بنده با حضرت ربوبیت
وعرض این که عبادت یعنی نهایت خشوع
وخضوع و تعظیم بابجا نمی آند مکر برای
حضرت الهی و مدد طلبیدن او در کارها ش
منحصرست از حضرت آلهی یعنی از غیر خدا
طلب مدد نمیکند با انکه خدای تبارك و تعالی
میداند که بنده خضوع وخشوع برای غیر
خدا هم میکند و از غیر خدا هم مدد میطلبد
جرائیست عظیم وبیحیائی و دروغ کو ئے

ظاهر است پس بواسطه این عدول کرد از
متکلم واحد بمتکلم مع الغیر بقصد انکه
این خطاب از زبان انبیا واصفیا و اولیا و
فرشتهاست که استعانت ونهایت خضوع برای
غیر خدای تعالی نمیکنند وطلب مدد از
غیر خدا نمی نمایند **چهارم** انکه چون در شرع
الهی که بر زبان حضرت رسالت پناهی صلی الله
علیه و آله جاری شده آنست که اکر شخصی
متاعی چند را به یکبار بفروشد بیك بیع
وظاهر شود که بعضی از انها عیب دارد
مشتری را نمیرسد که بی عیب را نکاه دارد
وعیب دار را پس دهد بلکه یا همه را پس دهد

یا همه را نگاه دارد و قبول کند پس گویا که
عابد چون عبادت خود را عیب دار میداند
عبادت عیب دار خود را با عبادات انبیا
و اولیا و ملائکه مقربین که خالی از عیبات
بدیکبار بر حضرت صاحب جود و
بخشش عرض میکند و حضرت خدای تعالی
کریم تر است از انکه عیب دار را رد کند
و بی عیب را قبول نماید و حال انکه بندکان را
ازین نهی کرده و بکرم او لایق نیست که
همه را رد کند پس همه را قبول خواهد کرد
و مطلوب بنده هم حاصل میشود و این وجه
بعبادت غیر معصومین ظاهرست و اما نسبت

بعبادت ایشان آنست که هم عبادت خود را
ناقص میدانند فتأمل و اما نکته توجه
از غیبت بخطاب پس حضرت استاد دام ظله
در تفسیر عروة الوثقی چهارده وجه برای
آن ذکر کرده اند و اینجا شش وجه
از انها بیان فرموده اند اول تنبیه بر انکه بنده
باید که عبادت و قراءت را با توجه تمام و حضور
دل بجا آرد چنانکه هر اسمی از اسمهای الهی را
که بزبان کذرانند و معنی آنرا در دل نقش
کند او را قرب زیاده شود بدرکاه الهی تا انکه
بمرتبه حضور و مشاهده رسد پس درینوقت
عدول باید از غیبت بخطاب دویم انکه رد

هدیه در روی شخصی باعث شکست خاطر
او میشود و خدای تعالی ازان کریم ترست
که شکست خاطر مؤمنی کند خصوصًا در روی او
پس عابد خواست که هدیه با انکه عیب ناکست
مقبول شود خود بر درکاه ربوبیت جل و علا
معروض داشت سیوم انکه اشارت بآنست که
چون خدای تعالی همیشه حاضرست و غایب
نیست بلکه نزدیکترست به بنده از رك کردن
پس بایست که اول کلام بطریق خطاب باشد
اما چون بنده خود را از مقام قرب و حضور
دور داشته بواسطهٔ رعایت قانون ادب که
داب عاشقانست چنانکه کفته اند طُرُقُ العِشقِ

كلها

كلها آداب پس چون عابد اولا قیام باین
نمود کویا که مستحق حضور شد پس تکلم
کرد بمقتضای مقام مجالست چنانکه فرمود
اَنَا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِي چهارم تنبیه بر بزرکی
رتبه قرآن مجید و راه نمودن بنده بانکه
هرکاه این قدر از قرآن را بر زبان جاری
ساند فایز میشود بسعادت قرب و نزدیکی
و حضور پس اکر مداومت نماید بر ذکر
الهی و مواظبت کند بر تلاوت قرآن و دانستن
معنیهاآن در شبها و روزها پس البته حجاب
از میانه بر میخیزد و میرسد بمقام حضور و
مشاهده حقیقی روایتست که حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام فرموده که خدای تعالی تجلی کرده
برای بندکانش در کلامش لیکن ایشان
نمی بینند وهم ازان حضرت علیه السلام روایتست که
در بعضی روزها نماز میکزارده در اثنای
نماز بیهوش می شده می افتاد بعد ازان سبب آن
پرسیده اند حضرت فرمود که چندان این آیه را
تکرار کردم که از کوینده اش شنیدم بعضی
از عارفین کفته که دران وقت زبان حضرت
علیه السلام بجای درخت طور موسی بوده که
کفت اِنّی اَنَا اللهُ و درین معنی شیخ شبستری
فرموده که مثنوی روا باشد انا الله از درختی
چرا نبود روا از نیك بختی پنجم انکه چون در

عبادت کلفتی و مشقتی هست و از داب
عاشق آنست که در حضور معشوق تحمل مشقت
بیشتر میکند از غیبت بلکه در حضور آنرا
مشقت نمیداند خدای تبارك و تعالی خواست
که شوق بنده را زیاده کند بعبادت اشعار او
بانکه او حاضر است بر جمیع احوال و واقف
و مطلع تا بنده را نشاط زیاده شود و اتمام
عبادت از روی نشاط تمام و شوق تمام کند
ششم انکه حمد اظهار نیکیهای محمود ست نزد
غیر او پس مادام که سالك از مرتبه قرب و حضور
دور است در نظرش غیر او وجودی هست و اظهار
کمالات محبوب نزد آن غیر میکند اما چون

بسبب ذکر و توجه بدرگاه الهی او را ترقی
واقع شود از مرتبهٔ بُعد بمرتبه حضور در نظرش
وجودی نماند سوای معبود بحق را پس بالضروره
باو متوجه شده او را مخاطب خواهد ساخت و
بالاتر ازین مقام مقامیست که ازان نشان
نمیتوان داد و سخن را در بیان آن راهی نیست
بلکه از گفتگوی پنهانتر میشود وَاِنَّ قَمِيصًا
خِيطَ مِنْ نَسْجِ تِسْعَةٍ وَعِشْرِينَ حَرْفًا عَنْ
مَعَالِيهِ قَاصِرٌ یعنی پیراهنی که از تار و پود
بیست و نه حرف بافته شده باشد بر بالای
بلند این مرتبه کوتاه هست خدایا بگشا از دیدهای
ما پردها جسمانی را و بردار از دلهای ما

پوششهای هیولانی را تا بغیر تو نبینند از نیم
نظر و نباشد در دل ما از و غیبی و اثر چون
تو بخشندهٔ کریمی و مهربان رحیمی اِهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ هدایت ارشاد و دلالت
است بلطف خواه بمطلب برساند و خواه راه
بمطلب نماید و خواه متعدی شود بمفعول
دویم بواسطه حرف جر یا بی واسطه و بعضی
گفته اند اگر متعدی شود بواسطهٔ حرف جر
پس بمعنی راه بمطلب نمودنست و اگر بی واسطهٔ
حرف متعدی شود بمعنی رسانیدن بمطلبست
و بعضی گفته اند که مطلقاً بمعنی رساندن
بمطلوبست و دفع میکند این مذهب را قول

خدای تعالی وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ و مذهب دویم

رد میکند قول خدای تعالی فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى

عَلَى الْهُدَى واما قول خدای تعالی إِنَّكَ

لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ مطلب ایشان را ثابت

نمیکند بلکه خاص ترست از مطلوب ایشان بدانکه

هدایت حضرت عزت شانه اگرچه غیر متناهیست

وحصر و تعداد آن ممکن نیست داخل است در

چهار نوع اول راهنمائی بگرفتن منفعتها و دفع

مضرتها بسبب دادن حواس ظاهری از چشم و

گوش و شامه و لامسه و ذایقه و حواس

باطنی از فکر و فهم و غیر آن و قوت عاقله

چنانکه میفرماید أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ

هدی

هَدَى دویم نصب دلیلهای عقلی که فرق کننده

است میان حق و باطل و صلاح و فساد

چنانکه میفرماید وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ سیم هدایت

بفرستادن پیغمبران و کتابها چنانکه

میفرماید وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا

الْعَمَى عَلَى الْهُدَى چهارم نمودن راه سیر

وطریق و رسیدن بحضیرهای قدس و فایز شدن

بمقام انس بزایل ساختن آثار تعلقات بدنی و

کندن پوششهای جسمانی و غرق شدن در

ملاحظه اسرار کمال و مطالعه نورهای

جمال و این نوع از هدایت مخصوص است باولیا

وتابعان ایشان پس هرگاه قاری در مرتبه سیم

قصد کند با هدنا هدایت مرتبه چهارم را

و اگر بمرتبه چهارم رسیده باشد قصد

کند با هدنا معنی ثبتنا یعنی ما را ثابت دار برین

هدایتی که کرده چنانکه در تفسیر این آیة

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده یا قصد

کند زیادتی را یعنی هدایت ما را زیاده

گردان پس هدایت بنا بر اول مجازست و بنا

بر دویم هم مجازست و اگر زیادتی را در معنی

مستعمل فیه داخل دانیم والا حقیقتست و

صراط اینجا بمعنی جاده و راهست گویا که فرو

می برد راه رو را یا آنکه گویا راه رو او را فرو

می برد و ابن کثیر بسین خوانده و غیر حمزه از

قرا بصاد و حمزه اشمام میکند بزای و مراد

بصراط مستقیم یا راه حقست مطلقا یا دین

اسلام صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ

الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ مجموع این آیتست نزد جمیع

ولا الضالین مم

علمای ما و هر که موافق است با ما در آنکه بسمله

یک آیه است از الحمد و اما بعض مخالفین که

بسمله را یک آیه از الحمد نمیدانند صِرَاطَ الَّذِينَ

أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ را آیه ششم میدانند و باقی را آیة

هفتم زیرا که جمیع امت پیغمبر صلی الله علیه و آله

متفقند اند در آنکه سورهٔ فاتحه هفت آیاتست

پس اگر کسی نذر کند که یک آیه از سورهٔ فاتحه

بخواند ذمتا و بری نمیشود بخواندن صِرَاطَ الَّذِينَ

اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ پیش علمای ما چنانکه پیش علمای
مخالفین بری نمیشود بخواندن بسمله و این آیة
در حکم تفسیر صِرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ است و
صراط بدل کل است ازو و مراد بالَّذِینَ اَنْعَمْتَ
عَلَیْهِمْ جماعتی اند که مذکور شدند در آیه اُولٰئِكَ
مَعَ الَّذِینَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ
الصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِینَ و بعضی
گفته اند مراد مسلمانانند زیرا که نعمت اسلام
سر جمیع نعمتهاست بدانکه نعمتهای الهی اگرچه
غیر متناهی است و هیچ کس را قدرت حصر و
تعداد آن نیست هشت نوع است زیرا که دنیوی است
یا اخروی و این دو یا موهبتی است یا کسبی

و هر یک ازین چهار یا روحانی است یا جسمانی
باین تفصیل دنیوی موهبی روحانی مثل
دادن عقل و فهم و جسمانی مثل خلق اعضا
دنیوی کسبی روحانی مثل دادن صفات
نیکو و جسمانی مثل زینت دادن بدن
بهیئات خوب اخروی موهبی روحانی مثل
بخشیدن گناه بی توبه جسمانی مثل نهرهای
شیر و عسل در بهشت اخروی کسبی روحانی
مثل بخشیدن گناه بعد از توبه جسمانی
مثل لذات جسمانی که در آخرت در عوض
افعال داده میشود و مراد اینجا چهار آخرت
و انچه از چهار اول باشد برای تحصیل این

چهار آخر و**غضب** بر انگیخته شدن نفس است
برای انتقام و اسنادش بخدای تعالی باعتبار
غایتست مثل رحمت و ضلال عدول است
از راه راست اگرچه سهواً باشد و مشهور
آنست که مراد بمغضوب علیهم یهودند و بضالین
نصاری و بعضی تفسیر کرده اند مغضوب علیهم را
بعاصیان در فروع و ضالین را بمخالفان
در اعتقادیات زیرا که منعم علیه کسی است
که جمع کرده باشد میان علم باحکام اعتقادیه
و عمل بشریعت مطهره پس مقابل او کسیست
که یکی ازین دو را نداشته باشد و لفظ غیر
یا بدل است از الذین یا صفت مبینه اوست

یا صفت مقیده است و بر هر تقدیر غیر نکره
صرفست و کسب تعریف از مضاف الیه خود
نمیکند مگر آنکه مضاف الیه را یک ضد
باشد و موصوفش معرفه است و وصف معرفه
بنکره جایز نیست پس اینجا تاویل باید از تکاب
آن کرد که غیر چون مضافست بچیزی که
او را یک ضدست پس کسب تعریف کرده
یا آنکه چون مراد بالذین جماعتی اند که اهتمامی
بشان ایشان نیست پس قایم مقام معرف بلام
جنس باشد که مراد یک فرد غیر معین باشد و
لفظ لا برای تاکید نفی است که پیش از وست
و برای تصریح بانکه شامل هر یک از ان متعاطفین است

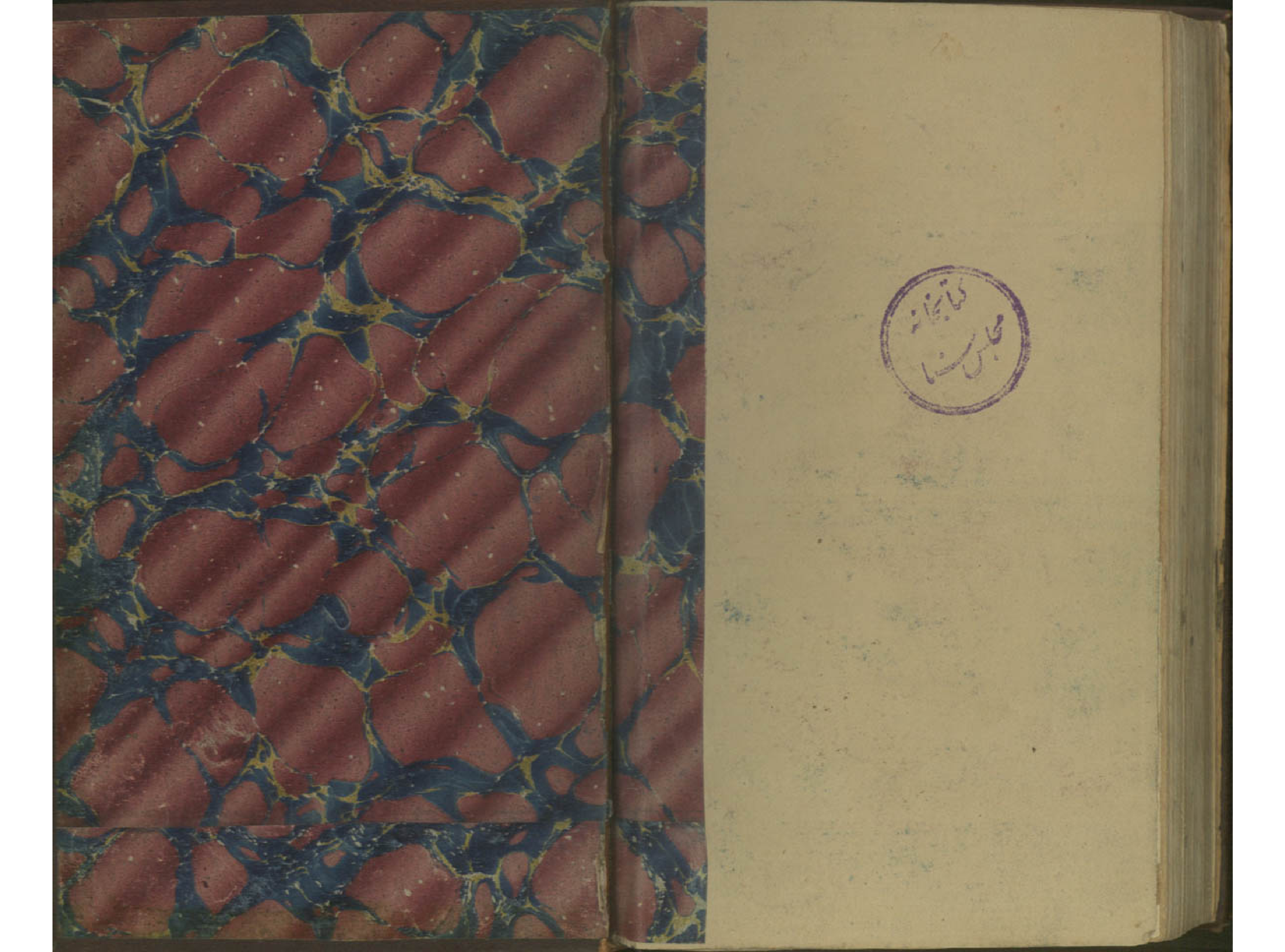
وچون اینجا غیر متضمن معنی مغایرتست
ومعنی نفی جائزست ذکر لا وازینجهت
جائزاست کفتن انا زیدًا غیر ضارب برای
رعایت جانب نفی پس اضافه بمنزله عدم میشود
پس جائزست تقدیم معمول مضاف الیه بر
مضاف چنانکه جائزست انا زیدًا لا ضارب
اگرچه جائز نیست در انا مثل ضارب زیدًا انا زیدًا
مثل ضارب زیراکه ممتنع است واقع شدن
معمول جائی که ممتنع است واقع شدن عاملش
انجا بانکه مناسب آن بود که بعد از الَّذِينَ اَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الَّذِينَ غُضِبَ عَلَيْهِمْ کفته شود در
عدول کردن حضرت عزت در اسناد غضب

بجودش جل شانه بواسطه محکم ساختن
بنای عفو وبخشش در دل بندکان تا شان
بانکه جود وبخشش محبوب اوست نه
غضب وکویا که انچه ازو صادر می شود
همین رحمتست وعفو وغضب از غیر
او صادر می شود ومثل اینست در تصریح
اسناد نعمت وتعریض در جانب عقاب
قول خدای تعالی لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ
وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ
زیراکه نکفت لَأُعَذِّبَنَّكُمْ با انکه مناسب
بمقابله این بود وهمچنین قول خدای تعالی
يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ

اللهُ غَفُوراً رَحِیماً بآنکه مناسب بمقابله
وَکَانَ اللهُ غَفُوراً مُعَذِّباً بود پس
عدول ازان بتکرار رحمت بواسطهٔ
ترجیح جانب رحمتست وچنانکه در قول
خدای تعالی عز سلطانه غَافِرِ الذَّنبِ وَ
قَابِلِ التَّوبِ شَدِیدِ العِقَابِ ذِی
الطَّولِ که حضرت عزت سه صفت رحمت
ذکر کرده و یك صفت انتقام و آن را
هم در میان صفات عفو مستغرق کردانیده
غفوراً رحیماً گناه مادر ماندگان
بیچاره را بآب مغفرت و رحمت بشو تا آخر
عمر از شر شیطان نگاه دار و مسلط کردان

ما را برو و ما آب دارین ما را از خزینه
کرم وجود روا کن و ما را بغیر
خود محتاج مساز و درد ما را خود
دوا کن قد فرغت بعون الله تعالی
الکریم من کتابة هذا الکتاب فی یوم الاربعاء
ثمان عشر شهر رمضان المبارک من السنة
الخامسة بعد التسعین والالف من الهجرة العبد
المذنب العاصی المؤمل الی عفو ربه
الکریم ابن محمد حسین محمد جعفر
اللاهیجانی اللهم اغفر لهما
بحق النبی و آله صلی
الله علیهم

اللهم اجعل القرآن
لنا في الدنيا قرينا وفي سكرات الموت
بشيرا وعند الموت نذيرا وفي القبر مونسا وفي القيمة
شفيعا وفي الميزان ثقيلا وعلى الصراط دليلا وفي الجنة
رفيقا وعلى الخيرات دليلا برحمتك يا ارحم الراحمين
وشرف
اللهم اعطنا بركة القرآن خير الدارين وصحف
لنا وللوالدين وللمؤمنين والمؤمنات اللهم
ارزقنا بكل سورة من القرآن سلامة
وبكل آية ... امة وبكل حرف جزاء
اللهم ارزقنا بالالف الفة منه
وبالباء بركة وبالتاء توبة
وبالثاء


کتابخانه
مجلس شورا

